

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیام‌های آسمان

سال سوم دوره راه‌سنمایی تحصیلی

مرحله دوم تعلیمات عمومی

(اجرای آزمایشی)

تعلیم و تربیت اسلامی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: پیام‌های آسمان سوم راهنمایی (اجرای آزمایشی) - ۱۳۵/۳

شورای برنامه‌ریزی و تألیف: پرویز آزادی، دکتر محمدمهدی اعتصامی، یونس باقری، دکتر محمدرضا سنگری،
حجة الاسلام دکتر حسین سوزنجی، یاسین شکرانی، سیدسجاد طباطبائی‌نژاد،
مصطفی فیض، حجة الاسلام محمود متوسل آرانی، حجة الاسلام سیدصادق
پیشمنزای و حجة الاسلام سیدمحمدحسین تقوی (از معاونت تبلیغ و آموزش‌های
کاربردی حوزه علمیه قم)

مؤلف: حجة الاسلام علی کاظمی

ویراستار: محمدکاظم بهنیا

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۰۹۲۶۶۰۸۸۳، کد پستی: ۱۵۸۴۷۳۳۵۹

وب‌سایت: www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ: سیداحمد حسینی

صفحه‌آرا: زهره بهشتی‌شیرازی

حروفچین: فاطمه باقری‌مهر

امور آماده‌سازی خبر: فاطمه پزشکی

امور فنی رایانه‌ای: حمید ثابت‌کلاچاهی، مریم دهقان‌زاده

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

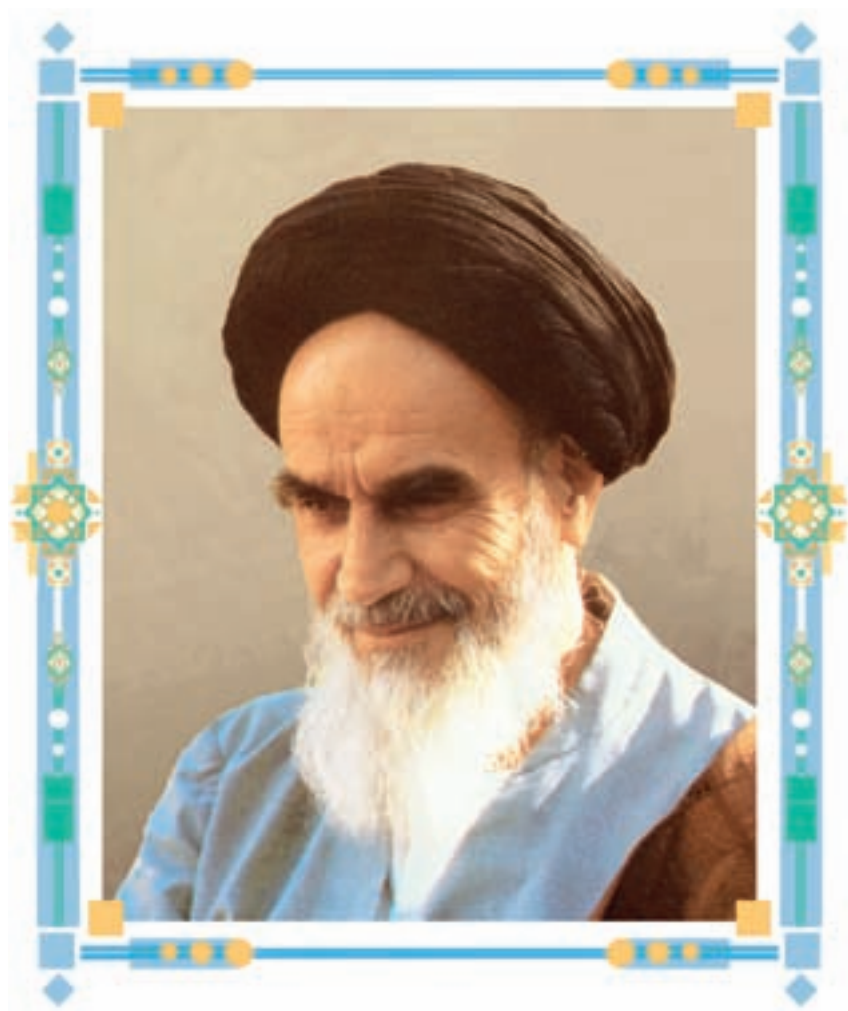
تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۰۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ سوم ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۱۹۹۵-۰ ISBN 978-964-05-1995-0



مقام معظم رهبری :

آن چیزی که امام را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر می‌کرد، عبارت بود از: ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او. او واقعاً «عبد صالح خدا» بود. او الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود.

حدیث ولایت، ج ۱، صص ۲۵ و ۱۲

فهرست

۱	فصل اول : خداشناسی
۲	درس اوّل
۹	درس دوم
۱۵	فصل دوم : راه و توشه
۱۶	درس سوم
۲۲	درس چهارم
۲۸	درس پنجم
۳۴	درس ششم
۴۰	فصل سوم : معاد
۴۱	درس هفتم
۴۶	فصل چهارم : راهنماشناسی
۴۷	درس هشتم
۵۳	درس نهم
۵۹	درس دهم
۶۷	درس یازدهم
۷۳	فصل پنجم : اخلاق
۷۴	درس دوازدهم
۸۲	درس سیزدهم
۹۰	درس چهاردهم
۹۷	فصل ششم : جامعه
۹۸	درس پانزدهم

دبیران محترم

۱- بخش‌های «بیشتر بدانیم» هر درس فقط برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان است. دبیر محترم می‌تواند برای توضیح درس از آنها استفاده کند و یا نمره تشویقی برای این بخش‌ها در نظر بگیرد، اما نباید در ارزشیابی مستمر یا پایانی مورد سؤال قرار گیرد.

۲- در پایان بیشتر درس‌ها فعالیت‌های تحقیقی و اجرایی با عنوان «پیشنهاد» درج شده است که می‌تواند دانش‌آموزان را در رسیدن به اهداف درس یاری دهد. این بخش‌ها نیز مانند بخش «بیشتر بدانیم» اختیاری بوده و چنان‌که دانش‌آموزی برخی از آنها را اجرا کند، حداکثر ۲ نمره به عنوان تشویق به ارزشیابی مستمر نوبت‌های اول و دوم او افزوده می‌شود.

۳- کلیه مطالب بخش‌های «فعالیت کلاسی» به منظور افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند آموزش است و می‌تواند نقش مهمی در نمره ارزشیابی‌های دانش‌آموز داشته باشد.

۴- حفظ متن عربی آیات و احادیث و هم‌چنین عین ترجمه آنها الزامی نیست و تنها مفهوم و پیام آیات و احادیث در ارزشیابی‌ها مورد پرسش قرار می‌گیرند. بدیهی است که حفظ و ذکر نام معصوم نیز در پرسش از حدیث نباید مورد سؤال قرار گیرد.

۵- نیاث‌هایی که بعد از ارزشیابی پایانی برخی درس‌ها آمده است به منظور جمع‌بندی نهایی و تبیین و توضیح درس ذکر شده‌اند؛ اما این بخش‌ها نباید در ارزشیابی‌های مستمر یا پایانی مورد سؤال قرار گیرند.

شیوه‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

ارزشیابی درس تعلیم و تربیت دینی دوره راهنمایی در دو قالب «ارزشیابی تکوینی» (مستمر) و «ارزشیابی پایانی» انجام می‌گیرد و نمره نهایی از مجموع نمرات این دو ارزشیابی به دست می‌آید.

در ارزشیابی تکوینی باید بیشتر به مهارت‌ها توجه شود و جنبه کیفی و توصیفی داشته باشد؛ زیرا ارزشیابی تکوینی یک ارزشیابی سازنده است که می‌تواند در خدمت ارتقای کیفی یادگیری قرار گیرد. دبیر در برگه ثبت ارزشیابی، میزان یادگیری هر دانش‌آموز و انجام فعالیت آموزشی او را می‌نویسد و نظر خود را ابراز می‌کند. علاوه بر این، متناسب با فعالیت‌های انجام شده، میزان یادگیری دانش‌آموز را تبدیل به ابزار کمی می‌کند و به صورت نمره ارائه می‌دهد.

ارزشیابی پایانی دارای آزمون کتبی است. در این آزمون میزان یادگیری محتوای آموزشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سؤال‌های آزمون باید توزیع متناسبی از سطوح یادگیری را در برگیرد و به سطوح بالاتر توجه بیشتری کند. درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال و داوری از اهم سطوحی است که باید بدان توجه شود. بنابراین تفصیل ارزشیابی از این قرار است:

۱- نمره ارزشیابی هر نوبت، حاصل جمع نمره ارزشیابی تکوینی و نمره ارزشیابی کتبی پایانی خواهد بود.

۲- ارزشیابی تکوینی (اعم از ارزشیابی‌های کتبی و شفاهی صورت گرفته در طول نوبت) دوازده نمره دارد و ارزشیابی کتبی پایانی هشت نمره دارد.

۳- بارم‌بندی ارزشیابی تکوینی هر نوبت (۱۲ نمره) به شرح زیر است:

الف) پاسخ به پرسش‌های استخراجی معلم از متن کتاب: ۴ نمره

ب) انجام فعالیت‌های کلاسی متن کتاب: ۳ نمره

ج) پاسخ به پرسش‌های پایانی هر درس : ۳ نمره
د) فعال بودن و مشارکت در فرآیند تدریس : ۲ نمره
تبصره ۱ : فعالیت‌های اختیاری بیرون از کلاس (اعم از آنچه در کتاب تحت عنوان «پیشنهاد» مشخص شده است و آنچه از سوی معلم تعیین می‌شود) جنبه الزامی ندارد و صرفاً می‌تواند برای دانش‌آموز نمره تشویقی داشته باشد. این نمره حداکثر دو نمره علاوه بر دوازده نمره ارزشیابی تکوینی است و مکمل نمره تکوینی دانش‌آموز خواهد بود.

۴- ارزشیابی پایانی نوبت اول از مطالب تدریس شده همان نوبت و ارزشیابی پایانی نوبت دوم و پس از آن، از تمامی محتوای کتاب درسی به عمل می‌آید.

۵- در کلیه ارزشیابی‌ها (تکوینی و پایانی) ملاک ارزشیابی درک مفهوم است و از نام شخص، تاریخ، مکان و سایر سؤالاتی که بیشتر بر حافظه تکیه دارد و کمتر درک مطلب و مفهومی است، سؤال طرح نشود.

۶- حفظ متن عربی آیات و احادیث و همچنین عین ترجمه آنها برای دانش‌آموز الزامی نیست و در ارزشیابی‌ها فقط می‌توان از مضمون، مفهوم و پیام آیات و احادیث استفاده کرد.

دانش آموزان گرامی، دوستان عزیز! سلام

آفرین بر شما که توانستید با تلاش و کوشش خود، دورهٔ دبستان را با موفقیت پشت سر گذاشته و به مرحلهٔ جدیدی از زندگی تحصیلی تان قدم بگذارید.

خداوند بزرگ را برای این موفقیت سپاسگزاریم.

کتابی که پیش روی شماست، ادامهٔ کتاب هدیه‌های آسمان است که تلاش بر این بود تا راه رسیدن به زندگی زیباتر را به شما نشان دهد.

خداوند مهربان، بهشت زیبایش را برای تو آفریده است. برای تو و هرکس دیگری که آن را دوست بدارد و برای رسیدن به آن تلاش کند.

او تمام موجودات را برای خوشبختی و سعادت انسان آفریده است و آنها را در مسیر هدایت و کمال وی قرار داده تا بتواند در دنیا و آخرت خوشبخت باشد و راه سعادت را که پایان آن، بهشت زیبای اوست بیماید.

این کتاب تلاش می‌کند تا به چند سؤال مهم شما پاسخ بدهد:

● از کجا آمده‌ام؟

● به کجا خواهم رفت؟

● راه درست را از چه کسی باید بیرسم؟

● چه کسانی مرا در این راه، همراهی می‌کنند؟

● راهزنان و دشمنان من در این راه چه کسانی‌اند؟

● برای اینکه سالم به مقصدم برسم، باید چه توشه‌ای همراه خود ببرم؟

امیدواریم که بتوانید این مراحل را نیز مانند مراحل قبلی با سربلندی پشت سرگذارید و با عمل به آنچه فرامی‌گیرید، هر لحظه به مقصد زیبایی که در پیش رو دارید نزدیک و نزدیک‌تر شوید.

سعی کنید درس‌ها را خوب بیاموزید. به آموخته‌های خود فکر کنید و دربارهٔ آنها با هم کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید. اگر پیشنهادی داشتید، حتماً آن را بازگو کنید. بدانید که خداوند به شما نیرویی داده است که اگر خودتان بخواهید، می‌توانید از پس هر کاری برآیید، پس از او یاری بخواهید و تلاش را آغاز کنید. تلاش برای موفقیتی دیگر . . .

فصل اول: خداشناسی



در سال‌های پیش با برخی از نام‌ها و ویژگی‌های خداوند بلندمرتبه آشنا شدیم.

دانستیم که او آفریدگار همه موجودات است و تمام هستی را با نظم و حکمتی شگفت‌انگیز به وجود آورده است. او همه آفریده‌هایش را می‌بیند و تنها یاریگر آنهاست. دعا‌های آن‌ها را اجابت می‌کند و به سپاسگزاران لطف بیشتری دارد. فصل نخست کتاب حاضر نیز مانند کتاب‌های پیش به خداشناسی اختصاص دارد.

درس اول (بخشندگی و گذشت) به بررسی غفاریت و گذشت خداوند مهربان پرداخته و گوشه‌ای از دریای بی‌پایان محبت و گذشت خداوند را به ما نشان می‌دهد. به علاوه این درس به ما می‌آموزد که گذشت نسبت به دیگران می‌تواند ما را مورد توجه بیشتر خداوند قرار دهد.

درس دوم (هر چیزی به جای خویش نیکوست) به ما نشان می‌دهد که آفرینش موجودات با یک‌دیگر متفاوت است و خداوند حکیم آن‌ها را مانند هم نیافریده است. به علاوه این درس دلیل برخی از تفاوت‌ها را نیز در میان انسان‌ها بررسی می‌کند.



بخشندگی و گذشت

پس از سال‌ها گناهکاری بالاخره نشانه‌های مجازات خداوند پدیدار شده بود. مدت‌ها بود که دیگر باران نمی‌بارید و سایه سنگین خشکسالی و قحطی بر سرشان سنگینی می‌کرد. مردم که دیگر فهمیده بودند همه مشکلاتشان به خاطر گناهان خودشان است، همگی جمع شده و نزد پیامبرشان رفتند: ای پیامبر خدا، اگر باران نبارد، همگی از تشنگی و گرسنگی خواهیم مرد. چه کنیم؟

– زن و مرد، کوچک و بزرگ و پیر و جوان، همه جمع شوید تا برای دعا و نماز باران از شهر بیرون برویم...



همه در بیابان مشغول مناجات بودند که فرشته وحی نازل شد: در میان مردم، جوانی است که مرتکب گناهان بزرگی می‌شود، تا او در میان مردم باشد، دعای آنها مستجاب نمی‌شود. پیامبر خدا موضوع را با مردم در میان گذاشت. جوان باید از جمع بیرون می‌رفت تا باران بیارد. جوان گناهکار لحظات سختی را می‌گذراند. مردم کنجکاوانه می‌خواستند بدانند آن فرد گناهکار کیست؟ جوان می‌دانست که پیامبر خدا درباره او سخن می‌گوید، اما اگر بلند می‌شد و بیرون می‌رفت،

آبرویش پیش همه می‌رفت و دیگر نمی‌توانست در آن شهر زندگی کند. از طرفی هم اگر بر نمی‌خواست، رنج و قحطی ادامه پیدا می‌کرد.

احساس کرد خیلی تنه‌است. سرش را پایین انداخت و قطره‌های اشک از چشمش فرو چکید :
خدایا، اکنون فقط تو صدای مرا می‌شنوی و از دل من آگاهی. خدایا، از تو عذر می‌خواهم و عهد می‌کنم که دیگر آن گناهان را تکرار نکنم. خواهش می‌کنم تو هم مرا ببخش و آبرویم را نیز! خدایا، من به قولی که به تو دادم پایبندم ...

مردم هنوز منتظر بودند فرد گناهکار را ببینند که ناگهان صدای رعد و برق و بارش باران آنها را به خودشان آورد. شادی آنها با تعجب آمیخته و نگاه حیرت آمیزشان به پیامبرشان دوخته شده بود. آخر هیچ کس از بین جمعیت بیرون نرفت، پس آن فرد گناهکار کیست؟

وقتی پیامبر خدا این پرسش را از خدای خود پرسید، پاسخ شنید : ای پیامبر ما، او دیگر آن بنده گناهکار نیست. بنده ما توبه کرد و به سوی ما بازگشت. پیامبر گفت : خداوندا، او را به من معرفی کن تا حداقل من او را بشناسم!

: ای پیامبر ما، آن زمان که او گناهکار بود آبرویش را نبردیم، آیا اکنون که بازگشته و دوست ماست آبرویش را ببریم؟!



داستانی که خواندیم شما را به یاد کدام یک از نام‌های خداوند می‌اندازد؟

یکی از نام‌های خداوند بلندمرتبه غفار است؛ یعنی بسیار آمرزنده.

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که به طور اتفاقی یا از روی نادانی کسی حق شما را ضایع کند یا اینکه نسبت به شما رفتار بدی از خودش نشان دهد. در این هنگام، شما چه واکنشی از خودتان نشان داده‌اید؟

در چنین زمانی برخی از مردم هرگز حاضر نیستند خطاهای دیگران را ببخشند. عده‌ای هم هستند که تنها از اشتباهات کوچک دیگران، چشم پوشی می‌کنند، اما نمی‌توانند از اشتباهات بزرگ آنان بگذرند.

اگر کسی بارها با رفتار نادرستش شما را آزرده و در برخی موارد حتی از شما عذرخواهی هم نکرده است، آیا او را می‌بخشید؟

خداوند بخشایشگر، نه تنها خطاهای کوچک ما، بلکه همه گناهان و حتی اشتباهات متعدد

بندگانش را نیز می‌آمرزد. تنها کافی است بنده‌ای از کار زشتش پشیمان شده و تصمیم بگیرد دیگر آن کار را تکرار نکند.^۱

اکنون به نظر شما خداوند کدام گروه از بندگانش را بیشتر دوست دارد؟ آنان که مانند خودش اهل گذشت و بخشش‌اند، یا انسان‌های بی‌گذشت؟



وَلْيَعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ عَفُورٌ
رَحِيمٌ^۲

(مؤمنان) عفو و گذشت پیشه کنند و (از یکدیگر) درگذرند. آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم شما را ببامرزد؟ خداوند آمرزنده و مهربان است.

فعالیت کلاسی

در جامعه‌ای که هیچ کس حاضر به عفو و بخشش خطاهای دیگران نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟
با هم‌کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید و رفتار افراد بخشنده و افراد بی‌گذشت را در اتفاقات روزمره زندگی با هم مقایسه کنید.

بخش تا بر تو ببخشند!

درشت استخوان بود و بلندقامت! محکم و استوار قدم برمی‌داشت و با گام‌هایی آرام، بازار کوفه را طی می‌کرد. اندام ورزیده و چهره آفتاب سوخته‌اش در کنار زخم شمشیری که از جنگ‌های قبلی روی صورتش یادگار مانده بود به او ابهت خاصی می‌بخشید.

۱- روشن است که اگر حق الناس به عهده کسی باشد، برای توبه کردن پشیمانی کافی نیست و انسان باید حقوق مردم را جبران

کند.

۲- سوره نور، آیه ۲۲.

در شلوغی بازار، چند نفر از بازاریان با هم مشغول گفتگو بودند. در این میان، یکی از بازاریان سبک مغز که کارش خندانند دیگران بود، مشت زباله برداشت، به اطراف نگاه کرد، چشمش به نزدیک‌ترین عابر که افتاد، زباله‌ها را به طرف او پرتاب کرد؛ ناگهان صدای خنده آنها توجه همه را به خود جلب کرد.

زباله‌ها روی شانه مرد بلند قد، ریخته و لباس و بدنش را آلوده کرده بود.

گره‌ای که در ابروها و پیشانی بلندش افتاد نشان می‌داد که سخت عصبانی شده است. او سر جایش ایستاد و انگشتان استخوانی‌اش را در مشتش فشرد، اما پس از مدت کوتاهی بر خلاف انتظار بازاریان که دعوایی سخت را پیش بینی می‌کردند، بدون اینکه حتی به طرف آنان برگردد، راه خودش را در پیش گرفت و از آنان دور شد.

یکی از آنان به مرد سبک مغز گفت: خدا خیلی به تو رحم کرد، اگر به سراغت می‌آمد...

اما یکی دیگر از آنان فوراً جواب داد: او یک نفر بود و ما چند نفر، اگر هم دعوایی پیش می‌آمد، خودش پشیمان می‌شد.

هنوز این گفت‌وگو پایان نیافته بود که یکی از بازاریان که از دور ماجرا را تماشا می‌کرد، هراسناک خودش را به آنان رسانده و گفت: عجب آدم‌های بی‌فکری هستید، هیچ می‌دانید که به چه کسی توهین کردید؟

مرد بی‌فکر در حالی که می‌خندید جواب داد: او هم یکی بود، مثل هزاران عابر دیگری که هر روز از این بازار می‌گذرند، فقط قدش کمی بلندتر از بقیه بود.

مرد با نگرانی گفت: اگر او را شناخته بودید، این گونه نمی‌خندیدید، او فرمانده لشکر اسلام، مالک اشتر بود!

ناگهان صدای خنده قطع شد و رنگ از رخسار آن جمع‌پرید. مرد سبک مغز با ترس و لرز گفت: همان مالک اشتر معروف که نامش دل‌شیر را آب می‌کند؟ همان که پهلوانان دشمن از شنیدن نامش به خود می‌لرزند؟ بعد کمی سکوت کرد و آرام گفت: وای بر من! این چه حماقتی بود که من کردم؟ حتماً الان دستور خواهد داد که مرا بگیرند و سخت مجازات کنند. باید فوراً بروم و از او عذرخواهی کنم. حتی اگر لازم شود به او التماس خواهم کرد...

بی‌معطلی به دنبال مالک اشتر به راه افتاد. دید که مالک وارد مسجدی شد. با خودش گفت: حتماً نگهبانان و سربازانش اینجا هستند؛ ولی چاره‌ای ندارم باید پیش از اینکه آنان به سراغم بیایند، خودم نزد او بروم و تقاضای بخشش کنم. آرام و با ترس و لرز وارد مسجد شد. دید که مالک اشتر

به نماز ایستاده و از نگهبانان هم خبری نیست. نفس راحتی کشید و منتظر ماند تا نماز مالک تمام شود.

مرد با سرافکندگی و پشیمانی کنار او نشست و با صدایی لرزان گفت: من همان کسی هستم که در بازار به شما بی ادبی کردم. از شما معذرت می‌خواهم و تقاضا می‌کنم از مجازات من صرف نظر کنید. می‌دانم که به مسجد آمده‌اید تا به سربازانتان دستور مجازات مرابدهید. خواهش می‌کنم این اهانت مرا نادیده بگیرید...

مالک جواب داد: اشتباه می‌کنی. به خدا قسم من فقط به خاطر دعا برای تو به مسجد آمدم. وقتی که دیدم تو بی دلیل مردم را آزار می‌دهی، دانستم که مرد نادانی هستی؛ دلم برایت سوخت. برای همین هم به مسجد آمدم تا دعا کنم و از خدا بخواهم که تو را به راه درست هدایت کند.^۱



عفو و گذشت از خطاهای دیگران، علاوه بر اینکه موجب خشنودی خداوند شده و شخص بخشنده را از رحمت بیشتر الهی بهره مند می‌کند، باعث می‌شود که انسان همواره مورد محبت و تقدیر مردم قرار بگیرد. این در حالی است که اگر شخص بخشنده، به جای عفو و گذشت، سعی می‌کرد از خطاکاران انتقام بگیرد، هرگز نمی‌توانست به تمام این مزیت‌ها دست یابد. بنابراین، کسی که در هنگام خشم از خطاهای دیگران با انتقام و تنبیه آنان دل خودش را آرام کند، تنها به زیان خودش عمل کرده و خود را از پاداشی بزرگ محروم کرده است.

رسول گرامی اسلام، حضرت محمد **صلی الله علیه و آله و سلم** می‌فرماید:

همواره اهل گذشت باشید، بی تردید عفو و گذشت بنده را عزیز و سرافراز می‌گرداند.
پس، از یکدیگر بگذرید تا خداوند شما را عزیز و سرافراز گرداند.^۲

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۰۸.

جدول زیر را مانند نمونه کامل کنید :

مواردی که گذشت از خطای دیگران پسندیده است	مواردی که نباید از خطای افراد چشم پوشی کرد
فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است	
	اصلاً کار خودش را خطا نمی‌داند
بخشش باعث راهنمایی او می‌شود	
	بخشش او باعث بی‌ادبی افراد نادان دیگر می‌شود

خودت را امتحان کن

- ۱- غفّار یعنی چه؟ چرا به خداوند مهربان غفار می‌گوییم؟
- ۲- با استفاده از آیه زیر توضیح دهید که گذشت از دیگران چه فایده‌ای برای ما

دارد؟

وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ .

- ۳- با توجه به حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توضیح دهید که عفو و گذشت چه فایده‌ای برای انسان‌های با گذشت دارد؟

الهی

الهی،
ای نهایت آرزوها و درخواست‌هایم،
خطاهایم جامهٔ خواری بر من پوشانده،
و گناهان دلم را میرانده است، پس تو خود با توبه‌ای دلم را
زنده کن.

و در تماشاگه قیامت، از نسیم بخشش خود محروم مساز!
خداوندا، به خودت سوگند،
برای گناهانم جز تو آمرزنده‌ای نیافتم،
و برای شکست‌هایم غیر از تو جبران‌کننده‌ای ندیدم،
پس اگر مرا از درگاهت برانی، به چه کسی پناه برم؟
و اگر از نزد خویش بازم گردانی، به چه کسی روی آورم؟
الهی، از تو می‌خواهم!
ای آمرزندهٔ گناهان بزرگ و ای التیام‌بخش استخوان‌های
شکسته،

می‌خواهم که گناهانم را ببخشی؛ که نابودگردند.
و خطاهای پنهانی‌ام را بیوشانی؛ که رسواکننده‌اند.
ای مهربان‌ترین مهربانان، ...^۱

۱- بخش‌هایی از مناجات تواین امام سجاد علیه السلام، بحارالانوار، ج ۹۱، ص

هرچیزی به جای خویش نیکوست

از میان رنگ‌های مختلف کدام رنگ زیباتر است؟

آبی؟ سبز؟ صورتی؟ و یا

حالا تصور کن؛ همه دریاها، دنیا سبز شده‌اند. کوه‌ها هم سبز شده‌اند. خاک‌ها، آسمان‌ها، خانه‌ها،

لباس‌ها و حتی پوست و موی همه انسان‌ها و حیوانات هم سبز شده‌اند.

آیا اکنون می‌توانیم بگوییم جهان زیباتر شده است؟

دنیای یکنواخت، دنیایی خسته‌کننده و کسالت‌آور است که برای هیچ کس جذابیتی ندارد. البته

این یکنواختی تنها مربوط به رنگ‌ها نیست و اگر تمام کره زمین پوشیده از جنگل باشد، همه غذاها یک

مزه داشته باشند و همیشه هوا گرم یا سرد باشد، باز هم زندگی زیبا نخواهد بود. آنچه باعث زیبایی جهان

پیرامون ماست، تنوع و گوناگونی پدیده‌های آن است.



عدالت

بعضی از مردم گمان می‌کنند که چون خداوند عادل است، پس باید همهٔ انسان‌ها را مانند هم بیافریند، اما وقتی می‌بینند که مردم با یکدیگر متفاوت‌اند، از خودشان می‌پرسند علت این تفاوت‌ها چیست؟

به نظر شما چه پاسخی می‌توان به پرسش‌های این گروه داد؟



این دیگر چیست که روی سر توست؟ چقدر زشت است! واقعاً که حیواناتی مثل تو زیبایی این جنگل را از بین می‌برند ...

اینها حرف‌های طاووس زیبایی بود که برای اولین بار گوزن بزرگی را در جنگل می‌دید. او همین‌طور در برابر گوزن قدم می‌زد و زیبایی پرهای رنگارنگ خودش را به رخ او می‌کشید. گاهی هم در میان سخنانش به شاخ‌ها و پاهای بزرگ گوزن اشاره و او را مسخره می‌کرد.

طاووس آن‌قدر گفت و گفت که گوزن بزرگ کم‌کم خودش هم باور کرد خیلی زشت است! با خودش گفت: او راست می‌گوید. ای کاش من هم به جای این شاخ‌های زشت و بلند و این پاهای بزرگ، ظاهری زیبا و رنگارنگ داشتم ...

در همین هنگام ناگهان چشم صیادی به آن دو افتاد. با توری که در دست داشت آرام آرام به آنها نزدیک شد. با خودش گفت: من با این یک تور نمی‌توانم هر دوی آنها را با هم شکار کنم، پس بهتر است یکی از آن دو را انتخاب کنم. گوزن! بله او را باید بگیرم، او بزرگ‌تر است و گوشت زیادی هم دارد. اما نه! به شاخ‌های بلندش نگاه کن! اگر ناگهان با آن شاخ‌ها ضربه‌ای به من بزند، حتماً آسیب می‌بینم، از این گذشته، اگر نتوانم او را غافلگیر کنم، با پاهای قوی‌اش در یک چشم برهم زدن آن‌قدر از من دور می‌شود که دیگر به گرد پای او هم نخواهم رسید. پس بهتر است از همین حالا از فکرش بیرون بیایم ...

حتماً خودتان می‌توانید سرنوشت طاووس مغرور را حدس بزنید.

حالا کمی به این داستان فکر کنید.

چه چیزی گوزن را از یک خطر بزرگ نجات داد؟

شما از این داستان چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

خداوند دانا و حکیم در قرآن می‌فرماید:

عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، در حالی که (همان) برای شما خوب است یا چیزی را دوست داشته باشید، در حالی که آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

ما انسان‌ها وقتی که توانایی خودمان را با دیگران مقایسه می‌کنیم، معمولاً سرمایه‌های ارزشمند خود را نادیده گرفته و فقط به چیزهایی فکر می‌کنیم که دیگران دارند و ما نداریم، اما اگر واقع بین باشیم، می‌بینیم که همه انسان‌ها در کنار ضعف‌هایی که از بعضی جهات نسبت به دیگران دارند، از نقاط قوتی هم برخوردارند که دیگران از آن قوت‌ها محروم‌اند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما اگر خداوند انسان‌ها را طوری می‌آفرید که همه آنها تنها به یک شغل و یک رشته علمی خاص علاقه مند بودند، چه اتفاقی می‌افتاد؟

آنچه خواندیم یکی از دلایل تفاوت در آفرینش ما انسان‌هاست، اما این تفاوت‌ها علت‌های دیگری نیز دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

رشد در بستر سختی‌ها

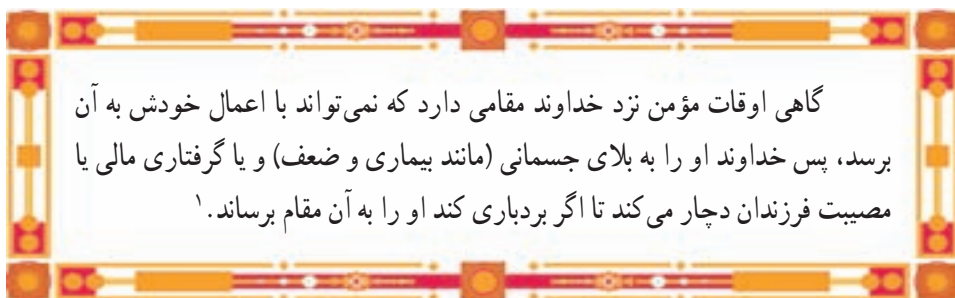
حتماً شما هم تا کنون مدال‌های درخشان و خوش رنگ طلا را برگردن قهرمانان بزرگ جهان دیده‌اید. تا حالا فکر کرده‌اید که این مدال زیبا برای اینکه برگردن یک قهرمان بنشیند چه راه دشواری را پیموده است؟
سنگ طلا را با ضربات بسیار سخت، از معدنی که هزاران سال در آن قرار داشته جدا می‌کنند.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۶ با استفاده از ترجمه‌های آیت... مکارم و فولادوند.

سپس آن را به کارخانه منتقل کرده و با ضربات متعدد، کاملاً خرد می‌کنند. در این مرحله است که کوره داغ و آتشین انتظار او را می‌کشد. سنگ آن قدر در کوره می‌سوزد تا تمام ناخالصی‌ها از وجود ارزشمندش جدا شده و فقط فلزی صاف و درخشان باقی بماند. حالا دیگر وقت آن است که او را به صنعتگری ماهر و با تجربه بسپارند تا با ضربه‌های ریز و دقیق چکش، از او مدالی زیبا بسازد.

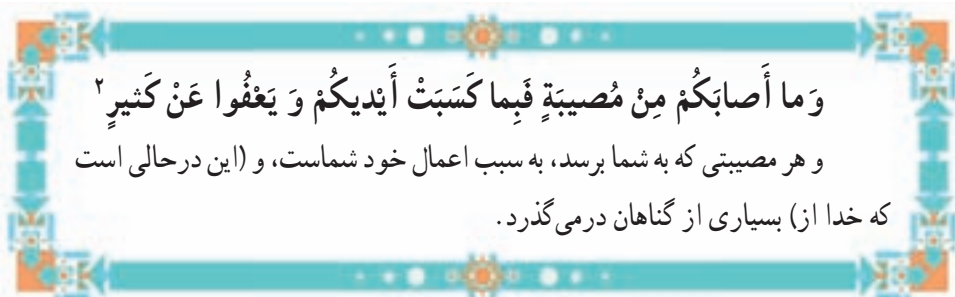
حالا خودتان قضاوت کنید؛ اگر سنگ طلا این همه رنج و درد را تحمل نمی‌کرد، آیا هرگز این ارزش را پیدا می‌کرد که بر سینه قهرمانان بزرگ جای گیرد؟

ما انسان‌ها نیز مانند معادن ارزشمند طلا و نقره هستیم که برای رسیدن به جایگاه والای خود باید با تحمل سختی‌ها از ناخالصی‌ها پاک شویم. حضرت امام صادق **علیه السلام** می‌فرماید:



آموزش گناهان

به آیه زیر توجه کنید:



برداشت شما از این آیه چیست؟

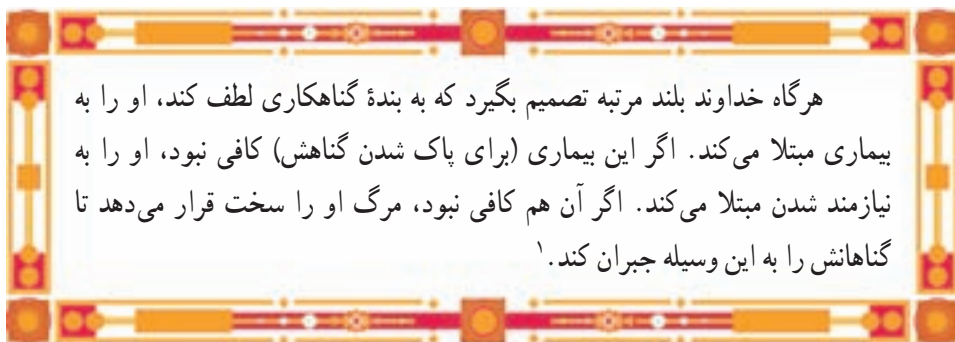
این مسئله کاملاً درست است که خداوند غفار، بسیاری از گناهان بندگان را می‌آمرزد، اما

۱- التمحیص، ص ۵۸.

۲- سوره شوری، آیه ۳۰.

در بعضی از موارد، انسان‌ها مرتکب چنان اعمالی می‌شوند که حتی از آمرزش و بخشندگی خدا نیز محروم می‌شوند. واضح است که اگر انسان گناهکار در همین حال از دنیا برود، جایگاهی جز دوزخ نخواهد داشت، اما خداوند مهربان که دوست ندارد حتی گناهکاران نیز از لطف و رحمتش محروم شوند، آنها را در همین دنیا با برخی مشکلات روبه‌رو می‌کند، تا با تحمل سختی در همین دنیا از عذاب آخرت رهایی یابند.

امام محمد باقر **علیه السلام** در حدیثی به این لطف خداوند اشاره کرده و می‌فرماید :



بنابراین باید بگوییم که سختی‌ها و مشکلات زندگی از ارزشمندترین هدایای خداوند برای گروهی از مؤمنان است که مرتکب برخی گناهان شده‌اند.



آنچه در این درس خواندیم، چند نمونه از علت‌های مختلفی بود که باعث می‌شود انسان‌ها شرایط متفاوتی با یکدیگر در زندگی داشته باشند. شما در آینده با برخی دیگر از این علت‌ها آشنا خواهید شد.

است؟

۱- توضیح دهید که چرا خداوند حکیم مردم را دقیقاً مانند یکدیگر نیافریده

۲- دو برادر را تصور کنید که یکی از آنها باهوش تر از دیگری است. آیا می توانیم

بگوییم که آفرینش آن دو عادلانه نبوده است؟ چرا؟

۳- سخن امام باقر **علیه السلام** را دربارهٔ گرفتاری های مسلمانان گناهکار بیان

کنید.



فصل دوم: راه و توشه



خداوند دانا و مهربان ما را به این دنیا آورده است تا با انجام اعمال صالح و دوری از کارهای ناپسند، بهشت خود را با دستن خود آباد کنیم. ما در سال‌های پیش با برخی کارها که توشه مناسبی برای سفر به سوی بهشت الهی هستند آشنا شدیم. نیکی به پدر و مادر، نماز خواندن، روزه گرفتن، زیارت اولیای الهی، علم‌آموزی و راستگویی از این توشه‌ها هستند.

درس سوم (افتخار بندگی) به ما نشان می‌دهد که حرکت اصلی ما به سوی بهشت از چه زمانی آغاز می‌شود و ما در این زمان که سن تکلیف نامیده می‌شود باید مراقب چه چیزهایی باشیم.

درس چهارم (از آگاهان بپرسیم) اهمیت مراجعه به افراد کارشناس و خبره را در هر موضوعی یادآور شده و به معرفی کارشناسان اصلی دین و ویژگی‌های آنان می‌پردازد.

درس پنجم (وضو و تیمم) شیوه صحیح وضو گرفتن و شرایط آن را به ما می‌آموزد. این درس در ادامه به مواردی که به جای وضو باید تیمم کنیم اشاره کرده و شیوه انجام تیمم را برای ما توضیح می‌دهد.

درس ششم (مبطلات نماز) به ما می‌آموزد که انجام چه کارهایی باعث باطل شدن نماز نمازگزار می‌شود.



افتخار بندگی

— پسر، این هدیه را از من و مادرت بپذیر! این هدیه‌ای است برای تبریک این روز مهم!
روز مهم؟ مگر امروز چه روزی است؟ نکند سالروز روز تولد من است؟ اما نه، هنوز تا آن وقت خیلی مانده!

با کنجکاوی جعبه را برداشتم و آن را باز کردم. انگشتر زیبای نقره با نگینی از عقیق قرمز!
خیلی از شما ممنونم، اما واقعاً من هنوز نفهمیده‌ام که امروز چه روزی است و این هدیه برای چیست؟

— پسر، امروز سنّ تو دقیقاً می‌شود پانزده سال کامل قمری. وقتی که پسرها به این سن می‌رسند، در حقیقت دوران کودکی را پشت سر گذاشته و به مرحله‌ی جدیدی از زندگی خود وارد می‌شوند که بلوغ نامیده می‌شود. پس همین طور که می‌بینی امروز یکی از مهم‌ترین روزهای زندگی توست، روز وارد شدن به دنیای جدید با مسئولیت‌های جدید.

: مسئولیت‌های جدید؟ منظورتان کدام مسئولیت‌هاست؟

— وقتی بچه‌ها به سن بلوغ می‌رسند، توقع دیگران از آنها بالاتر می‌رود. خداوند نیز روی آنها حساب دیگری کرده و مسئولیت‌های جدیدی را به عهده‌ی آنان قرار می‌دهد و دیگر از آنان نمی‌پذیرد که مانند کودکان و افراد نابالغ، در انجام واجبات دینی‌شان کوتاهی کنند. در حقیقت از این به بعد خداوند شما را در جمع بزرگ‌ترها پذیرفته و برای شما حساب ویژه‌ای باز خواهد کرد. پس می‌بینی که شایسته است چنین روزی را مانند سالروز تولد جشن بگیریم و برای این اتفاق مهم و پربرکت، برایت هدیه‌ای تهیه کنیم.

احساس خیلی خوبی داشتم. انگشترم را در دست کردم و به آن نگاه کردم. این انگشتر شخصیت من بود که در دستم می درخشید. زیر لب گفتم: تو را نگه می دارم. تو یادگار روز مهمی هستی. تو را نگه می دارم تا هرگز این روز را فراموش نکنم. نه این روز را و نه مسئولیت جدیدم را ...



پسران در پایان پانزده سالگی قمری به سن بلوغ می رسند. این سن که در دختران پایان نه سال قمری است، آغاز مرحله انجام تکالیف شرعی آنان است. یعنی بر هر دختر و پسر مسلمانی واجب است پس از بلوغ، مانند بزرگسالان دیگر، به احکام دینی خود مانند نماز، روزه و حجاب عمل کنند. البته انجام این تکالیف ها ممکن است در ابتدا با دشواری هایی نیز همراه باشد؛ مثلاً هر روز پیش از طلوع آفتاب باید برای نماز صبح از خواب بیدار شویم، در ماه رمضان باید از صبح تا غروب روزه بگیریم، در هنگام رو به رو شدن با نامحرمان باید نگاه خود را کنترل کنیم و ... در این هنگام است که از خودمان می پرسیم: اگر خداوند بعد از بلوغ نیز مانند گذشته ما را دوست دارد، پس چرا با واجب کردن عبادات و احکام دینی، ما را با سختی ها رو به رو می کند؟



تصور کنید شما یک مربی ورزش هستید! در باشگاهی که شما به مربی گری مشغول هستید، ده ها نفر هنرجوی ورزشکار حضور دارند. عده ای کوچک، کم سن و سال و ناتوان، عده ای دیگر بزرگ تر و آماده برای ورزش حرفه ای. آیا شما برای همه این افراد تمرین های یکسانی در نظر می گیرید؟ حالا تصور کنید که تا چند ماه دیگر مسابقات ورزشی برای انتخاب ورزشکاران برتر برگزار خواهد شد و شما سخت مشغول آموزش شاگردان خود هستید. در میان آنها چند نفرند که آمادگی بدنی و مهارت بیشتری نسبت به دیگران دارند و شما امیدوارید که این افراد بتوانند در مسابقات آینده به مدال های رنگارنگی دست یابند. آیا تمرین هایی که به این افراد می دهید با تمرین های شاگردان کوچکتان یکسان است؟ شما که به عنوان مربی به شاگردان ارشدتان توجه و علاقه بیشتری دارید، چرا آنان را بیش از دیگران به سختی می اندازید؟ این سختی های فوق العاده نشانه چیست؟



همین‌طور که می‌بینیم، وظایف دینی ما پس از بلوغ در حقیقت نشانه‌ی لطف و بزرگی پروردگار به انسان‌هاست که هرچند انجام آنها در ظاهر با سختی‌هایی نیز همراه است، اما تحمل این دشواری‌ها با توجه به رشد و پیشرفتی که برای انسان به دنبال دارند، کاملاً منطقی است.

فعالیت کلاسی

با دوستانتان در کلاس مشورت کنید و نمونه‌های دیگری از تکالیف دشواری را که انجام آنها باعث رشد و پیشرفت افراد می‌شود، بیان کنید.
در تمام این موارد اگر مریمان و مسئولان آموزش، از شاگردان خود ناامید شده و یا به آنها علاقه‌ای نداشته باشند، چه رفتاری با آنها خواهند داشت؟

بلوغ‌های سه‌گانه

۱- **بلوغ جسمی**: از نظر اسلام، رسیدن به بلوغ جسمی سه نشانه دارد:
یکی از این راه‌ها، رسیدن به سن بلوغ است که در این درس با آن آشنا شدیم.
نشانه‌ی دیگر بلوغ، رویدن مو در برخی از قسمت‌های بدن است.
و سومین نشانه‌ی بلوغ، فعال شدن برخی هورمون‌ها در بدن انسان است که علائم آن در میان پسران و دختران با یکدیگر متفاوت است.
توجه داشته باشید که هرچند این نشانه‌ها معمولاً در زمان‌هایی نزدیک به هم در بدن ظاهر می‌شوند، اما برای شروع وظایف شرعی، نیازی به تحقق همزمان همه آنها نیست و هر یک به تنهایی برای واجب شدن احکام و تکالیف دینی کافی است.

بیشتر بدانیم

همزمان با بلوغ جسمی، معمولاً تغییرات دیگری نیز در بدن برخی افراد به وجود می‌آید که ناآگاهی از آنها می‌تواند باعث نگرانی افراد شود.
تغییر تدریجی صدای افراد و اصطلاحاً دو رگه شدن صداها، به هم خوردن میزان خواب و خوراک، تغییرات وزن، رشد ناگهانی و نامتوازن طولی بدن (که معمولاً با رشد استخوان پا آغاز می‌شود)، بروز جوش‌های پوستی در صورت و بدن و به وجود آمدن تغییراتی در چهره افراد از این دسته تغییرات اند.

توجه داشته باشیم که این تغییرات بدنی، تغییراتی گذرا هستند که به تدریج از بین رفته و بدن به شکل طبیعی خود باز خواهد گشت. توجه به توصیه‌های بهداشتی مهم‌ترین راه کار عبور از این مرحله زندگی است.

۲- بلوغ عقلی: تحولات انسان در زمان بلوغ تنها مربوط به جسم او نیست. در این زمان انسان‌ها به صورت طبیعی به طرح پرسش‌های جدید می‌پردازند. این پرسشگری در حدی است که حتی در برخی دانسته‌های قبلی خود نیز دچار تردید شده و تلاش می‌کنند، همه دانسته‌ها و اعتقادات خود را بر اساس منطقی جدید نظم دهند.

دین اسلام با محترم شمردن این ویژگی، به انسان توصیه می‌کند که در این هنگام - که زمان بنیانگذاری عقاید دینی اوست - اصول و زیربنای کلی دین خود را از روی استدلال‌های قوی و منطقی پایه گذارده و از تقلید در اصول دین خود بپرهیزد. بروز خلاقیت، آینده‌نگری و تلاش برای یافتن دوستانی مناسب، نتیجه همین بلوغ عقلی و رشد فکری انسان است.

حضرت علی **علیه السلام** درباره بهره‌گیری از رشد فکری جوانان در تصمیم‌گیری‌ها می‌فرماید:

در کارهایی که برایت پیش می‌آید، هرگاه به مشورت نیاز پیدا کردی، اول موضوع را با جوانان در میان گذار؛ چرا که هوش آنان تیزتر و سرعت حدس آنها بیشتر از دیگران است. سپس همان نظرات را با سالخوردگان به مشورت بگذار تا بهترین آنها را انتخاب کنند؛ چرا که تجربه آنها از دیگران بیشتر است.^۱

۳- بلوغ روحی: علاوه بر تغییراتی که تاکنون با آنها آشنا شدیم، تحولات دیگری نیز در خصوصیات روحی انسان در زمان بلوغ به وجود می‌آید که باعث ایجاد رفتارهای جدید در او می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری این دوران استقلال طلبی است. ما پس از بلوغ احساس می‌کنیم که می‌توانیم مستقلاً دیدگاه‌های خود را بیان کنیم. پس دوست

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۳۳۷.

داریم که دیگران به سخنانمان توجه کرده و به نظرات ما احترام بگذارند. وقتی می‌بینیم در جمع هم‌سالانمان راحت‌تر می‌توانیم به اظهار نظر بپردازیم، ترجیح می‌دهیم در این جمع‌ها حضور بیشتری داشته باشیم. از این گذشته، احساس مسئولیت ما نیز در این زمان شکوفا شده و مایلیم خودمان مسئولیت کارهای خود را بپذیریم. ما که تا مدتی پیش، خود را نیازمند حمایت دیگران می‌دانستیم، پس از بلوغ حتی سعی می‌کنیم حامی دیگران نیز باشیم.

اما نکته بسیار مهمی که هرگز نباید آن را فراموش کنیم این است که اگر با همین روحیات فطری و خدادادی – که باعث شکوفایی شخصیت انسان در دوران بلوغ می‌شوند – به درستی برخورد نکرده و یا در آنها زیاده روی کنیم، انحرافات و مشکلات فکری و اخلاقی زیادی در کمین ما خواهند بود؛ برای مثال، شخصی را تصور کنید که پرسش‌های زیادی درباره مسائل دینی و یا تغییرات جسمی خود، برایش ایجاد شده است. اگر او این پرسش‌ها را با افراد ناآگاه و یا کسانی که اعتقاد صحیحی ندارند مطرح کند، آیا جز سرگردانی و گمراهی نتیجه دیگری خواهد گرفت؟

فعالیت کلاسی

در جدول زیر به رفتارهای برخی افراد در دوران بلوغ اشاره شده است. با دوستانتان در کلاس گفتگو کرده و آسیب‌های این رفتارها را بررسی کنید.

	فقط به قدرت فکر و عقل خودش اطمینان دارد.
	می‌خواهد که دیگران تمام نظرات او را بپذیرند.
	جمع دوستانش را به همه جا ترجیح می‌دهد.
	می‌خواهد همه چیز را خودش تجربه کند.
	دوست ندارد کسی او را نصیحت کند.

خوب است بدانیم که اسلام از ما می‌خواهد پیش از رسیدن به سن بلوغ با وظایف خود آشنا شویم و با تمرین این تکالیف علاوه بر برخورداری از پاداش‌های ارزشمند الهی، شرایط را طوری مهیا کنیم که انجام وظایف دینی پس از رسیدن به بلوغ برای ما دشوار نباشد.

خود را امتحان کن

- ۱- انواع بلوغ را نام ببرید و بلوغ عقلی را توضیح دهید.
- ۲- نشانه‌های بلوغ را به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۳- چرا روز آغاز تکلیف و وارد شدن به مرحله بلوغ روز مهمی است؟

پیشنهاد

با توجه به روز، ماه و سال تولدتان، زمان دقیق رسیدن به سن تکلیف خود را معین کنید.

بیشتر بدانیم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

محبوب‌ترین آفریده‌ها نزد خداوند بلند مرتبه، جوان نورسیده و باطراوتی است که جوانی و شادابی‌اش را در طاعت خداوند سپری کند. خداوند به چنین کسی نزد فرشتگانش مباحثات کرده و می‌فرماید: این است بنده واقعی من!^۱

۱- اعلام‌الدین، ۱۲۰.

از آگاهان پرسیم

مردی را چشم دردی عظیم خاست^۱. پیش بیطار^۲ رفت. بیطار از آنچه در چشم ستورانش^۳ می ریخت، در چشم مرد نهاد. اندکی گذشت و مرد کور شد. بیطار نزد قاضی بردند که چشم مرد کور کرده! گفت: رهایش کنید. او اگر خود انسان بودی، پیش بیطار نرفتی!

گلستان سعدی^۴

۱- چشم دردی عظیم خاست: به چشم دردی شدید مبتلا شد.

۲- بیطار: کسی که حیوانات را معالجه می کند، دامپزشک.

۳- ستوران: چهارپایان، حیوانات اهلی.

۴- با اندکی تصرف.

روش‌های عاقلانه

مهندس ماهر را تصور کنید که تخصص فوق العاده‌ای در ساخت بناها و برج‌های بلند دارد. توانایی او در این کار آن قدر زیاد است که هیچ کس به خودش اجازه نمی‌دهد بدون مشورت و راهنمایی او برجی را بسازد.

حالا فکر کنید همین مهندس، ناگهان دچار سردرد شدیدی می‌شود که تحمل آن برایش دشوار است. سرش گیج می‌رود و حتی یک لحظه هم نمی‌تواند روی پای خودش بایستد.

در این زمان چه باید کرد؟

آیا می‌توانیم بگوییم «چون او فردی متخصص و ماهر است، پس حتماً خودش می‌تواند این مشکل را هم حل کند»؟

امروزه با پیشرفت‌های علمی بشر، رشته‌های مختلف علمی آن چنان توسعه یافته است که دستیابی به تخصص، تنها در یک رشته علمی، نیازمند سال‌ها مطالعه و پژوهش است. بنابراین، کاملاً واضح است که هیچ کس نمی‌تواند در تمام رشته‌های علمی مورد نیاز زندگی‌اش به تخصص دست یافته و بدون کمک کارشناسان دیگر، همه مشکلاتش را حل کند.

همه ما وقتی که بیمار می‌شویم، نزد پزشکی ماهر می‌رویم و طبق دستور او داروهایی را مصرف می‌کنیم. ما از مواد تشکیل دهنده داروهایی که مصرف می‌کنیم آگاهی کامل نداریم، اما به راهنمایی پزشکان در این کار اعتماد کرده و هرچه آنها بگویند، همان را اجرا می‌کنیم. این تنها راه عاقلانه است.

اما پرسشی که اکنون باید به آن پاسخ دهیم این است که آیا مراجعه به کارشناسان تنها مربوط به همین موارد است؟



در درس پیش دانستیم که پس از دوران بلوغ، تکالیف و مسئولیت‌های جدیدی از طرف خداوند به عهده ما قرار می‌گیرد که انجام آنها بر هر مسلمانی واجب خواهد بود و هیچ کس حق کوتاهی در اجرای آنها را ندارد^۱. نماز خواندن، روزه گرفتن، پرداختن خمس و زکات^۲، رفتن به حج و پرهیز از گناهان نمونه‌هایی از تکالیف دینی مسلمانان هستند.

۱- در فرهنگ اسلام به مسلمانی که تکالیف دینی را به عهده دارد، مُکَلَّف گفته می‌شود.

۲- با مفهوم خمس و زکات و احکام آنها در سال‌های آینده آشنا خواهیم شد.

توجه داشته باشیم، این احکام که سعادت دنیا و آخرت ما را در خود جای داده‌اند، باید دقیقاً به همان شکلی که خداوند دستور داده است، اجرا شوند.

به نمونه زیر توجه کنید.

خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید:

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.^۱

نماز را برپا دارید و زکات (اموالتان را) بدهید و از پیامبر اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.

این آیه به خوبی راه بهره‌مندی از رحمت الهی را به مؤمنان نشان داده است، اما:

- آیا تمام نمازها باید مانند یکدیگر خوانده شوند؟
- آیا می‌توانیم به هر سمتی نماز بخوانیم؟
- آیا نماز در هر مکان و یا هر لباسی درست است؟
- شرایط و مقدمات واجب نماز چه چیزهایی است؟
- زکات کدام یک از اموال انسان باید پرداخت شود؟
- چه مقدار از اموال خود را باید به عنوان زکات پردازیم؟
- زکات باید به چه کسی پرداخت شود؟
- آیا پرداخت زکات بر همه مسلمانان واجب است؟
-

این پرسش‌ها تنها گوشه‌ای از پرسش‌های بسیاری است که هر مسلمان باید از پاسخ‌های آنها اطلاع داشته باشد تا بتواند وظایف دینی‌اش را به درستی انجام دهد.
ولی ما چگونه می‌توانیم از این احکام به صورت دقیق مطلع شویم؟



۱- سوره نور، آیه ۵۶.

اولین راه برای اطلاع از احکام الهی، تحصیل در رشته‌های علوم اسلامی و دستیابی به تخصص در مسائل دینی است.

در هر زمان، گروهی از مردم برای کسب دانش و طی کردن مراحل عالی اسلام شناسی به حوزه‌های علمیه می‌روند و پس از سال‌ها تحصیل، مطالعه و تحقیق در شناخت دین، به تخصص دست می‌یابند. به این افراد متخصص اصطلاحاً مجتهد یا فقیه گفته می‌شود. مجتهدان می‌توانند تمام احکام دینی را با استفاده از منابع آنها به دست آورده و دستورات خداوند را در هر موضوعی کاملاً روشن کنند.

اما پرسشی که باید به آن پاسخ دهیم این است که آیا پیمودن مسیر طولانی تحقیق و رسیدن به مقام اجتهاد، برای همه مردم امکان‌پذیر است؟

فعالیت کلاسی

به نظر شما کسانی که خودشان نمی‌توانند به درجه اجتهاد برسند، چگونه باید از وظیفه دینی خود اطلاع پیدا کنند؟ شما می‌توانید درباره این پرسش با دوستانتان در کلاس گفتگو کنید و در صورت نیاز از معلم محترم کمک بگیرید.

تقلید از مجتهد

اولین مسئله‌ای که هر مکلف باید آن را دانسته و به آن عمل کند، مسئله تقلید است. در فرهنگ اسلامی به مجتهدی که مردم در احکام خود به او مراجعه می‌کنند، مرجع تقلید گفته می‌شود.

برخی از شرایط مرجع تقلید عبارت‌اند از:

– شیعه دوازده امامی باشد؛

– زنده باشد؛

– عادل باشد، یعنی خودش به واجبات دینی‌اش عمل کرده و از گناهان دوری کند؛

– از مجتهدین دیگر داناتر باشد.

به کسانی که دارای این شرایط باشند مجتهد جامع شرایط گفته می‌شود.

الف) توضیح دهید از میان انواع تقلید کدام یک درست و کدام یک نادرست است؟

– تقلید فرد جاهل از فرد جاهل
– تقلید فرد عالم از فرد جاهل
– تقلید فرد جاهل از فرد عالم
– تقلید فرد عالم از فرد عالم
ب) با توجه به شرایطی که برای یک مرجع تقلید خواندیم، به پرسش‌های زیر پاسخ داده و علت را توضیح دهید:

- ۱- در شهری دو نفر مجتهد زندگی می‌کنند. یکی از آنها داناتر از دیگری است و دومی مُسن تر است، آیا مردم می‌توانند از هر دو نفر تقلید کنند؟
- ۲- کسانی که امسال به سن بلوغ می‌رسند، آیا می‌توانند از مراجعی که از دنیا رفته‌اند تقلید کنند؟
- ۳- اگر فردی به درجهٔ اجتهاد برسد، اما عادل نباشد، آیا دیگران می‌توانند از او تقلید کنند؟

انتخاب مرجع

حتماً تا حالا این پرسش برای شما هم به وجود آمده است که ما چگونه می‌توانیم مرجع تقلید خود را انتخاب کنیم؟ واضح است که انتخاب مرجع تقلید اعلم^۱، برای عالمان دینی و کسانی که مجتهدان را می‌شناسند، کار دشواری نیست. بقیهٔ مردم نیز – که خودشان شناخت درستی از مراجع تقلید نداشته و نمی‌توانند مرجع تقلید اعلم را انتخاب کنند – می‌توانند با مشورت اهل علم^۲، مرجع تقلید خود را انتخاب کنند. توجه داشته باشیم که برای این انتخاب، باید حداقل دو نفر از عالمان دینی، مرجعیت و اعلمیت مجتهد را تصدیق کنند و عالمان دیگر نیز با گفتهٔ آنان مخالفت نکنند. بنابراین، اگر عده‌ای از عالمان دینی یکی از مجتهدان را داناتر دانسته و عده‌ای دیگر، مجتهد دیگری را مرجع اعلم معرفی کنند، مکلف می‌تواند از هر یک از آن مجتهدان که خودش بخواهد تقلید کند.

۱- اعلم: داناتر از مجتهدان دیگر

۲- معمولاً به روحانیونی که با حوزه‌های علمیه ارتباط دارند، اهل علم گفته می‌شود.

- ۱- آیا مراجعه به کارشناسان و تقلید از آنان تنها مربوط به مسائل دینی است؟ به سه نمونه از مراجعه‌هایی که در زندگی خودتان، به کارشناسان داشته‌اید اشاره کنید.
- ۲- مجتهد به چه کسی گفته می‌شود؟
- ۳- سه مورد از شرایط مرجع تقلید را بیان کنید.

پیشنهاد

در این درس دانستیم که عموم مردم برای اطلاع از مسائل دینی خود باید به مجتهدین جامع الشرایط که مرجع تقلید نامیده می‌شوند، مراجعه کنند. روشن است که همه مکلفین نمی‌توانند برای هر مسئله نزد مرجع تقلید خود رفته و پرسش خود را از او پرسند. به همین دلیل در فقه اسلامی راه‌های معتبری برای به دست آوردن فتوای^۱ مراجع تقلید معرفی شده است. شما می‌توانید با مراجعه به رساله توضیح المسائلی که در خانه دارید، این راه‌ها را یادداشت کرده و برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

۱- فتوا: نظر مجتهد درباره مسائل شرعی.

وضو و تیمم

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آنس (یکی از اصحابشان) فرمودند :

ای آنس؛ بسیار وضو بگیر تا خداوند بر عمرت بیفزاید. اگر برایت میسر است که شب و روز با وضو باشی، این کار را انجام بده؛ زیرا اگر در حالی که با وضو هستی مرگت فرا رسد، شهید از دنیا رفته‌ای. کسی که با وضو می‌خوابد، بسترش تا صبح برای او مسجد خواهد بود و خوابش برای او نماز!'

✓ وقتی می‌خواهیم نماز بخوانیم؛

✓ وقتی قصد داریم دستمان را به نوشته‌های قرآن بزنیم؛

✓ وقتی به حج می‌رویم و می‌خواهیم طواف واجب حج را به جای بیاوریم؛

✓ وقتی که به یکی از نام‌های خداوند (به هر زبانی که نوشته شده باشد) دست می‌زنیم؛

در تمام این موارد واجب است ابتدا وضو بگیریم.

علاوه بر این موارد، دین اسلام وضو گرفتن را در بسیاری از موارد دیگر نیز مستحب می‌داند.

هنگام تلاوت قرآن کریم، همراه داشتن قرآن، زیارت حرم‌های امامان علیهم السلام، رفتن به مسجدها، زیارت اهل قبور، و حتی هنگام خوابیدن، از مواردی هستند که شایسته است انسان در این زمان‌ها وضو داشته باشد.

اما شرایط وضوی صحیح چیست؟

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۳ و مسترک الوسائل ج ۱، ص ۲۹۷.

شرایط وضو

کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، علاوه بر دانستن شیوه صحیح وضو گرفتن، باید به نکته‌های دیگری نیز توجه داشته باشد که شرایط صحت وضو نام دارند.

ما در این درس به صورت خلاصه به بررسی این شرایط می‌پردازیم.

۱- پاک بودن آب وضو: آبی که با آن وضو می‌گیریم باید پاک باشد؛ اگر ندانیم و یا اینکه

فراموش کنیم که آبی نجس است و با همان آب نجس وضو بگیریم، وضوی ما باطل است.

۲- مُطْلَق بودن آب وضو: پیش از توضیح این شرط باید بدانیم که آب‌ها به دو دسته تقسیم

می‌شوند: مطلق و مضاف.

آب مطلق به آب‌های خالصی گفته می‌شود که با چیز دیگر آمیخته نشده و یا از چیزی گرفته نشده

باشد. آب باران، آب چشمه‌ها و چاه‌ها، آب رودها، دریاها و آب لوله‌کشی که در خانه‌ها وجود دارد،

آب مطلق شمرده می‌شوند.

اما آبی که خالص نبوده و آن را از چیز دیگری گرفته باشند (مانند گلاب و آب‌میوه)؛ و یا اینکه

با چیز دیگری مخلوط شده باشد (مثل آب نمک غلیظ و آب‌های خیلی گل آلود به گونه‌ای که دیگر به

آن آب نگویند) آب مضاف نامیده می‌شود.

فراموش نکنیم که وضو گرفتن تنها با آب مطلق صحیح است و ما نمی‌توانیم با آب مضاف وضو

بگیریم.

۳- مباح بودن آب و ظرف آن: آبی که ما با آن وضو می‌گیریم باید مباح باشد؛ یعنی یا آب

برای خودمان باشد و یا اینکه اگر برای دیگری است، او از وضو گرفتن ما با آب رضایت داشته باشد.

بنابراین، استفاده از آب غصبی^۱ کاری حرام و وضو نیز با این آب باطل خواهد بود. البته وضو گرفتن

با آب‌هایی که در مکان‌های عمومی قرار دارند صحیح است.

توجه داشته باشیم که ظرف آب وضو نیز نباید غصبی باشد؛ یعنی اگر ما برای وضو از ظرفی

استفاده کنیم که صاحبش از استفاده ما راضی نباشد، وضوی ما باطل خواهد بود.

۴- پاک بودن اعضای وضو: اگر صورت، دست‌ها، سر و یا روی پاهای ما در هنگام

وضو گرفتن نجس باشند، باید ابتدا نجاست را برطرف کرده و سپس وضو بگیریم. روشن است که

اگر اعضای وضو نجس باشند، وضو نیز باطل خواهد بود.

۵- ترتیب: واجب است تمام مراحل وضو را به ترتیب انجام دهیم؛ یعنی پس از نیت، ابتدا

۱- به آبی غصبی می‌گویند که صاحب آن راضی نباشد ما از آن استفاده کنیم.

صورتان را می‌شویم. سپس دست راست را از بالای آرنج تا نوک انگشتان می‌شویم و پس از آن دست چپ را نیز به همین صورت می‌شویم؛ بعد با همان رطوبتی که در دست داریم، سرمان را مسح کرده و بعد هم با همان رطوبت با دست راست، روی پای راست و با دست چپ روی پای چپ را مسح می‌کنیم.

اگر مکلف این ترتیب را به هم بزند، وضویش باطل خواهد بود.

۶- مُوالات: واجب است کارهای وضو را پشت سرهم انجام داده و بین آنها فاصله نیندازیم. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله بیندازیم که حالت وضو به هم بخورد، به گونه‌ای که بگویند او مشغول کار دیگری شده است؛ مثلاً بین وضو کسی با تلفن منزل تماس بگیرد و ما به صحبت با او بپردازیم، وضوی ما باطل است.

۷- قصد قُربت: انسان باید فقط برای خشنودی خداوند وضو بگیرد و اگر تمام وضو و یا بخشی از آن را به قصد دیگری به جز رضایت خداوند انجام دهد، وضویش باطل است. البته لازم نیست که مکلف، نیت وضو را به زبان بگوید، ولی باید در تمام مراحل وضو حواسش باشد که برای رضایت خدا وضو می‌گیرد.

۸- مباشرت: مکلف باید تمام مراحل وضو را خودش انجام دهد. بنابراین، اگر کسی خودش با نیت وضو صورت و دست‌هایش را بشوید، اما مسح سر یا پایش را شخص دیگری برایش بکشد، وضویش باطل است.

۹- نبودن مانع در اعضا: در هنگام وضو، اگر چیزی به اعضای وضو چسبیده باشد که نگذارد آب به بدن برسد (مثل چربی کرم‌ها که بر دست و صورت باقی می‌ماند و یا لاک روی ناخن) وضوی ما باطل خواهد بود.

۱۰- کافی بودن وقت برای وضو و نماز: چنانچه وقت به اندازه‌ای کم باشد که اگر بخواهیم وضو بگیریم، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده شود، حق نداریم وضو بگیریم؛ بلکه در این صورت وظیفه ما تیمم کردن است.

۱۱- بی ضرر بودن استفاده از آب: کسی که به دلیل بیماری نمی‌تواند آب به بدنش برساند و یا اینکه آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد دیگر آبی برای آشامیدن در اختیار نخواهد داشت، حق ندارد وضو بگیرد و باید در عوض تیمم کند.

چند مسئله مهم:

اول — اگر ناخن فرد بلندتر از حد معمول باشد، باید چرک زیر آن را برای وضو برطرف کند.
دوم — کمک گرفتن در مقدمات وضو مکروه است، اما وضو را باطل نمی‌کند. بنابراین، اگر کسی آب در کف دست انسان بریزد و انسان با آن آب وضو بگیرد وضو باطل نیست.
سوم — کسی که (به دلیل بیماری یا مشکل دیگری) نمی‌تواند خودش وضو بگیرد، باید از شخص دیگری بخواهد که او را وضو دهد. در این حال مکلف باید خودش نیت وضو کند و هر کدام از کارهای وضو را هم که می‌تواند، خودش انجام می‌دهد.
چهارم — اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است؛ البته باید آن را برای نماز پاک کند.
پنجم — زن نباید جایی وضو بگیرد که نامحرم بدن او را ببیند، هر چند این کار او وضویش را باطل نمی‌کند.

ششم — راه رفتن در بین وضو اشکالی ندارد. بنابراین، اگر بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.
هفتم — اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است.

هشتم — کسی که برای خشنودی خداوند وضو می‌گیرد، می‌تواند هر کاری را که باید با وضو انجام داد، با این وضو انجام دهد؛ مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند، دست به نوشته قرآن بزند و به طواف خانه خدا برود.

نهم — انسان در هنگام استفاده از اشیایی مانند گردنبند که نام خدا یا یکی از پیامبران یا امامان بر آن است — و با بدنش تماس دارد — باید وضو داشته باشد.

مواردی که باید تیمم کنیم

در احکام اسلام مواردی وجود دارد که مکلف موظف است به جای وضو یا غسل، تیمم کند.

این موارد عبارت‌اند از زمان‌هایی که مکلف:

۱- اصلاً به آب دسترسی ندارد؛ مثلاً در بیابان و یا کوهستان بی‌آبی گرفتار شده است.

۲- آب به همراه دارد، ولی استفاده از آن برایش ضرر دارد.

- ۳- آب در دسترس مکلف هست، ولی غضبی، نجس یا خیلی گل آلود است.
- ۴- آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد، از تشنگی به سختی خواهد افتاد.
- ۵- فرصت کافی برای وضو گرفتن ندارد و اگر بخواهد وضو بگیرد، نمازش قضا خواهد

شد.

در چهار مورد اول، مکلف در صورتی می تواند تیمم کند که مطمئن باشد تا پایان نماز، این شرایط برایش تغییر نمی کند.



- ابتدا نیت می کنیم که برای خشنودی خداوند و به جای وضو یا غسل می خواهیم تیمم کنیم.
- سپس کف هر دو دست را با هم بر روی خاک پاک می زنیم.
- سپس دست ها را بر بالای پیشانی گذاشته و آنها را تا روی ابروها (بالای بینی) می کشیم.
- سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست گذاشته و از میچ تا نوک انگشتان می کشیم.
- و در آخر کف دست راست را پشت دست چپ گذاشته و از میچ تا نوک انگشتان می کشیم.

فحایت کلاسی

الف - با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام یک از موارد زیر، وضوی مکلف صحیح و در کدام یک باطل است؟

• در گرمای تابستان، برای خشنودی خداوند وضو می گیرد و با این کار خنک هم می شود.

- در برابر چشم دیگران و برای اینکه از او تعریف کنند، وضو می گیرد.
- آب پاک در اختیار ندارد و به همین دلیل با گلاب وضو می گیرد.
- در هنگام سفر، از آب رودخانه وضو می گیرد.
- دستش کمی خونی شده است و همین طور وضو می گیرد.
- در حال وضو می خواهد سرش را مسح کند که ناگهان خون از بینی اش جاری شده و روی صورتش می ریزد.

• به دلیل کمر درد، نمی تواند خم شده و پاهایش را مسح کند، برای همین از برادرش می خواهد که تمام مراحل وضو را او برایش انجام دهد.

• بعد از وضو متوجه می‌شود که زیر ناخن‌هایش مقدار کمی آلودگی وجود دارد.
ب - در حضور معلمتان وضو بگیرید و از او بخواهید تا اشکالات احتمالی وضوی شما را برطرف کند.

- یادآوری: برخی چیزهایی که وضو و تیمم را باطل می‌کنند عبارت‌اند از:
- ۱- خارج شدن ادرار، مدفوع و گازهای روده از بدن
 - ۲- به خواب رفتن (به صورتی که چشم نبیند و گوش هم نشنود)
 - ۳- از بین رفتن موقتی یا دائمی عقل، مانند دیوانگی، مستی و بی‌هوشی.^۱

خودت را امتحان کن

- ۱- اگر کسی در حال سجده خوابش ببرد، نمازش چه حکمی دارد؟ چرا؟
- ۲- سه مورد از مواردی که مکلف باید برای نماز، تیمم کند را بیان کنید.
- ۳- شیوه صحیح تیمم کردن را به صورت خلاصه توضیح دهید.

پیشنهاد

با مراجعه به رساله‌های توضیح المسائل ببینید که تیمم علاوه بر خاک، بر چه چیزهای دیگری صحیح است؟

۱- البته مبطلات وضو چیزهای دیگری هم هستند که در آینده با آنها آشنا خواهیم شد.

مبطلات نماز

آن روز، نمازخانه مدرسه خلوت تر از روزهای دیگر بود. ترابی و بیاتی هم گوشه ای از نمازخانه نزدیک هم نماز می خواندند. نمازخانه ساکت بود که ناگهان یکی از بچه ها سرش را از پنجره داخل کرد و گفت: بچه ها زود باشید الآن زنگ می خوردها!

کمی بعد، ترابی ناگهان نمازش را شکست و پس از چند لحظه سکوت دوباره تکبیره الاحرام گفت و نمازش را شروع کرد.

نمازشان که تمام شد، بیاتی پرسید: چرا نمازت را شکستی؟ مگر نمی دانی شکستن نماز حرام است؟

ترابی جواب داد: اگر کسی بی دلیل نمازش را بشکند کار حرامی انجام داده است، اما من که بی دلیل این کار را نکردم. نماز من پیش از اینکه من آن را بشکنم، خودش باطل شده بود.

بیاتی با تعجب پرسید: چطور؟!

ترابی گفت: داشتم تسبیحات اربعه را می گفتم که یک دفعه متوجه شدم مقداری از خرده های نان که پیش از نماز خورده بودم در دهانم باقی مانده است. در این فکر بودم که چه کار کنم که ناگهان بی اختیار آن را قورت دادم. همان وقت یک نفر گفت: الآن زنگ می خورد. من که به خاطر قورت دادن نان شک کرده بودم نمازم درست است یا نه، این حرف هم حواسم را بیشتر پرت کرد. هرچه فکر کردم دیگر بادم نیامد رکعت سوم هستم یا چهارم؟ برای همین نمازم را که باطل شده بود رها کردم و آن را از اول خواندم.

بیاتی گفت: اولاً که قورت دادن خرده های کوچک نان یا هر چیز دیگر، نماز را باطل نمی کند. از این گذشته چه کسی گفته آدم هر جای نمازش که شک کند، نماز باطل می شود؟ پس نمازت را بی دلیل شکسته ای!

ترابی پرسید: تو مطمئنی نمازم درست بوده؟

بیاتی گفت: بله، امام جماعت مسجد محله ما چند شب است که دربارهٔ مبطلات نماز صحبت می‌کند. من این موضوع را از او شنیده‌ام. اگر می‌خواهی مطمئن شوی امشب بیا مسجد و از خودش سؤال کن...



در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم که نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده شود، تأثیر عمیقی بر خوشبختی انسان و خشنودی خداوند از نمازگزار خواهد گذاشت. ما در این درس به بررسی احکام دیگری خواهیم پرداخت که بی‌اطلاعی از آنها باعث باطل شدن نماز می‌شود.

مبطلات نماز^۱

یک بار دیگر ابتدای درس را مرور کنید. به نظر شما آیا واقعاً نماز ترابی باطل شده بود یا اینکه او به خاطر ندانستن مسئله بی‌دلیل نمازش را شکسته بود؟ می‌دانید چه کارهایی نماز انسان را باطل می‌کنند؟



بنابر فتوای مراجع تقلید، مبطلات نماز دوازده چیز است که ما به صورت خلاصه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- از بین رفتن یکی از شرایط نماز: ما در سال گذشته با برخی از شرایط نماز آشنا شدیم. پاک بودن لباس و بدن نمازگزار، وضو داشتن و همچنین غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار از آن شرایط بودند.

اگر نمازگزار در بین نماز متوجه شود که یکی از این شرایط از بین رفته است؛ مثلاً یادش بیاید که اصلاً وضو نگرفته یا مکانی که در آن نماز می‌خواند غصبی است، نمازش باطل است.

۲- باطل شدن وضو: اگر وضوی نمازگزار در بین نماز از بین برود، نمازش نیز باطل خواهد شد. در این مسئله تفاوتی وجود ندارد که باطل شدن وضو عمدی باشد و یا سهوی.

۳- روی برگرداندن از قبله: اگر نمازگزار در حال نماز صورت خود را از قبله به طرف چپ یا راست بگرداند، (به اندازه‌ای که دیگر رو به قبله به حساب نیاید) نمازش باطل است و فرقی بین عمدی

۱- مبطلات: باطل کننده‌ها

بودن و یا سهوی^۱ بودن این کار نیست.

۴- خندیدن با صدای بلند (قهقهه): خنده بلند، در صورتی که عمدی باشد نماز را باطل می‌کند.

بنابراین، لبخند زدن و یا خنده با صدا که عمدی نباشد، نماز را باطل نمی‌کند.

۵- گریه کردن برای کارهای دنیا: یکی دیگر از مبطلات نماز این است که نمازگزار برای

امور دنیا عمداً و با صدا گریه کند، اما گریه کردن برای آموزش گناهان، آهسته باشد یا بلند، نه تنها نماز را باطل نمی‌کند؛ بلکه از بهترین اعمال است.

۶- حرف زدن در بین نماز: اگر نمازگزار در بین نماز عمداً سخن بگوید، حتی اگر یک کلمه

هم باشد، (مثلاً بگوید: آخ) نمازش باطل خواهد شد، ولی اگر بدون توجه و از روی فراموشی در بین نماز چیزی بگوید، نمازش صحیح است.

۷- به هم زدن صورت نماز: اگر نمازگزار در بین نماز، کاری انجام دهد که حالت نماز را

به هم بزند، مثلاً دست بزند و یا به هوا بپرد نمازش باطل می‌شود و فرقی ندارد که این کارش کم باشد یا زیاد و یا عمدی باشد یا سهوی. البته انجام کارهایی که صورت و حالت نماز را به هم نمی‌زند، مثل اشاره کردن با دست، نماز را باطل نمی‌کند.

۸- خوردن و آشامیدن: خوردن و آشامیدن باعث باطل شدن نماز می‌شود، اما اگر نمازگزار

ذره‌های ریز غذا یا چیزهای دیگر را که در دهان دارد، در بین نماز فرو برد، نمازش صحیح است.

۹- کم و زیاد کردن ارکان و واجبات نماز: ما در سال‌های پیش با ارکان و واجبات نماز

آشنا شدیم. اگر نمازگزار عمداً یا سهواً یکی از ارکان نماز مانند رکوع را کم یا زیاد کند، نمازش باطل می‌شود. البته کم یا زیاد کردن بقیه واجبات نماز، به جز ارکان تنها وقتی نماز را باطل می‌کند که عمدی باشد.

۱۰- شک کردن در رکعت‌های نماز دو یا سه رکعتی: اگر نمازگزار در حالی که نماز دو یا

سه رکعتی می‌خواند، شک کند که در رکعت چندم نماز است و با کمی فکر و تأمل نیز شک او برطرف نشود، نمازش باطل می‌شود و همچنین اگر در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی هم شک کند، نمازش باطل می‌شود.^۲



۱- به کاری که از روی فراموشی و بی‌توجهی از انسان سر می‌زند کار سهوی می‌گویند.

۲- علاوه بر مواردی که در این درس خواندیم، دو کار دیگر نیز باعث باطل شدن نماز می‌شود. آمین گفتن بعد از خواندن سوره حمد

و روی هم گذاشتن عمدی دست‌ها در حال نماز است.

چند مسئله مهم درباره نماز :

- اگر نمازگزار به قصد اینکه چیزی را به کسی بفهماند، در نماز با صدای بلند ذکر ی بگوید، مثلاً در میان سوره حمد بگوید : «اللَّهُ أَكْبَرُ» ، نماز او باطل می شود.
- نماز گزار می تواند در قنوت نماز به زبان فارسی یا هر زبان دیگری دعا کند.
- اگر نمازگزار اذکار نمازش را آن قدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آنها صحیح نباشد، نمازش باطل می شود.
- شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی برای جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد.
- اگر اذکار واجب نماز را در حال حرکت بگوید؛ مثلاً بخشی از ذکر رکوع را در حالی بگوید که دارد از رکوع بر می خیزد، نمازش باطل می شود.
- اگر در بین نماز مُهر (یا چیزی که بر آن سجده می کند) را از دست بدهد؛ مثلاً کودکی آن را بردارد و با خود ببرد، چنانچه چه برای خواندن آن نماز وقت دارد، باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است و لباسش پنبه ای یا کتانی است باید بر آن سجده کند و در غیر این صورت بر پشت دستش سجده کند و نمازش به همین شکل صحیح است.
- اگر نمازگزار در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل می شود.
- نمازگزار حق ندارد در حال نماز به دیگران سلام کند، ولی اگر دیگران به او سلام کنند، باید جواب سلام آنها را در حال نماز بدهد. البته جواب دادن به سلام غلطی که سلام به حساب نمی آید، واجب نیست.
- جواب سلام نمازگزار به دیگران باید مانند لفظ سلام آنان باشد، مثلاً اگر کسی به نماز گزار بگوید : سلام؛ نمازگزار هم در جواب تنها باید بگوید : سلام؛ و اگر سلام کننده بگوید : سلام علیکم، نمازگزار هم در جواب باید بگوید : سلام علیکم.
- سرفه ، عطسه و خمیازه کشیدن نماز را باطل نمی کند.
- اگر نمازگزار بعد از نماز شک کند که بین نماز کاری که نماز را باطل می کند انجام داده است یا نه، نمازش صحیح است.

- در هر یک از موارد زیر توضیح دهید که آیا نماز نمازگزار صحیح است یا خیر.
- ۱- خیلی عجله دارد و به همین دلیل بعضی از اذکار نمازش را در حرکت می‌گوید.
 - ۲- وسط اطاق نماز می‌خواند که برادر کوچکش محکم با سه چرخه به پایش می‌کوبد! او هم بی اختیار فریاد می‌زند: آخ! و سپس بعد از کمی سکوت نمازش را ادامه می‌دهد.
 - ۳- مشغول خواندن حمد و سوره است که ناگهان از پشت سرش صدای بلندی می‌شنود و بعد بی اختیار برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. سپس خیلی زود تا حواسش جمع می‌شود بر می‌گردد و رو به قبله بقیه حمد و سوره‌اش را می‌خواند.
 - ۴- درحالی که در مقابل تلویزیون نماز می‌خواند، برادر کوچکش تلویزیون را روشن می‌کند با دیدن یکی از صحنه‌های فیلم خنده‌اش می‌گیرد، ولی با تلاش فراوان خودش را کنترل می‌کند و فقط آرام می‌خندد.
 - ۵- مشغول خواندن تشهد است که می‌بیند برادر کوچکش با دستانی کتیف به طرف کتاب‌های او می‌رود. برای این که به دیگران بفهماند کتاب را از مقابل برادرش دور کنند، با دست به طرف او اشاره کرده و با صدای بلند چند بار می‌گوید: الله اکبر؛ الله اکبر؛ الله اکبر...!
 - ۶- در رکعت سوم مشغول تسبیحات اربعه است که خبر مهمی را از تلویزیون می‌شنود. برای اینکه درست متوجه خبر شود چند دقیقه سکوت می‌کند و پس از تمام شدن آن بخش از خبر بقیه تسبیحات را می‌گوید.
 - ۷- در بین نماز، گوشی تلفن همراهش زنگ می‌زند و او آن را از جیبش درآورده و به شماره روی آن نگاه می‌کند. سپس گوشی را خاموش می‌کند و نمازش را ادامه می‌دهد.
 - ۸- در رکوع دوم یادش می‌آید که قنوت را فراموش کرده است.
 - ۹- وقتی سر از سجده دوم بر می‌دارد شک می‌کند که در رکعت دوم است یا رکعت سوم؟

- ۱- پنج مورد از مبطلات نماز را نام ببرید.
- ۲- در چه زمانی انسان می تواند جواب سلام کسی را که در نماز به او سلام کرده است، ندهد؟
- ۳- اگر نمازگزار در میان نماز مغرب شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، نمازش چه حکمی دارد؟

بیشتر بدانیم

امام صادق علیه السلام می فرماید :

اولین عملی که (در روز قیامت) مورد حساب قرار می گیرد، نماز است. اگر نماز مورد قبول قرار گیرد، بقیه اعمال نیز مورد قبول قرار می گیرد و اگر نماز رد شود، بقیه اعمال نیز مردود می شود.^۱

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸.



فصل سوم: معاد



می‌دانیم که مرگ پایان زندگی نیست و تنها پلی است که دو طرف زندگی ما (یعنی دنیا و آخرت) را به هم وصل می‌کند. اما هر انسانی دوست دارد بداند که پس از مرگ چه رویدادهایی منتظر اوست؟

ما در سال‌های پیش با برخی از رویدادهای پس از مرگ آشنا شدیم و دانستیم که اعمال ما می‌تواند بر حالت ما در هنگام مرگ و زندگی پس از مرگ تأثیرگذار باشد.

درس هفتم (روز رستاخیز) به بعضی دیگر از اتفاقات روز قیامت اشاره کرده و به ما می‌آموزد که باید چگونه باشیم تا این حوادث برای ما شیرین و گوارا باشند.



روز رستاخیز

از خورشید فروزان، جز دایره‌ای کم‌رنگ و بی‌رمق چیزی باقی نمانده! ستاره‌ها هم نوری ندارند. کوه‌های سستبر و بلندی که روزی میخ‌های زمین بودند اکنون مانند ابرها در حرکت‌اند و دریاها آتش گرفته‌اند. باید هم وحشت مردم را فرا بگیرد. این هنوز اول ماجراست.

کتاب اعمال کسی را به دست راستش می‌دهند. با ترس و لرز آن را باز می‌کند. کمی که نگاه می‌کند، آرامش به چهره‌اش برمی‌گردد. کم‌کم چهره‌اش روشن و روشن‌تر شده و لبخند به لب‌هایش می‌نشیند. حالا دیگر بدون هیچ ترسی با اشتیاق کتابش را می‌خواند و ناگهان:

آهای! بیایید کتابم را ببینید! از اول هم می‌دانستم که روز حساب در کار است ...

از همین حالا نشاط بهشت در چهره‌اش موج می‌زند. می‌خواهد نامه‌اش را به همه نشان دهد.

اما در گوشه‌ای دیگر، کتاب کسی را به دست چپش می‌دهند. از خجالت سرش را پایین انداخته.

از همین حالا تکلیفش روشن است. طوری که کسی نبیند، آرام گوشه کتابش را باز می‌کند.

همین که نگاهش به اعمال خود می‌افتد، غباری تاریک صورتش را می‌گیرد.

این دیگر چه کتابی است؟ هرچه انجام داده‌ام اینجاست! کاش اصلاً کارنامه‌ی اعمالم را نمی‌دادند!

ای کاش نمی‌دانستم حساب کارهایم چیست! کاش با مردن کارم تمام می‌شد! دارایی و ثروتم سودی برایم نداشت، قدرتم نیز از دستم رفت.

از غصه‌ی دستان خود را می‌گزد! دارد خودش را سرزنش می‌کند که ناگهان ...



قرآن کریم از روز قیامت با نام‌های مختلفی یاد کرده است. روز جدایی، روز حسرت، روز برانگیختن، روز دشواری، روز جاودانگی، روز جزا و روز حساب تعدادی از این نام‌ها هستند.
با دقت در متنی که خواندیم مشخص کنید این نام‌ها به کدام یک از بخش‌های متن صفحه قبل اشاره دارد؟

۱- روز حساب رسی

یکی از نام‌های روز قیامت یوم الحساب، یعنی روز حساب رسی است. در این روز تمام اعمال نیک و بد انسان‌ها (چه کوچک و چه بزرگ) مورد بازبینی و پرسش قرار می‌گیرند و هرکس در برابر یکایک کارهایی که انجام داده است، پاداش یا مجازات متناسب با عملش را دریافت خواهد کرد. این محاسبه دقیق - که هیچ عملی در آن فراموش نمی‌شود- با بررسی اعمال مهم تر آغاز شده و سپس تمام کارهای انسان را در بر می‌گیرد.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره محاسبه روز قیامت می‌فرماید :

در روز قیامت پیش از آنکه بنده مؤمن قدمی بردارد، درباره چهار موضوع مهم از او سؤال می‌کنند: عمرت را در چه راهی صرف کردی؟ بدنت را در چه راهی فرسوده ساختی؟ امالت را از چه راهی به دست آورده و در چه راهی مصرف کردی؟ از دوستی ما اهل بیت نیز سؤال می‌شود.^۱

۲- روز جدایی

یکی دیگر از نام‌های روز قیامت یوم الفصل (یعنی روز جدایی) است. در این روز - همان طور که از نامش پیداست - انسان‌ها از یکدیگر جدا شده و هرکدام به گروهی از مردم که کارهایشان شبیه به یکدیگر بوده است، می‌پیوندند.

۱- آملی شیخ طوسی، ص ۱۲۴.

این درست مانند اتفاقی است که هر سال در اولین روز سال تحصیلی روی می‌دهد. دانش‌آموزانی که به جای انجام تکالیف خود تمام وقتشان را به بازیگوشی پرداخته‌اند، در کلاس قبلی خود باقی می‌مانند و دوستان وظیفه شناس آنها به کلاسی بالاتر می‌روند.

این روز برای برخی از دانش‌آموزان که از دوستانشان جدا می‌شوند، روز بسیار تلخی است؛ اما مقصر چه کسی است؟

تصور کنید کسی که همه خانواده و دوستانش به بهشت می‌روند، ولی خودش نمی‌تواند با آنها همراه باشد و به خاطر کارهای بدش مجبور است با افراد زشت و بدکار به جهنم برود، این روز برای او چه روز دردناکی است!

به نظر شما برای نجات از چنین رنج بزرگی چه باید کرد؟

نوشه‌های روز حساب

سوره زیر را با دقت بخوانید :



اولین و مهم‌ترین چیزی که خداوند حکیم مردم را در این سوره به آن راهنمایی فرموده، ایمان است.

ایمان شرط اصلی سعادت و رهایی از زیان کاری است که بدون آن هیچ کار نیکی نیز سودمند نخواهد بود. اما آیا ایمان به تنهایی برای سعادت انسان کافی است؟

در جواب باید گفت: ایمان وقتی می‌تواند انسان را به خوشبختی واقعی برساند که با عمل صالح همراه شود و در حقیقت، عمل صالح نشانه ایمان است و بدون اعمال نیک ایمان نیز کم‌کم از قلب انسان رخت برمی‌بندد.

اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده‌اید. اگر هنگام شب و در حالی که همه جا تاریک است، یک نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون اتاق چه چیزی دیده می‌شود؟

آیا امکان دارد در حالی که پنجره‌ها باز هستند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری خارج نشود؟

چشم، گوش، زبان و بقیه اعضای بدن ما پنجره‌های قلب ما هستند. اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر رفته و در گفتار و رفتار او ظاهر می‌شود.

اکنون شاید برای شما هم این پرسش به وجود آمده باشد که در میان اعمال صالح، کدام یک می‌تواند فایده بیشتری در روز قیامت داشته باشد؟

نیکی‌های ماندگار

کسی که زمین شخصی خود را برای ساختن مسجد و یا مدرسه هدیه می‌کند و مردم تا سال‌های طولانی بعد از مرگ او از این مکان‌ها استفاده می‌کنند؛

استادی که به دیگران کار خوبی را می‌آموزد و آنان پس از مرگ استاد به آن کار عمل می‌کنند و خودشان هم همان کار را به دیگران می‌آموزند؛

کشاورز نیکوکاری که درختی را می‌کارد و پس از مرگش دیگران از آن درخت استفاده می‌کنند؛ کسی که فرزندان نیکی تربیت کرده و آنان پس از مرگ او، برایش دعا و طلب آمرزش می‌کنند و کار خیر انجام می‌دهند؛

کسی که با سال‌ها مطالعه و تحقیق کتاب‌های سودمندی می‌نویسد و دیگران با استفاده از آن کتاب‌ها به سعادت خود نزدیک‌تر می‌شوند؛

در فرهنگ اسلامی این گونه کارها، باقیات الصالحات نام دارند. همان کارهای نیکی که پس از مرگ صاحبشان نیز باقی می‌مانند و همچنان حسنات و پاداش‌های الهی را به پرونده اعمال او اضافه می‌کنند. این در حالی است که پرونده اعمال صالح دیگران پس از مرگشان بسته شده و چیز جدیدی به آن افزوده نمی‌شود.

پس در حقیقت کسی که از خود کار نیک ماندگاری را به جای می‌گذارد، مانند این است که سال‌های طولانی به عمر خود افزوده و برای سنگین‌تر کردن اعمال نیک خود فرصت بیشتری دارد.

نمونه‌های دیگری از نیکی‌های ماندگار (باقیات الصالحات) را نام ببرید.

خودت را امتحان کن

- سه نام از نام‌های روز قیامت را بنویسید و علت یکی از این نامگذاری‌ها را توضیح دهید.
- باقیات الصالحات یعنی چه؟ دو نمونه از آن را نام ببرید.
- با توجه به سوره عصر چه کسانی در روز قیامت نجات می‌یابند؟
- عبارت‌های زیر را مرتب کنید و با استفاده از آنها حدیث داخل مستطیل را کامل کنید.

اگر نماز بنده‌ای پذیرفته شود،

و اگر نمازش رد شود،

نماز است.

بقیه اعمالش نیز پذیرفته می‌شود،

اولین چیزی که در روز قیامت محاسبه می‌شود

بقیه اعمالش نیز مردود خواهد شد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: ^۱

اولین چیزی که خواهد شد.

فصل چهارم: راهنماشناسی



در گذشته دانستیم که خداوند مهربان برای هدایت و کمک به ما راهنمایی را فرستاده است تا راه زندگی درست و خوشبختی دنیا و آخرت را به ما بیاموزد. پیامبران و امامان کسانی هستند که توجه به رفتار و سخنان آن‌ها الگویی نیک برای سعادت است. درس هشتم (آخرین پیامبر) به ما می‌آموزد که رسول گرامی اسلام آخرین رسول الهی و خاتم پیامبران است و معجزه جاوید او قرآن کریم آخرین و کامل‌ترین نسخه شفاعت الهی برای انسان‌هاست.

درس نهم (پیوند ناگسستنی) با اشاره به ارتباط عمیق اهل بیت پیامبر - که درود خدا بر آنان باد - و قرآن کریم به ما می‌آموزد که آنان معلمان واقعی قرآن کریم هستند و در میان تمام افراد بشر هیچ کس به اندازه آنان از اسرار و معارف قرآن کریم باخبر نیست.

درس دهم (وقتی اسلام کامل شد) با بیان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام یعنی واقعه غدیر خم، به مسأله جانشینی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداخته و نشان می‌دهد که پس از رسول گرامی اسلام، شایسته‌ترین فرد برای رهبری مردم امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است.

درس یازدهم (رهبری در عصر غیبت) به پاسخ این پرسش می‌پردازد که در زمان غیبت (که تاکنون بیش از هزار سال از آن گذشته است) رهبری و هدایت مردم به‌عهده چه کسانی است و این افراد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟



آخرین پیامبر

کودک هفت ساله‌ای را تصور کنید که برای اولین بار به مدرسه آمده است.
معلم این کودک چگونه مسائل ریاضی را به او آموزش می‌دهد؟
آیا معلم در همان روزها و هفته‌های اول می‌تواند شیوه گرفتن جزر اعداد و یا ضرب و تقسیم اعداد کسری را به او یاد دهد؟ چرا؟



خاتم النبیین

در طول تاریخ هرچه فهم و اندیشه انسان‌ها رشد بیشتری می‌کرد، آمادگی آنان برای پذیرش پیام‌های مهم‌تر و کامل‌تر خداوند نیز بیشتر می‌شد و در نتیجه، پیامبران الهی برای آنها معارفی را بازگو می‌کردند که پیشینیان، از درک آن معارف ناتوان بودند. البته فراموش نکنیم که پیام‌های اصلی همه رسولان الهی با هم یکسان است و اگر ناتوانی انسان‌ها در فهم آن پیام‌ها نبود، خداوند بزرگ همه پیام‌هایش را در اولین کتاب هدایت برای بشر ارسال می‌کرد و اصلاً نیازی به فرستادن کتاب‌های متعدد آسمانی وجود نداشت.

با توجه به این حقیقت، می‌توان گفت که هر یک از پیامبران علاوه بر اینکه مردم زمان خود را با زبانی ساده راهنمایی می‌کردند، ظرفیت آنان را نیز برای دریافت معارف عمیق‌تر و کامل‌تر خداوند افزایش داده و مقدمات دعوت پیامبر بعد از خود را فراهم می‌کردند.

این مسیر ادامه داشت و هر پیامبری که به رسالت می‌رسید، پیامبران پیش از خود را تصدیق^۱ کرده و مردم را به پیامبر بعد از خود بشارت می‌داد، تا اینکه بالاخره جامعه انسانی کم‌کم به مرز آمادگی نهایی خود برای درک والاترین معارف الهی رسید. در این زمان بود که آخرین و کامل‌ترین پیامبر الهی برای رساندن مهم‌ترین پیام‌های خداوند حکیم به مردم، برانگیخته شد.

فعالیت کلاسی

شعر زیر را بخوانید و ضمن گفتگو دربارهٔ مصرع دوم آن، بیان کنید که پیام این مصرع با موضوع درس ما چه ارتباطی دارد؟
نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد تود هم پیش ماست^۲

قرآن، آخرین پیام

اکنون که می‌دانیم رسول خدا آخرین پیامبر الهی است، کاملاً روشن است که کتاب آسمانی ایشان قرآن نیز آخرین و کامل‌ترین کتابی خواهد بود که از طرف خدا به زمین نازل می‌شود و انسان‌ها پس از آن، دیگر پیامی از خداوند بزرگ دریافت نخواهند کرد.

۱- تصدیق یعنی پذیرش و تأیید.

۲- مولوی

اما به نظر شما این هدیهٔ گران قدر الهی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند تمام نیازهای انسان‌ها را تا روز قیامت برطرف کند؟

امیر مؤمنان حضرت علی **علیه السلام** دربارهٔ قرآن می‌فرماید :

«... آگاه باشید، همانا این قرآن پند دهنده‌ای است که فریب نمی‌دهد. هدایت کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. کسی با قرآن همنشین نشد مگر آنکه قرآن چیزی بر او افزود و یا چیزی از او کاست، بر هدایت او افزود و از گمراهی و کوردلی اش کاست. بدون قرآن هیچ کس بی‌نیاز نخواهد شد، پس درمان خود را از قرآن بخواهید، و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید. به وسیلهٔ قرآن خواسته‌های خود را از خدا بخواهید، و با دوستی قرآن به خدا روی آورید؛ زیرا وسیله‌ای برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد. آگاه باشید، که شفاعت قرآن پذیرفته، و سخنش تصدیق می‌شود. آن کس که در قیامت، قرآن شفاعتش کند بخشوده می‌شود، و آن کس که قرآن از او شکایت کند محکوم خواهد شد. پس شما در گروه عمل کنندگان به قرآن باشید و از قرآن پیروی کنید. با قرآن خدا را بشناسید و خود را با قرآن اندرز دهید.»^۱



اهمیت فوق العاده قرآن کریم در زندگی مسلمانان باعث شده است که قرائت این کتاب آسمانی از نیکوترین اعمال در اسلام به شمار رفته و پاداش بزرگ خداوند را به دنبال داشته باشد. امام صادق **علیه السلام** دربارهٔ فضیلت تلاوت قرآن می‌فرماید :

جوان با ایمانی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونس آمیخته می‌شود و خداوند او را در ردیف فرشتگان ارجمند و نیکوکار قرار می‌دهد و همین قرآن در روز قیامت، در حالی که محافظ اوست، می‌گوید : پروردگارا، هرکس که عملی انجام داده، مزد و پاداش کارش را گرفته است، پس به کسانی که به من عمل کرده‌اند نیز نیکوترین هدیه‌هایت را عطا کن.^۲

۱- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۷۶.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

البته یادآوری این نکته لازم است که هرچند تلاوت آیات الهی با صدایی نیکو و رعایت تجوید، موجب زیبایی و دلنشینی بیشتر قرائت قرآن می‌شود، اما مهم‌ترین مسئله، قرآن خواندن و تفکر در معانی آن است؛ یعنی اینکه انسان با ایمان در طول شبانه روز، زمان مشخصی را (هرچند کوتاه) به خواندن و تدبر در قرآن کریم اختصاص دهد. این همان عملی است که خداوند حکیم برای آن هیچ حد و اندازه‌ای معین نکرده و می‌فرماید :

فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ؛

یعنی هر قدر که برایتان میسر است قرآن بخوانید^۱.

اکنون شاید از خودمان بیرسیم علت این همه تاکید بر قرائت قرآن چیست و چگونه ممکن است که یک کتاب چنین نقش مهمی را در سعادت انسان داشته باشد؟ پاسخ این سؤال را باید در محتوای قرآن جست و جو کنیم. در حقیقت قرآن کریم تنها کتابی است که می‌تواند به پرسش‌های اساسی و مهم بشر پاسخ درست بدهد. این پرسش‌ها عبارت‌اند از :

من کیستم؟

آفریدگارم کیست و از کجا آمده‌ام؟

در این دنیا چگونه باید باشم؟

کسانی که پیش از من در این دنیا زندگی می‌کردند، اکنون کجا هستند؟

راهنمایان من چه کسانی‌اند؟

جالب است بدانیم که این پرسش‌ها تنها مربوط به انسان‌های یک زمان خاص نبوده و انسان‌ها همواره برای یافتن پاسخ‌های درست به این سؤالات تلاش می‌کرده‌اند. اشعار مولوی شاعر پارسی زبان ایرانی شاهدی بر این موضوع است :

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

روزها فکر من این است و همه شب سخنم

به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟

۱- سوره مزمل، آیه ۲۰.

پیام‌های اصلی قرآن

با نگاهی کلی به آیات کتاب خدا می‌بینیم که محتوای این کتاب آسمانی به چند دسته کلی تقسیم

می‌شود:

- ۱- خداشناسی و دعوت مردم به یکتاپرستی و دوری از پرستش غیر خدا،
- ۲- معاد و سرنوشت انسان پس از مرگ و توصیف بهشت و جهنم،
- ۳- معرفی پیامبران و ویژگی‌های آنان و دعوت مردم به الگو گرفتن از آنان،
- ۴- سرگذشت اقوام پیشین و عبرت گرفتن از سرانجام آنها،
- ۵- وظایف مردم در برابر یکدیگر و راه درست معاشرت با دیگران و
- ۶- یادآوری نعمت‌های الهی و تشویق مردم به تفکر درباره این نعمت‌ها و قدردانی و اطاعت از

خداوند.

همان گونه که می‌بینیم محتوای قرآن کریم بهترین پاسخ به همان پرسش‌های اصلی انسان است

که هیچ کس به اندازه آفریدگار حکیم با او و نیازهایش آشنا نیست.

خودت را امتحان کن

- ۱- چرا خداوند حکیم، تعالیم عمیق قرآن را به اقوام پیش از اسلام نازل

نفرمود؟

- ۲- طبق فرمایش حضرت امیر مؤمنان، همنشینی با قرآن چه تأثیراتی بر انسان

می‌گذارد؟

- ۳- پیام‌های اصلی قرآن کریم را به صورت خلاصه بیان کنید.



ضمن مراجعه به قرآن کریم، برای هریک از پرسش‌های اساسی که در درس خواندیم یک پاسخ از آیات قرآن بیابید.

بیشتر بدانیم

یکی از نزدیکان امام خمینی (ره) می‌گوید:

تا جایی که من اطلاع دارم، امام از اوایل عمر تاکنون هر روز مقداری قرآن می‌خوانند. این یکی از کارهای روزانه ایشان است که بر اساس همان نظم دقیقی که در زندگی دارند، ساعتی را نیز برای تلاوت و انس با قرآن کریم اختصاص داده‌اند. در این ساعت کسی نزد ایشان نمی‌رود و پاسخ سؤال کسی را نمی‌دهند و کاملاً جان و دل را به قرآن داده و به آیات قرآنی و معانی آن توجه می‌کنند.

روزی به ایشان عرض کردم: آقا شما سراپای وجودتان قرآن عملی است، دیگر چرا این قدر قرآن می‌خوانید؟ امام مکتبی کرده و فرمودند: هر کس بخواهد از آدمیت سر در بیاورد و آدم بشود باید دائم قرآن بخواند.^۱

۱- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، غلامعلی رجایی، ج ۳، صفحات ۵ تا ۱۳.

پیوند ناگسستنی

متوکل خلیفه ظالم عباسی به بیماری سختی دچار شد که بهبودی اش بسیار مشکل بود. با خود نذر کرد: اگر از این بیماری شفا یافتم، مال کثیری^۱ را صدقه خواهم داد. اتفاقاً پس از مدتی شفا یافت و تصمیم گرفت به نذرش عمل کند، اما به نظرش رسید حالا چقدر باید صدقه دهم؟ هر یک از اطرافیان و دانشمندان دربار متوکل چیزی می گفتند. یکی می گفت: مال کثیر یعنی ده هزار درهم! دیگری می گفت: خیر، ده هزار اشتباه است، باید صد هزار درهم صدقه بدهید. مال کثیر یعنی صد هزار سکه! و ...

وقتی خلیفه دید که گفت و گو بی فایده است، به ناچار شخصی را سراغ امام محمد تقی **علیه السلام** فرستاد تا ایشان مشکل را حل کند. امام جواد **علیه السلام** پاسخ دادند: باید هشتاد سکه صدقه دهد. عالمان درباری و اطرافیان متوکل که از به خطر افتادن موقعیت خود نگران بودند به خلیفه گفتند: این درست نیست، چه کسی گفته هشتاد تا زیاد است؟! او از خودش چیزی گفته است. به او بگویند اگر راست می گوید دلیل خودش را بیان کند! ...

قاصد دوباره نزد امام جواد **علیه السلام** آمد. حضرت فرمود: دلیل من کلام خداوند در قرآن است، خداوند به پیامبرش می فرماید: **لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ**؛ (یعنی خداوند شما را در موارد کثیری در جنگ ها یاری کرد) و ما می دانیم تا زمان نزول این آیات بر پیامبر اکرم، مسلمانان در هشتاد جنگ با مشرکان روبه رو شده بودند. پس، از دیدگاه خداوند، مال کثیر، هشتاد است (بنابراین، هشتاد سکه مال کثیر است).^۲



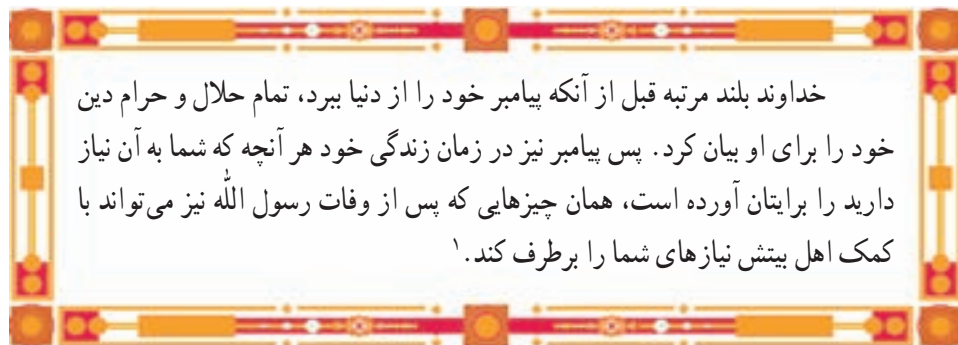
۱- مال کثیر یعنی مال بسیار.

۲- کافی، ج ۷، ص ۴۶۳.

در درس پیش با جایگاه قرآن کریم در هدایت انسان‌ها آشنا شدیم و دانستیم که این کتاب بی‌مانند، هر چیزی را که بشر برای سعادت و خوشبختی به آن نیاز دارد، در خود گنجانده است. واضح است که هر کس به این معجزه جاویدان پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** توجه کند، می‌تواند در سطح فهم و دانش خود از آن بهره‌بردار، اما آیا همه انسان‌ها می‌توانند به عمق علوم و معارف عمیق قرآن دست یابند؟

خداوند حکیم، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی **صلی الله علیه و آله و سلم** را اولین معلم قرآن قرار داده است؛ زیرا ایشان بهتر از هر انسان دیگری می‌داند که هر آیه از قرآن در چه زمانی و به چه علتی نازل شده است و مفهوم و تفسیر واقعی آن چیست. نگاهی به تاریخ زندگی پیامبر اکرم – که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد – نیز به ما نشان می‌دهد که ایشان برای انجام رسالت مهمی که برعهده داشتند، با تمام وجود به بیان معارف الهی قرآن و آموزش مردم زمان خود پرداختند. اما مردمی که بعد از وفات رسول خدا به دنیا می‌آیند چگونه باید راه خوشبختی خود را در دنیا و آخرت پیدا کنند؟

به نظر شما خداوند برای راهنمایی این گروه – که اتفاقاً جمعیت آنها بسیار بیشتر از مردم زمان پیامبر اعظم است – چه تدبیری اندیشیده است؟
امام کاظم **علیه السلام** در پاسخ به این سؤال می‌فرماید:



تربیت معلمان آینده

رسول گرامی اسلام از همان ابتدای بعثت، برنامه کامل و دقیقی را برای هدایت مردم طراحی کرده بود که حتی سعادت انسان‌های پس از خود را نیز تضمین می‌کرد. این برنامه عبارت بود از تربیت

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۰.

معلمان ویژه‌ای برای فهم و آموزش معارف عمیق قرآن.

فکر می‌کنید چه کسی می‌توانست شایسته‌ترین فرد برای هدایت مردم پس از رسول خدا باشد؟ بدون شک بهترین فرد برای این جایگاه، کسی بود که از کودکی در آغوش پر محبت پیامبر خدا پرورش یافته بود، همان کسی که از هر کس دیگری به پیامبر نزدیک‌تر بود و از همان کودکی در اثر تربیت فوق العاده پیامبر از علوم الهی برخوردار شده بود.

امیرمؤمنان درباره‌ی روزهای کودکی خود می‌فرماید:

من از کودکی با رسول خدا بدم و او هر روز دری از علم به رویم می‌گشود و اخلاق و آداب نیک را برایم آشکار می‌ساخت و دستور می‌داد که پیوسته از او پیروی کنم.^۱ پیامبر به من می‌فرمود: خداوند به من سفارش کرده که تو را تربیت کنم و علوم و معارف دین را به تو بیاموزم و خدا فرموده که جان تو پذیرا و نگه دارنده‌ی این معارف است.

هیچ‌آیه‌ای بر پیامبر نازل نمی‌شد، مگر اینکه آن را برای من قرائت می‌کرد. او می‌خواند و من با خط خودم آن را می‌نوشتم و سپس تفسیر و تاویل آن آیه را به من می‌آموخت و از خداوند درخواست می‌کرد که قدرت فهم و حفظ آن را به من عطا کند. پس هرچه از حلال و حرام و امر و نهی و اتفاقات گذشته و آینده که خداوند به او آموخته بود، همه را به من آموخت و من آنها را حفظ کرده و با دعای پیامبر حتی یک حرف از آن را هم فراموش نکردم.^۲

از آنچه خواندیم در می‌یابیم که پیامبر خدا اسرار و نکات عمیق قرآن را به حضرت علی **علیه السلام** آموختند تا پس از رحلت ایشان، مردم بتوانند با کمک امیرمؤمنان و امامان پس از ایشان از معارف قرآن بهره‌مند گردند و با استفاده از این آموزه‌ها بر مشکلات خود غلبه کنند. حضرت علی **علیه السلام** می‌فرماید:

روزی رسول خدا به من فرمود: ای علی، آنچه برایت می‌گویم، بنویس.
گفتم: ای رسول خدا، آیا بیم آن را دارید که سخنان شما را فراموش کنم؟
فرمود: نه؛ بیم فراموشی بر تو ندارم؛ زیرا خدا خواسته است که تو را حافظ احکام و معارف دین قرار دهد، اما اینها تنها برای تو نیست؛ بلکه برای امامان بعد از تو

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷ و غایة المرام، ص ۳۶۷.

۲- کافی، ج ۱، ص ۶۴.

نیز هست، برای آنها بنویس.

آن گاه رسول خدا به پسر حسن اشاره کرد و فرمود: اولین آنها، حسن است. سپس نگاهی به حسین کرد و فرمود: دومین آنها حسین است و بقیه از فرزندان حسین هستند.^۱

اصحاب پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** بارها و بارها از ایشان شنیده بودند که می فرمود:

ای مردم، من از میان شما می روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می گذارم که تا وقتی به آن دو تمسک کنید گمراه نخواهید شد؛ یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت! این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند، پس خوب مراقب باشید که بعد از من با این دو چگونه رفتار می کنید.^۲

این سخنان رسول گرامی اسلام به وضوح نشان می دهد که تنها راه رسیدن به سعادت و راهیابی به بهشت زیبای خداوند، تمسک به قرآن و اهل بیت پیامبر است و رها کردن هریک از این امانت های ارزشمند الهی نتیجه ای جز سرگردانی و گمراهی نخواهد داشت.

فعالیت کلاسی

آیات زیر را با دقت بخوانید:

۱- **إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ**^۳
این قرآنی ارجمند در کتابی نهفته است که جز پاک شدگان کسی از آن آگاه نیست.

۱- بنایع المودة، ص ۲۲.

۲- این حدیث به حدیث نقلین معروف است.

۳- سورة واقعه، آیات ۷۷ تا ۷۹ بر اساس ترجمه علامه طباطبایی در المیزان، ج ۱۹، ص ۲۲۶.

۲- اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^۱

خداوند تنها می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کرده و شما را کاملاً پاک سازد.
این آیات را کنار هم قرار دهید و دربارهٔ پیامی که از آنها درمی‌یابید در کلاس گفتگو کنید.

خود را امتحان کن

- ۱- حدیث ثقلین را بنویسید.
- ۲- چرا حضرت علی **علیه السلام** شایسته‌ترین فرد برای هدایت مردم پس از رسول خداست؟

پیشنهاد

سورهٔ کوثر کوتاه‌ترین سورهٔ قرآن کریم است که در جزء سی ام قرار دارد. دربارهٔ معنای این سوره تحقیق کنید و نتیجهٔ تحقیق خود را در کلاس بخوانید.
به نظر شما معنای این سوره چه ارتباطی با درس دارد؟

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۳۳.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید :

حدیث من، حدیث پدرم است و حدیث پدرم، حدیث جدم است و حدیث جدم، حدیث امام حسین است و حدیث امام حسین، حدیث امام حسن است و حدیث امام حسن، حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام است و حدیث امیرالمؤمنین، حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و حدیث رسول الله، کلام خداوند عزوجل است.^۱

وقتی اسلام کامل شد

با نگاهی به شیوه زندگی رسول گرامی اسلام **صلوات الله علیه و آله و سلم** می بینیم که هرگاه ایشان یک گروه کوچک را برای مأموریتی به جایی می فرستادند، حتماً یکی از آنان را به عنوان سرپرست گروه تعیین می کردند تا آن افراد دچار تفرقه و سردرگمی نشوند. در جنگ هایی که خودشان حضور نداشتند نیز چندین نفر را به ترتیب برای فرماندهی سپاه مشخص می کردند تا اگر یکی از آنها آسیب دید، نفر دیگر فرماندهی را به عهده بگیرد.

حالا کمی فکر کنیم!

پیامبر خدا که در کارهای کوچک و گذرا مسلمانان را بدون راهبر و امام رها نمی کرد، آیا ممکن است وقتی که باید برای همیشه آنها را ترک کند، امت بزرگ اسلامی را بدون رهبر رها کرده و هیچ جانشینی برای خود انتخاب نکند؟



آخرین پیغام

صحرای حجاز لبریز از جمعیت است. بیش از صد و بیست هزار نفر! هیچ کس دوست ندارد این افتخار را از دست بدهد. این آخرین سفر حجی است که پیامبر خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** خودشان نیز در آن حضور دارند. مسلمانان از مدینه، یمن، عراق و هر جای دیگر، خودشان را برای اعمال حج به مکه رسانده اند. این دستور ایشان است که هر کس توانایی دارد، خودش را به مراسم حج برساند. پیامبر اکرم نیز خانواده اش را به همراه خود به مکه آورده است. در هنگام انجام مناسک حج، چشم ها و گوش ها همه متوجه پیامبر خداست. همه می خواهند اعمال حج را از خود پیامبر بیاموزند.

فضای مکه تا کنون چنین حال و هوایی را به خود ندیده است. معنویتی عجیب در این شهر

جاری است. انگار همه چیز در این شهر تازگی دارد، اما آن چه عجیب تر از همه است، حالت خود پیامبر است. مثل این که نگران چیزی است، یا می خواهد خبر مهمی را به مردم بدهد که هنوز زمانش فرا نرسیده است ...



مناسک^۱ حج که تمام می شود، مسلمانان در کاروانی بزرگ از مکه خارج می شوند. چند روزی در بیابان های خشک و سوزان راه می روند تا به غدیر خُم می رسند. جایی که مسیر شهرها از هم جدا می شود. دیگر باید کم کم از محبوب قلبشان خدا حافظی کنند. مسلمانانی که مسیرشان از پیامبر جدا می شود یکی یکی و چندتا چندتا جلو می آیند و با چشمانی اشک بار برای همیشه با رسول خدا وداع می کنند. آنها هنوز از حضرت چندان دور نشده اند که جبرئیل امین نازل می شود:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^۲

ای پیامبر، آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، حتماً (به مردم) برسان! (این مسئله آن چنان اهمیتی دارد که) اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد. آری خداوند، کافران (لجوج) را هدایت نمی کند.

اما این چه خبری است که این قدر اهمیت دارد؟ پیامبر خدا بیست و سه سال تمام، با هر سختی و مشقتی تلاش کرده است که دین خدا را بدون هیچ کم و کاستی به مردم برساند. او در راه انجام رسالتش نزدیک ترین عزیزان و یارانش را از دست داده است، شکنجه ها و تنهایی ها را تحمل کرده است، محاصره شده، گرسنگی کشیده و بارها و بارها

۱- مناسک حج : عبادات و اعمال مربوط به حج.

۲- سوره مائده، آیه ۶۷.

جنگیده و مجروح شده است. حالا این چه پیامی است که اگر آن را به مردم نرساند، زحمت‌های تمام این سال‌هایش به هدر می‌رود؟

این همان خیر مهمی است که مدت‌هاست حضرت را نگران کرده است. او نگران این بود که مبدا عده‌ای از مردم از سر لجاجت، از این دستور خدا سرپیچی کرده و گمراه شوند. اما اکنون که فرشته وحی دستور خداوند را به ایشان می‌رساند، دیگر نگرانی‌اش برطرف می‌شود. دیگر وقت ابلاغ پیام خدا فرا رسیده است.

رسول خدا دستور می‌دهند همه کاروانیان از شترها پیاده شوند! صبر می‌کنیم تا کسانی که عقب‌ترند به ما برسند. به آنان که جلو رفته‌اند نیز بگویید همه برگردند! مسلمانان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند. یعنی چه اتفاقی افتاده است که پیامبر خدا در این وضعیت کاروان را متوقف کرده‌اند؟

همه می‌دانند که مسئله مهمی پیش آمده است، ولی کسی نمی‌داند چه موضوعی؟ عده‌ای از حضرت سؤال می‌کنند: ای رسول خدا، چه اتفاقی افتاده است؟ رسول خدا می‌فرماید: بعد از اقامه نماز ظهر صحبت می‌کنم.

نزدیک ظهر است و هوا فوق‌العاده گرم! زیر آفتاب سوزان حجاز، عده‌ای عباهایشان را به سر کشیده‌اند و عده‌ای دیگر به سایه شترها پناه برده‌اند.

هنگام نماز فرا می‌رسد و پیامبر خدا به نماز می‌ایستند. مسلمانان نیز همگی به ایشان اقتدا کرده و نماز را به جماعت می‌خوانند.

نماز که تمام می‌شود، رسول خدا بدون اینکه با کسی صحبت کنند، روی مکان بلندی می‌ایستند. سکوت همه جا را فرا گرفته و چشم‌های هزاران مسلمان به لب‌های پیامبر دوخته شده است... بالاخره انتظارها به پایان می‌رسد و رسول‌گرامی اسلام با ستایش خدا سخن را آغاز می‌کند: «... ای مردم، مرگ برای هر انسانی حتمی است و من نیز مانند دیگر انسان‌ها خواهم مرد. بدانید که من و شما همگی در برابر خداوند و دین او مسئولیم. من به وظیفه خود عمل کردم و پیام‌های خدا را به شما رساندم و شما را راهنمایی کردم.

ای مردم، خداوند به من خبر داده است که مرگم نزدیک است. او مرا به سوی خویش دعوت کرده و من خیلی زود به سوی او خواهم شتافت. پس با شما وداع می‌کنم و برایتان وصیت مهمی دارم. ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم که تا وقتی به

آن دو تمسک کنید گمراه نخواهید شد. یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت؛ این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمهٔ کوثر به من ملحق شوند؛ پس خوب مراقب باشید که بعد از من چگونه با این دو رفتار می‌کنید.»

سخن پیامبر که به اینجا می‌رسد، علی بن ابی طالب **علیه السلام** را نزد خویش فرا می‌خواند. دست او را می‌گیرد و می‌فرماید:

«ای مردم، تا کنون سرپرستی و رهبری شما به عهدهٔ من بوده است. آیا من از سوی خدا رهبر و صاحب اختیار شما نبوده‌ام؟ آیا من ولی و راهبر شما نبوده‌ام؟»

همه جواب می‌دهند: بله ای رسول خدا، تو پیشوا، ولی و صاحب اختیار ما بوده‌ای.

در این هنگام پیامبر رحمت، دست علی **علیه السلام** را بالا آورده و با صدایی بلند و رسا می‌فرماید:

«آگاه باشید، هرکس که من ولی و صاحب اختیار او بوده‌ام، هم اکنون این علی سرپرست و ولی اوست. خداوندا؛ هرکس ولایت علی را پذیرفت، تو نیز او را تحت سرپرستی و ولایت خویش قرار بده، خدایا، یاران علی را یاری کن و با دشمنان علی دشمن باش.»^۱

در میان آن جمعیت انبوه، چند نفر سخنان پیامبر را جمله به جمله و با صدای بلند تکرار می‌کنند تا فرمایش ایشان به کسانی که دورتر نشسته‌اند نیز برسد.

سخنان مهم و مفصل ایشان بیش از یک ساعت به طول می‌انجامد.

رسول گرامی اسلام در پایان سخنانشان می‌فرماید: «آیا این پیام خداوند را به شما رساندم؟»

مردم می‌گویند: بله ای رسول خدا.

رسول خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** می‌فرماید: «پس حاضران، این پیام را به غایبان نیز برسانند.»

سخنان ایشان که تمام می‌شود، مسلمانان گروه گروه پیش آمده و این افتخار بزرگ را به امیر مؤمنان

تبریک می‌گویند. اصحاب پیامبر پیشاپیش بقیهٔ مسلمانان، ولایت حضرت علی **علیه السلام** را به ایشان

تبریک گفته و او را مولای خود می‌نامند.

دیگر نشانه‌ای از نگرانی در چهرهٔ پیامبر خدا دیده نمی‌شود. او این پیام مهم الهی را در حضور

ده‌ها هزار نفر برای مردم بیان کرده است تا برای هیچ کس تردیدی در جانشینی حضرت علی **علیه السلام**

باقی نماند.

هنوز جمعیت از اطراف علی **علیه السلام** پراکنده نشده‌اند که پیک حق، آیهٔ دیگری را برای پیامبر

می‌آورد:

الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ
وَ اٰخِشُوْنِ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ
رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِيْنًا^۱.

امروز، کافران از (کارشکنی در) دین شما مأیوس شدند. پس از ایشان مترسید
و از (مخالفت) با من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام
کردم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما برگزیدم.

این واقعه را تمام علمای مسلمان در کتاب‌های مهم حدیثی و تاریخی خود ذکر کرده‌اند، به گونه
ای که برای هیچ مسلمانی (چه شیعه و چه سنی) تردیدی در اصل این ماجرا و سخنان پیامبر اکرم وجود
نداشته و ندارد.

تنها انتخاب

در ماجرای غدیر دیدیم که انتخاب حضرت علی **علیه السلام** برای جانشینی پیامبر اکرم توسط
خود خداوند انجام شد و جبرئیل امین نیز آن را به اطلاع پیامبر خدا رساند.
حالا اگر این انتخاب توسط خداوند بزرگ انجام نمی‌گرفت، و قرار بود پیامبر خودش کسی را
برای این کار مهم انتخاب کند، چه کسی شایستگی این جانشینی را داشت؟
بی تردید شایسته‌ترین فرد برای رهبری و هدایت مردم کسی بود که آگاه‌ترین مردم به قرآن و احکام
الهی باشد^۲ و تمام احکام الهی را از رسول گرامی اسلام فرا گرفته باشد و این فرد به جز امیرالمؤمنین
علی ابن ابی طالب **علیه السلام** شخص دیگری نبود.

اعلام جانشینی حضرت علی **علیه السلام** در روز غدیر واقعه‌ای بود که باعث ناامیدی کامل
مشرکان و منافقان حجاز شد. آنها تصور می‌کردند چون پیامبر خدا – که درود خدا بر او و خاندان
پاکش باد – پسری ندارد، پس کسی بعد از وفات او کارهایش را ادامه نخواهد داد و با وفات او دینش

۱- سوره مائده، آیه ۳.

۲- در کتاب‌های دانشمندان شیعه و سنی می‌بینیم که اصحاب پیامبر اکرم همگی اعتراف می‌کردند که داناترین همه آنها حضرت علی **علیه السلام**

نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. اما جانشینی امیرمؤمنان به جای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم، تمام آرزوهای پوچ آنان را بر باد داد.

فعالیت کلاسی

کمی به ماجرای غدیر و سخنان رسول خدا در این روز فکر کنید! اعمال حج تمام شده است و مسلمانان مشتاقانه در انتظار برگشتن به شهرها و دیدار خانواده‌های خود هستند. برخی از آنها که از مناطق دورتر به مکه آمده‌اند، ماه‌هاست که از خانه و خانواده‌هایشان بی‌خبرند. در چنین شرایطی رسول خدا ناگهان بیش از صد و بیست هزار نفر را در بین راه متوقف می‌کنند. آنان که جلو رفته‌اند باید برگردند و آنان که عقب مانده‌اند باید برسند. در بیابانی سوزان ساعت‌ها برایشان سخن می‌گویند و بعد، از آنها می‌خواهند که همه آنچه شنیده‌اند را برای بقیه مسلمانان نیز بازگو کنند.

به نظر شما این همه تأکید نشانه چیست؟
با کمک دبیر محترم، درباره این پرسش در کلاس گفتگو کنید.

خودت را امتحان کن

- ۱- سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درباره حضرت علی علیه السلام در روز غدیر خم توضیح دهید.
- ۲- چرا در روز غدیر خم کافران و منافقان از نابودی اسلام ناامید شدند؟
- ۳- چرا بعد از پیامبر خدا تنها امیرالمؤمنین علیه السلام شایسته رهبری بر مسلمانان بودند؟

بزرگترین عید

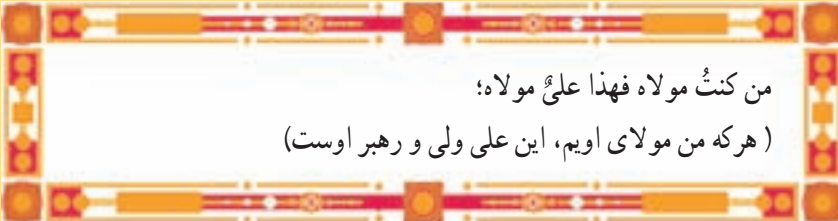
مردم در کشور ما روز عید غدیر را جشن می‌گیرند و در این روز - برای زنده نگه داشتن این واقعه مهم - به دیدار سادات می‌روند و خداوند مهربان را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس می‌گویند.

این روز بزرگ از زمان زندگی اهل بیت **علیهم السلام** نیز در میان مؤمنین روز عید به شمار رفته است.

شخصی از امام صادق **علیه السلام** پرسید: آیا مسلمانان به جز عید فطر و عید قربان، عید دیگری هم دارند؟

امام فرمود: بله، عیدی بزرگ‌تر از اینها هم هست.
- کدام عید؟!

همان روزی که پیامبر خدا حضرت علی **علیه السلام** را به ولایت منصوب کرد و فرمود:



- این کدام روز است؟

: روز هجدهم ماه ذی حجه^۱.

- در این روز انجام چه کاری شایسته‌تر است؟

: در این روز با روزه گرفتن و عبادت خدا و گفتگو دربارهٔ (فضیلت‌های) محمد و

آل محمد **صلوات الله علیهم** خدا را یاد کنید. همانا که رسول خدا به امیر مؤمنان سفارش کرد که این روز را عید بگیرد...^۲

۱- روز عید غدیر همان هجدهم ذی حجه است.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۰.

موضوع ولایت حضرت علی **علیه السلام** و واقعه غدیر در میان مسلمانان از چنان اهمیتی برخوردار است که نویسندگان و اندیشمندان بسیاری را به نوشتن کتاب‌هایی درباره این موضوع واداشته است.

کتاب ارزشمند «الغدیر» یکی از مهم‌ترین این کتاب‌هاست که توسط علامه امینی در یازده جلد تألیف شده است.

ایشان در بخش اول این کتاب، صدها نفر از راویان شیعه و سنی را نام می‌برد که خودشان این حدیث را در غدیر خم از رسول خدا شنیده‌اند.

وی در بخش‌های دیگر کتاب خود، از صدها نویسنده و دانشمند شیعه و سنی در قرن‌های مختلف نام می‌برد که با کتاب‌های مستقلاً درباره این موضوع نوشته‌اند یا بخش‌هایی از کتاب‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند.

از مهم‌ترین کتاب‌های اهل سنت که واقعه غدیر در آنها با عبارات‌های مختلف نقل شده است می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: صحیح مسلم، صحیح ترمذی، سنن ابن ماجه، مسند احمد بن حنبل، المستدرک حاکم نیشابوری، تفسیر طبری، الجامع الصغیر، خصایص نسائی، الاستیعاب، تاریخ خطیب بغدادی، کنز العمال، المناقب ابن المغازلی، معجم الکبیر، اسنی المطالب، أسد الغابة، تهذیب التهذیب، الدر المنثور، البدایة و النهایة ابن کثیر دمشقی، الاصابه، ینابیع المودة، المعارف ابن قتیبه دینوری.

پیشنهاد



با کمک یکی از بزرگ‌ترها؛ درباره اهمیت غدیر انشایی بنویسید و آن را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

رهبری در عصر غیبت

در درس‌های پیش دانستیم که پس از رحلت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - وظیفه هدایت و رهبری مردم همواره به عهده امامان معصوم و عالم از اهل بیت رسول خداست. اکنون کمی فکر کنیم؛

بیش از هزار سال است که امام زمان **عجل الله تعالی فرجه الشریف** از دسترس مردم دور هستند و مردم نمی‌توانند ایشان را ملاقات کرده و پرسش‌های خود را با آن حضرت در میان گذارند. آیا می‌توانیم بگوییم که انسان‌ها در تمام این مدت هیچ نیازی به هدایت و رهبری نداشته‌اند؟ پس تکلیف مردم در این زمان - که عصر غیبت نامیده می‌شود - چیست؟



یکی از اصحاب امام صادق **علیه السلام** از ایشان پرسید :
ای فرزند رسول خدا، دو نفر از دوستان ما بر سر مسئله‌ای مالی با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند. آیا آنها می‌توانند برای حل مشکلتان نزد هر حاکم یا پادشاهی بروند؟
حضرت فرمود : خیر، کسی که به این گونه حاکمان مراجعه کرده و با حکم آنان چیزی را به دست آورد، در حقیقت به طاغوت^۱ مراجعه کرده است و خداوند در قرآن به مردم امر می‌کند از طاغوت دوری کنند.

۱- حاکمان طاغوت : حاکمانی ظالم و ناآگاه‌اند که حق حکومت بر مردم را ندارند.

ای فرزند رسول خدا، پس تکلیف مردم در این گونه مسائل چیست؟
 — باید به سراغ کسانی بروند که احادیث ما (اهل بیت) را برایشان بازگو می کنند. کسانی که بر حلال و حرام ما آگاه اند و احکام ما را می شناسند. من این افراد را بر شما حاکم قرار داده ام. بنابراین، مردم نیز باید به حکم آنان راضی گردند. پس هر کس که حکم آنان را — که حکم ماست — قبول نکند، بدون شک حکم خدا را خوار شمرده و کسی که ما را رد کند، خداوند را رد کرده و این در حدّ شرک به خداست.^۱
 برداشت شما از این حدیث چیست؟
 این حدیث به خوبی نشان می دهد که هدایت و رهبری مردم در عصر غیبت بر عهده عالمان و دانشمندان دینی است. اما این عالمان دینی چه کسانی هستند؟
 آیا هرکسی که درباره مسائل دینی اظهار نظر می کند، از شایستگی لازم برای هدایت مردم برخوردار است؟

امام صادق علیه السلام درباره هدایتگران واقعی مردم می فرماید :

مردمی که می بینند عالمانشان آشکارا گناه کرده و در جمع آوری دنیا و اموال حرام حریص اند، ولی باز هم از این گونه عالمان پیروی می کنند، مانند یهودیانی اند که خداوند در قرآن آنان را به خاطر پیروی از عالمان بدکارشان سرزنش می کند. اما هرکس از فقیهان که پرهیزکار باشد، از دین خود محافظت کند، بر خلاف هوای نفس خود رفتار کند و مطیع دستور خداوند باشد، بر مردم واجب است از او پیروی کنند.^۲

فحایت کلاسی

با توجه به حدیث بالا فقیهانی که هدایت مردم را در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عهده دارند، چه ویژگی هایی دارند؟

۱- کافی، ج ۱، ص ۶۷.

۲- وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

هریک از ویژگی‌های چهارگانه‌ای که در سخن امام صادق **علیه السلام** خواندیم باعث می‌شوند رهبران جامعه از انجام کارهایی که سعادت دنیا و آخرت مردم را به خطر می‌اندازد دوری کنند. برای مثال، به ویژگی اول (یعنی پرهیزکاری) توجه کنید؛

به نظر شما اگر هدایت و رهبری مردم به کسی سپرده شود که پرهیزکار نباشد و هر کاری که دلش بخواهد انجام دهد، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

آیا چنین فردی حاضر است با عدالت بین مردم رفتار کند؟

آیا او احکام خدا را به نفع خود و اطرافیانش تفسیر نخواهد کرد؟

اسلام شناسان و فقیهان واقعی کسانی‌اند که در سخنان و راهنمایی‌هایشان، کاملاً پیرو سخنان و راهنمایی‌های معصومین‌اند و در هر مسئله‌ای در حقیقت نظر پیامبر اکرم و امامان را برای مردم بازگو می‌کنند. بنابراین باید بگوییم که پذیرفتن فتوای فقیهان – که برگرفته از قرآن و احادیث معصومین **علیهم السلام** است – در واقع پذیرفتن سخنان امامان است و مخالفت با فقها، مخالفت با احادیث معصومین **علیهم السلام** است.

اکنون بهتر می‌فهمیم که چرا در فرهنگ شیعه، فقیهان، نایب و جانشین امام زمان **علیه السلام** به شمار می‌روند و همان‌گونه که مردم در زمان امامان معصوم موظف بودند که از آنان اطاعت کنند، در عصر غیبت باید از جانشینان امام زمان **علیه السلام** یعنی فقیهان پیروی کنند.

در فرهنگ شیعه به این مسئله مهم (یعنی رهبری و هدایت مردم جامعه توسط یک فقیه جامع الشرایط) ولایت فقیه گفته می‌شود.

ولایت فقیه، اسلام شناسی است دانا، شجاع، مدیر و مدبر که در هر زمان با در نظر گرفتن مصلحت جامعه اسلامی، از تمام توان و امکانات برای پاسداری از دین و اجرای احکام الهی در جامعه استفاده می‌کند و نمی‌گذارد که دشمنان اسلام با به خطر انداختن کشور اسلامی مانع اجرای دستورات خداوند در جامعه شوند.

بیدارگر قرن

آیا شما کسی را می‌شناسید که تمام ویژگی‌های لازم را برای رهبری و هدایت مردم داشته‌باشد؟
«... هنگامی که از در وارد شد، احساس کردم که گردبادی بزرگ از نیروهای معنوی وزیدن گرفت. گویا در ورای آن عباي قهوه‌ای، عمامه سیاه و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت، آن چنان که همه بینندگان را محو تماشای خود می‌کرد. ناگهان احساس کردم که با حضور او همه ما کوچک

شده‌ایم و گویا در آن مکان اصلاً کسی جز او باقی نمانده است.

آری! او بارقه‌ای از نور بود که در قلب و روح همه حاضران رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی را که گمان می‌کردم می‌توانند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کنند، در هم شکست.

هنگامی که بر روی صندلی‌اش نشست، احساس کردم که نیرویی از وجودش پخش می‌شود. نیرویی مانند یک گردباد که اگر با دقت نگاه می‌کردی در می‌یافتی که آرامشی عظیم در درون آن نهفته است. در عین حال او را آن چنان آرام و ساکت می‌دیدم که گویی نیرویی ثابت در درونش جریان دارد و البته این نیرو همان نیرویی است که رژیم سابق ایران را به یک باره برچید.

اما آیا چنین شخصیتی می‌تواند یک فرد عادی باشد؟

من تاکنون هیچ یک از مردان بزرگ را برتر از او و حتی مانند او ندیده‌ام.

کمترین چیزی که می‌توانیم بگویم این است که گویا او یکی از انبیای گذشته است یا اینکه او

موسای اسلام است که آمده تا قوم خود را نجات دهد.»

آنچه خواندیم بخشی از نوشته‌های «روبین وود زورث» یکی از مشهورترین خبرنگاران آمریکاست

که پس از ملاقات امام خمینی در حسینیه جماران درباره شخصیت امام نوشته شده است.

کتاب وی^۱ تنها یکی از هزاران عنوان کتابی است که درباره شخصیت این بیدارگر بزرگ قرن

نوشته شده است. امام خمینی رهبری است که نه تنها ملت ایران بلکه تمام مردم آزاده جهان و حتی

دشمنان اسلام و انقلاب را نیز به تحسین وادار.

مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا که لحظه‌ای از دشمنی با اسلام و انقلاب اسلامی مردم ایران

دست بر نداشته است در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کننده امام اعتراف می‌کند که :

آیت الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن چنان رعدآسا

بود که مجال هرگونه تفکر و برنامه‌ریزی^۲ را از سیاستمداران و نظریه پردازان سیاسی می‌گرفت.

هیچ کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهایی غیر از معیارهای شناخته شده

در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی او از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت الله خمینی

با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او حتی در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت.^۳

۱- که با نام «زیباترین تجربه من» منتشر شده است.

۲- واضح است که منظور کسینجر از برنامه ریزی همان نقشه کشیدن برای چپاول و غارت کشورهای ضعیف تر است.

۳- عصر امام خمینی، ص ۳۷.

امام در قرنی که دین و معنویت کاملاً منزوی شده بود و چیزی نمانده بود که مساجد و کلیساها به فراموشی سپرده شوند، با معجزه خود، یعنی انقلاب اسلامی، به یک باره تمام نقشه‌های شوم ابرقدرت‌ها را بر هم زد و یک بار دیگر به مردم سراسر جهان نشان داد که برای خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت هیچ راهی جز بازگشت به مسیر نورانی پیامبران وجود ندارد.

او عابدی بود شب زنده‌دار و سیاستمداری آگاه، مانند عادی‌ترین مردم زندگی می‌کرد و به کودکان عشق می‌ورزید، در تمام سال‌های رهبری‌اش در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی کرد. هرگز به کسی ظلم نکرد و در برابر هیچ ستمگری سکوت نکرد. او که دشمنان اسلام از شنیدن نامش به وحشت می‌افتادند، اگر صدای گریه کودکی را می‌شنید به شدت متأثر می‌شد.

برای عمل به اسلام از هیچ کس نمی‌ترسید و خدا را حقیقتاً از همه بزرگ‌تر می‌دید. همان‌گونه که محکم و استوار می‌گفت: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، وقتی نام امام حسین و یارانش را می‌شنید، اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد.

به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌داد، روزی چند مرتبه قرآن می‌خواند و در جمع مردم حاضر می‌شد و برای آنان صحبت می‌کرد.

در برابر شاه می‌گفت: من توی دهن این دولت می‌زنم و در برابر مردم محروم می‌گفت: به من خدمتگزار بگوئید بهتر است از اینکه مرا امام خود بنامید.

اینها بخشی از ویژگی‌های امام خمینی بود که باعث شد در زمان غیبت امام زمان **علیه السلام**، وظیفه هدایت و رهبری مردم به عهده او گذاشته شود. پس از رحلت این مرد بزرگ الهی، مسئولیت مهم و سنگین رهبری جامعه اسلامی به عهده یکی از نزدیک‌ترین یاران ایشان یعنی آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت. دوران‌دیشی، شجاعت، پرهیزکاری، و وفاداری ایشان به امام و انقلاب اسلامی سبب شد که مجلس خبرگان وی را شایسته‌ترین فرد برای رهبری جامعه اسلامی معرفی کنند.

- ۱- با توجه به حدیث امام صادق **علیه السلام** ویژگی‌های راهنمایان مردم را در عصر غیبت بیان کنید.
- ۲- توضیح دهید چرا مردم باید از ولی فقیه پیروی کنند؟
- ۳- سه ویژگی از ویژگی‌های امام خمینی ره را بیان کنید.
- ۴- پس از رحلت امام خمینی چگونه رهبری جامعه به عهدهٔ مقام معظم رهبری قرار داده شد؟

پیشنهاد

شما می‌توانید با کمک افراد آگاه و یا مراجعه به کتاب‌هایی که دربارهٔ زندگی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند، خاطرات یا داستان‌هایی از زندگی این مردان بزرگ را یادداشت کرده و آنها را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.



فصل پنجم: اخلاق



دین اسلام دین کاملی است که نه تنها سعادت انسان را در روز قیامت تضمین می‌کند، بلکه به خوشبختی او در همین دنیا نیز توجه ویژه‌ای دارد و برای زیباتر شدن زندگی انسان در دنیا راهنمایی‌های ارزشمندی به او کرده است. در سال‌های پیش با برخی از این راهنمایی‌های اخلاقی آشنا شدیم که از میان آن‌ها می‌توان به دعوت به راستگویی، خوش‌قولی، انتخاب دوستان خوب، علم‌جویی و پرهیز از عجله، شتاب‌زدگی و سرگرمی‌های افراطی اشاره کرد.

فصل حاضر به موارد دیگری اشاره می‌کند که رعایت آن‌ها نیز باعث زیباتر شدن زندگی انسان می‌شود.

درس دوازدهم (دعا و نیایش) به تأثیر دعا و نیایش در رفع مشکلات زندگی پرداخته و آداب دعا را به ما می‌آموزد. این درس در ادامه به موانع استجاب دعا اشاره کرده و به پاسخ این پرسش می‌پردازد که چرا بعضی دعاها مستجاب نمی‌شوند؟ درس سیزدهم (بازتاب عمل) به معرفی چند عمل می‌پردازد که آثار آن‌ها در همین زندگی دنیایی ما پدیدار شده و انجام آن‌ها می‌تواند حوادث و مسیر زندگی ما را تغییر دهد.

درس چهاردهم (سربازان شیطان) به معرفی دو ویژگی اخلاقی ناپسند (حسادت و ناامیدی) می‌پردازد که اگر در کسی وجود داشته باشند. خوشبختی او را هم در دنیا و هم در آخرت به خطر می‌اندازند. این درس در ادامه به راه‌های غلبه بر این سربازان نفوذی شیطان می‌پردازد.



دعا و نیایش

امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** در نامه‌ای به فرزند بزرگوارشان امام حسن **علیه السلام**

می‌نویسد :

... (پسرم) بدان، کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست، فرصت دعا کردن را به تو داده، و جواب دادن به دعای تو را نیز به عهده گرفته است. تو را فرمان داده که از او بخواهی تا ببخشد و رحمت طلب کنی تا عطا کند. هرگاه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود، و چون با او راز دل گویی راز تو را می‌داند، پس حاجت خود را با او بگویی و اندوه خود را در پیشگاه او بگشایی، تا غم‌هایت را برطرف کند و در مشکلات تو را یاری رساند. از گنجینه‌های رحمتش چیزهایی بخواه که جز او کسی نمی‌تواند عطا کند، افزونی عمر، تندرستی بدن و گشایش روزی. (پسرم) خداوندی که به تو اجازه دعا کردن داده، (درحقیقت) کلید گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده است، پس هرگاه خواستی می‌توانی با (کلید) دعا، درهای نعمتش را بگشایی، و رحمتش را بر خود نازل کنی!

برداشت شما از این جملات امام **علیه السلام** چیست؟

به نظر شما چرا دعا کردن این قدر مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته است؟



چراغ همیشه فروزان

تصور کنید که مشغول مسافرت با هواپیما هستید. ناگهان هواپیما تکان‌های شدیدی می‌خورد و همه چیز به هم می‌ریزد. کنترل هواپیما به دلیل نقص فنی از دست خلبان خارج شده است. در این لحظه که از هیچ‌کس کاری ساخته نیست چه می‌کنید؟ کاملاً طبیعی است که انسان در خطرها و مشکلات بزرگ، خدا را صدا کرده و از او یاری بخواهد، اما بعضی از مردم به اشتباه تصور می‌کنند دعا کردن تنها مخصوص همین زمان‌هاست.

توجه به فرهنگ نورانی قرآن، نشان دهنده این واقعیت است که ما همیشه و در همه حال به خدا و یاری او نیازمندیم و بدون اجازه و خواست او نمی‌توانیم حتی کوچک‌ترین کارها را نیز انجام دهیم. به همین دلیل، پیشوایان دین دعاهایی را به ما آموخته‌اند تا بتوانیم به این وسیله همواره با خدا ارتباط داشته و از یاری او بهره‌مند شویم.

دعاهای روزهای هفته، دعای هنگام خواب، دعای وقت مطالعه، دعای هنگام وضو، دعای هنگام برخاستن از خواب، دعای سوار شدن به وسیله نقلیه و... نمونه‌هایی از هزاران دعا هستند که ارتباط انسان را در همه حال با خدای خود برقرار می‌سازند. قرآن کریم با اشاره به اهمیت دعا کردن می‌فرماید:



این آیه نورانی به خوبی نشان می‌دهد که دعا کردن باعث جلب توجه ویژه خداوند می‌شود و کسانی که از دعا روی می‌گردانند، در حقیقت خود را از لطف خاص پروردگار محروم می‌کنند.

۱- سوره فرقان، آیه ۷۷.

به محتوای نمازهای پنجگانه دقت کنید و دعاهایی را که در هر شبانه روز در ضمن نماز از خداوند می‌خواهید، بیان کنید.
توجه داشته باشیم که صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و خاندان پاکش بهترین دعاهاست.

ثمرات دعا و نیایش

دانستیم که ما با دعا کردن مورد توجه خدا قرار می‌گیریم و علاوه بر بهره‌مندی از پاداش‌های عبادت کنندگان در روز قیامت، در همین دنیا نیز شایستگی دریافت نعمت‌های بیشتر خدا را به دست می‌آوریم.
امام صادق علیه السلام دربارهٔ این اثر مهم نیایش می‌فرماید:

همانا نزد خداوند بلند مرتبه جایگاهی است که جز با درخواست و دعا نمی‌توان به آن رسید. اگر بنده دهانش را ببندد و درخواست نکند، چیزی به دست نخواهد آورد، پس بخواه تا به تو عطا شود و این را بدان که هر درّی که پیوسته کوبیده شود، بالاخره به روی انسان باز خواهد شد.^۱

فایدهٔ دیگر دعا کردن، آرامش روحی است.

روشن است که احساس اضطراب و ناامیدی وقتی به سراغ انسان می‌آید که او خود را در برابر سختی‌های جانفرسا تنها ببیند و کسی را نیابد که مشکلاتش را با او در میان گذاشته و از او یاری بطلبد.^۲

۱- کافی، ج ۲، ص، ۴۶۷.

۲- الکسیس کارل، پزشک و روانشناس مشهور فرانسوی در کتاب «نیایش» می‌نویسد: «فقدان نیایش در میان یک ملت، مساوی با سقوط آن ملت است و اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است معمولاً از فساد و نابودی در امان نخواهد بود. البته برای بهره‌مندی از آثار عمیق نیایش، این کار باید پیوسته و با توجه انجام گیرد، نه این که انسان صبح را با نیایش شروع کند، ولی بقیهٔ روز را مانند حیوانات وحشی به سر برد.»

آداب دعا

آداب دعا نکته‌هایی هستند که رعایت آنها باعث می‌شود دعای انسان مورد توجه بیشتر خداوند قرار گیرد و زودتر مستجاب شود.

برای آشنایی بیشتر با این آداب، احادیث زیر را که از پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام به ما رسیده با دقت بخوانید :

— هرگاه درخواستی از خداوند سبحان داشتی، دعایت را با صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آغاز کن؛ زیرا خداوند، کریم تر از آن است که کسی از او دو درخواست کند و او یکی از آنها را برآورده سازد، ولی دیگری را نپذیرد.^۱

— در چهار وقت فرصت را برای دعا کردن غنیمت شمارید؛ هنگام قرائت قرآن، وقت اذان، هنگام باریدن باران و هنگام روبه‌رو شدن سپاه ایمان و لشکر کفر.^۲

— هرگاه امام باقر علیه‌السلام حاجتی داشت، ابتدا چیزی صدقه می‌داد و سپس خود را معطر می‌ساخت و به مسجد می‌رفت و آنگاه در هنگام اذان ظهر به دعا می‌پرداخت.^۳

— نزدیک‌ترین دعاها به اجابت، دعای کسی است که در دعا‌های پنهانی‌اش ابتدا برای دیگران دعا می‌کند. هرگاه کسی این چنین دعا کند، از عرش الهی ندا می‌رسد: هزاران برابر آنچه برای او خواستی، برای خود توست.^۴

فعالیت کلاسی

با توجه به احادیثی که خواندیم، فهرستی از آداب دعا تهیه کنید و اگر آداب دیگری از دعا را می‌دانید، آن را برای دوستانتان در کلاس بیان کنید. شما می‌توانید بهترین فهرست را در کلاس نصب کنید.

پاسخ به یک پرسش

ممکن است این پرسش برای شما هم به وجود آمده باشد که چرا گاهی اوقات با اینکه ما آداب دعا را رعایت می‌کنیم، اما باز هم دعایمان مستجاب نمی‌شود؟

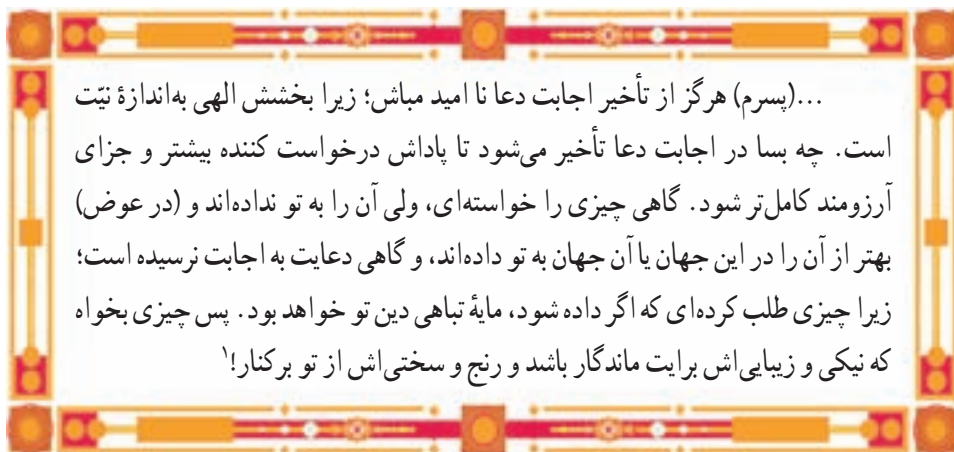
۲- کافی، ج ۲، ص ۴۷۷.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۶۱.

۴- کافی، ج ۴، ص ۴۶۵.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۷۸.

متن زیر که بخش دیگری از نامه امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام به فرزند گرامی‌شان امام حسن مجتبی علیه السلام است، به پاسخ این پرسش اشاره می‌کند. این بخش را مطالعه کنید و قسمت انتهایی درس را کامل کنید :



بنابراین، علت برآورده نشدن دعاهاى ما عبارت است از :

۱- خداوند می‌خواهد تا با این کار پاداش بیشتری به ما داده شود.

۲-

۳-

بیشتر بدانیم

ما در این درس با برخی از آداب دعا آشنا شدیم. اما علاوه بر آنچه تاکنون خواندیم، عوامل دیگری هم هستند که می‌توانند دعاهاى ما را بیش از پیش مورد توجه خداوند مهربان قرار دهند.

به حدیث زیر توجه کنید :

رسول خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** می‌فرماید:^۱

روز جمعه سرور روزهای دیگر است. نیکی‌ها در این روز دوچندان شده و گناهان

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۳.

محو می‌شوند. دعاها در روز جمعه مستجاب، گرفتاری‌ها برطرف و حاجات انسان‌ها برآورده می‌شود. جمعه روزی است که خداوند بیش از هر روز دیگری، گرفتاران آتش را آزاد و از عذاب می‌رهاند. هرکس که حق این روز را بشناسد و خداوند را در این روز بخواند، بدون شک خداوند بلند مرتبه او را از آتش رهانیده و اگر در آن روز یا شب بمیرد، شهید خواهد بود و در روز قیامت در امان خداوند برانگیخته خواهد شد.

برداشت شما از این حدیث چیست؟

آیا شما هم زمان یا مکان خاصی را می‌شناسید که خداوند در آن زمان یا مکان لطف و مغفرت بیشتری نسبت به بندگانش داشته باشد؟
در آینده با این زمان‌ها و مکان‌ها بیشتر آشنا خواهیم شد.

خود را امتحان کن

- ۱- چرا انسان نباید تنها در سختی‌ها و مشکلات زندگی به دعا و نیایش با خداوند پردازد؟
- ۲- دعا کردن چه فایده‌هایی دارد؟ به دو مورد اشاره کنید.
- ۳- چهار مورد از آداب دعا را بیان کنید.
- ۴- بنابر فرمایش حضرت علی **علیه السلام** چرا برخی از دعاهایی که می‌کنیم فوری برآورده نمی‌شوند؟

پیشنهاد

در کتاب مفاتیح الجنان برای هر یک از روزهای هفته دعایی از امامان معصوم آورده شده است.
شما می‌توانید با مراجعه به این کتاب، ترجمه یکی از این دعاها را یادداشت کرده و آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.^۱

پروردگارا، به ما در دنیا (نیکی) عطا کن و در آخرت نیز
(نیکی) مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش ننگه دار.

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا
وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.^۲

پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز، و گام‌های ما را
استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرما.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.^۳

پروردگارا، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را،
(از راه حق) منحرف مگردان و از سوی خود، رحمتی بر ما
ببخش؛ زیرا تو بخشنده‌ای.

۱- بقره، آیه ۲۰۱.

۲- بقره، آیه ۲۵۰.

۳- آل عمران، آیه ۸.

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا
وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ * رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ
لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ. ١

پروردگارا، مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز
چنین فرما)، پروردگارا، دعای مرا بپذیر و مرا و پدر و مادرم و
همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می‌شود، ببامرز.

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ
وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا
إِنَّكَ رَوْفٌ رَحِيمٌ. ٢

پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند
ببامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار
مده. پروردگارا، تو مهربان و رحیمی.

١- ابراهیم، آیات ٤٠ و ٤١.

٢- حشر، آیه ١٠.

بازتاب عمل

وقتی که با ضربه‌ای محکم توپ را به دیوار می‌کوبید، چه اتفاقی می‌افتد؟ امروزه برای دانشمندان کاملاً روشن است که در تمام خلقت، هیچ رویدادی بدون حساب و به صورت اتفاقی رخ نمی‌دهد؛ بلکه حتی کوچک‌ترین و ساده‌ترین اتفاقات نیز تابع قوانین ثابت و دقیقی هستند که جهان خلقت براساس آنها آفریده شده است. قانون عمل و عکس‌العمل نمونه‌ای از این قوانین است که شما در سال‌های گذشته با آن آشنا شدید.

فعالیت کلاسی

- ۱- قانون عمل و عکس‌العمل را در کلاس توضیح دهید و برای آن مثالی بزنید.
- ۲- به نظر شما آیا خداوند بزرگ این قانون را تنها برای اجسام مادی قرار داده است یا اینکه اعمال و رفتار ما نیز تابع همین قانون اند؟



در حال خارج شدن از مدرسه هستید که می بینید جلوی درِ مدرسه یک پوست موز بر روی زمین افتاده است. با خود فکر می کنید اگر یکی از بچه ها حواسش نباشد و هنگام خارج شدن از مدرسه پایش را روی آن بگذارد حتماً به زمین خواهد افتاد.

برای خشنودی خداوند خم می شوید و پوست موز را برداشته و در سطل زباله می اندازید. چند دقیقه بعد، نزدیک منزل، در کنار خیابان چشمتان به نیازمندی می افتد. اتفاقاً او را می شناسید و می دانید که واقعاً به کمک دیگران نیاز دارد. مقداری پول همراه شماست که آن را برای خود نگه داشته اید. هر چند دوست دارید آن پول را برای خودتان مصرف کنید، اما باز هم برای خشنودی خداوند از خودتان می گذرید و با خوش رویی پول را به آن نیازمند می دهید. حالا کمی فکر کنید، شما در این چند دقیقه به چه کسی بیش از دیگران نیکی کرده اید؟ اشتباه نکنید!

بر اساس قانون عمل و عکس العمل، هر کاری عکس العملی متناسب با خود دارد که به صاحبش باز می گردد. پس شما در هر کار خیری که انجام می دهید، بیش از همه به خودتان نیکی کرده اید. البته این قانون درباره اعمال ناشایست نیز وجود دارد و دود این کارها نیز ابتدا به چشم صاحبش خواهد رفت.

ما در ادامه این درس به بررسی برخی کارها می پردازیم که نتیجه آنها نه تنها در روز قیامت، بلکه در همین دنیا نیز دیر یا زود به صاحبش باز می گردد.

۱- صدقه

خوب به خاطر دارم، آن روز هوا خیلی گرم بود. همان روزی که باید برای آدای نذر از مکه تا مدینه را زیر آفتاب سوزان با پای پیاده می رفتم.

در میان راه به روستایی رسیدیم؛ من که چند ساعتی در گرمای شدید پیاده روی کرده و خیلی تشنه بودم، از اهالی روستا هندوانه ای خریدم و از شدت تشنگی در همان جا آن را بریده و مشغول خوردن شدم. در حالی که هندوانه می خوردم متوجه شدم که کسی آن طرف تر مرا زیر نظر دارد. زنی بود که لباس های مندرسی به تن داشت. گمان کردم که از چوپان های آن اطراف است که می خواهد پوست هندوانه ها را برای گوسفندانش ببرد.

بعد از خوردن هندوانه از جا برخاستم و پوست هندوانه ها را کنار جاده رها کرده و به راه افتادم.

۱- ماجرای واقعی است از روحانی زاهد، شیخ محمد تقی بهلول متوفای سال ۱۲۸۵.

هنوز چندان دور نشده بودم که سر و صدای چند کودک توجهم را جلب کرد. وقتی برگشتم با صحنه‌ی عجیبی روبرو شدم. همان زن را دیدم که در میان هفت - هشت کودک قد و نیم قد سعی می‌کرد برای ساکت کردنشان به هر یک از آن‌ها تکه‌ای پوست هندوانه بدهد. به سمت آنها رفتم و با تعجب علت این ماجرا را از زن سؤال کردم. زن ابتدا از جواب دادن به من سر باز زد، اما وقتی اصرار مرا در سؤال کردن دید بالاخره گفت: این‌ها فرزندان من هستند که مدتی است پدرشان را از دست داده‌اند و ما در این مدت، زندگی سختی را می‌گذرانیم. امروز که دیدم دیگر نمی‌توانم گریه‌ی آنها را تحمل کنم، به ناچار از خانه بیرون آمدم تا شاید چیزی برای رفع گرسنگی‌شان پیدا کنم. این پوست هندوانه‌ها لافل برای مدتی شکم آنها را پر می‌کند.

سیصد ریال سعودی^۱ همراه داشتم. تصمیم گرفتم همه‌ی آن پول را به زن بدهم. شیطان به سراغم آمد که تو خودت در این کشور غریبی! اگر همه پول را به او بدهی خودت چه کار می‌کنی؟ باز فکر کردم من هر قدر که نیاز داشته باشم از این زن و کودکانش نیازمندتر نیستم. من شاید بتوانم بعداً برای خودم کاری کنم، ولی او که هیچ کاری نمی‌تواند کند.

تصمیم خودم را گرفتم. دستم را در جیبم کردم و تمام پولم را به زن دادم و دوباره به راه افتادم...



همین‌طور که در آن هوای سوزان راه جاده را در پیش گرفته بودم و به سرنوشت نامعلوم خودم فکر می‌کردم، اتوبوسی کنارم توقف کرد. حاجی‌های ایرانی بودند که به مدینه می‌رفتند. آنها که دیده بودند من در هوای گرم با پای پیاده راه می‌روم، دلشان برایم سوخته بود و می‌خواستند مرا سوار اتوبوس کنند؛ در این میان ناگهان یکی از مسافران از داخل اتوبوس فریاد زد: آقا شیخ محمد تقی، شما هستید؟! سپس با عجله از اتوبوس پیاده شد و بدون مقدمه شروع کرد به بوسیدن من.

با خودم گفتم: خدایا در این بیابان، این مرد کیست؟ مرا از کجا می‌شناسد؟ از لابه‌لای حرف‌هایش فهمیدم که سال‌ها پیش شاگردم بوده است. او اول با اصرار از من خواست سوار اتوبوس شوم، اما وقتی ماجرای نذر مرا فهمید، گفت: پس یک لحظه صبر کنید! سپس با عجله وارد اتوبوس شد و مقدار زیادی پول با خودش آورد و گفت: این هدیه ناچیزی است که من از مدت‌ها پیش می‌خواستم تقدیم شما کنم، اما نمی‌توانستم شما را پیدا کنم. خواهش می‌کنم که قبول کنید.

آن روز هر قدر من تلاش کردم که آن پول را نپذیرم، فایده‌ای نداشت و آن مرد بالاخره با اصرار زیاد، پول را به من داد و رفت. وقتی اتوبوس دور شد، پول را شمردم، دقیقاً سه هزار ریال سعودی

۱- واحد پول کشور عربستان مانند ایران ریال است.

بود. ده برابر پولی که به آن زن داده بودم. بی اختیار به یاد کلام خداوند افتادم که می فرماید :

فعالیت کلاسی

آیات زیر را با دقت بخوانید و مشخص کنید کدام یک از آن‌ها ارتباط بیشتری با ماجرای بالا دارد؟

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. (زلزال، آیات ۷ و ۸)

پس هر کس به اندازه ذره‌ای نیکی کند، آن را می بیند و هر کس به اندازه ذره‌ای بدی کند (نیز) آن را می بیند.

وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.
(سبأ، آیه ۳۹)

و هر چه را (در راه خدا) انفاق کنید، او عوض آن را به شما می دهد و او بهترین روزی دهندگان است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا. (انعام آیه ۱۶۰)

هر کس کار نیکی به جای آورد، ده برابر آن پاداش خواهد گرفت.

همان گونه که دیدیم رسیدگی به محرومان و صدقه دادن یکی از کارهایی است که نتیجه آن علاوه بر جهان آخرت در همین دنیا نیز به انسان باز خواهد گشت. البته این تأثیر تنها مربوط به صدقه دادن نیست و کارهای دیگری هم هستند که چنین اثری دارند. یکی از این کارها صلۀ رحم است.

۲- صلۀ رحم

هرکاری که باعث محکم تر شدن روابط خویشاوندی شود، صلۀ رحم نام دارد. سلام و احوالپرسی، دید و بازدید، محبت کردن به بستگان، تلاش برای رفع مشکلات آنها و هر کار دیگری که آنان را خوشحال می کند، نمونه های این عمل پسندیده اند.

امام باقر **علیه السلام** درباره آثار صله رحم بر زندگی انسان در همین دنیا می فرماید :

صله رحم اعمال را نیکو می کند، بلاها را از انسان دور می سازد، دارایی را بیشتر کرده و عمر انسان را افزایش می دهد، رزق و روزی را گشایش می دهد و باعث جلب محبت نزدیکان می شود.^۱

۳- نیکی به والدین

یکی از واجبات بسیار مهم در دین اسلام، نیکی به پدر و مادر است. این مسئله آن قدر اهمیت دارد که خداوند بلند مرتبه بارها در قرآن کریم، بلافاصله پس از دستور به اطاعت از خود می فرماید : «به پدر و مادر نیکی کنید.»

جالب است بدانید که در دین ما، موضوع احترام به پدر و مادر مسئله ای است که هیچ استثنایی ندارد و حتی اگر پدر و مادر کسی افراد صالحی هم نباشند، موظف است که با آنان با کمال ادب و احترام رفتار کرده و از آنها اطاعت کند. البته روشن است که اگر پدر و مادر انسان را به کاری دعوت کنند که خداوند از آن راضی نیست، دیگر نمی توان از آنان اطاعت کرد.

عمل به این دستور اسلام، علاوه بر نقش مهمی که بر سعادت انسان در جهان آخرت دارد، تأثیرات زیادی نیز بر زندگی انسان در دنیا دارد. زیاد شدن دارایی و ثروت، آسان جان دادن در هنگام مرگ، برطرف شدن مشکلات و طولانی شدن عمر، تنها برخی از نتیجه های احترام به والدین است. امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** با اشاره به یکی دیگر از نتیجه های این عمل نیک می فرماید :

کسی که به والدینش نیکی کند، فرزندانش نیز به او نیکی می کنند.^۲

۱- کافی، جلد ۲، ص ۱۵۲.

۲- غررالحکم، ص ۴۰۷.

هوش و استعداد بالایی او در کنار پشتکار زیادی که داشت، از همان ابتدا نوید بخش آینده‌ای روشن برای او بود. هنوز هجده سالش تمام نشده بود که دروس مقدماتی حوزه را پشت سر گذاشت و برای تحصیل در سطح عالی علوم اسلامی راهی قم شد.

در حوزه علمیة قم با جدیت به فراگیری دانش‌های فقه، اصول و فلسفه نزد اساتید بزرگی مانند آیت الله بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی و شیخ مرتضی حائری یزدی پرداخت.

کسانی که آن طلبه جوان را می‌شناختند، هرگز گمان نمی‌کردند که او به این راحتی قم را ترک کند، اما نامه‌ای که آن روز به دستش رسید، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. نامه‌ای غم‌انگیز از طرف خانواده!

بیماری آب مروارید یک چشم پدر را نابینا کرده است ...

تردید ذهن و فکرش را فرا گرفت. چه باید می‌کرد؟

از طرفی او سال‌ها برای فراگیری علم و دانش زحمت زیادی کشیده بود و تا به ثمر رسیدن زحمت‌هایش چیز زیادی باقی نمانده بود. فقط چند سال دیگر برای او کافی بود تا ...

از طرف دیگر، پدر به او نیاز داشت.

تصمیم دشواری بود! باید یکی را انتخاب می‌کرد. پیشرفت علمی یا پدر؟

و بالاخره در حالی که بسیاری از دوستانش آرزو می‌کردند به جای او باشند، او

تصمیم گرفت قم را ترک کند و برای مراقبت از پدر به مشهد باز گردد.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای خود درباره آن زمان می‌گوید:

«به مشهد رفتم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد. به هر حال به دنبال کار و

وظیفه خود رفتم. اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم، اعتقادم این است که ناشی از همان

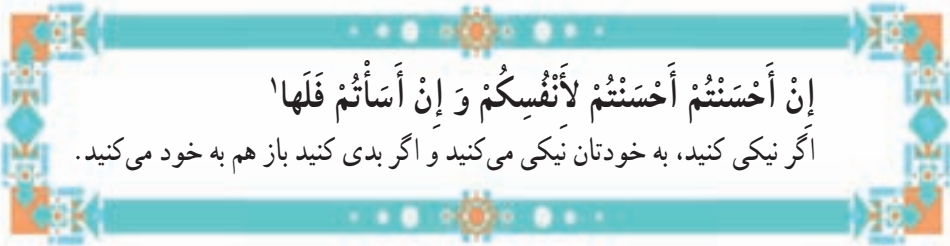
پری^۱ است که به پدر، بلکه به پدر و مادر انجام داده‌ام».

خوب است بدانیم که ایشان در مشهد نیز در کنار مراقبت از پدر پیر و بیمار، به

ادامه تحصیل در محضر اساتید بزرگ حوزه مشهد پرداخته و هم‌زمان به تدریس معارف

دینی به طلاب جوان و دانشجویان مشغول شدند.

آنچه در این درس خواندیم به روشنی به ما می آموزد که هر کار نیک یا بدی پیش از اینکه آثارش به دیگران برسد، به صاحب خودش بر می گردد و در حقیقت هرکسی در دنیا با نتیجه اعمال خودش زندگی می کند. خداوند حکیم درباره این موضوع می فرماید :



فعالیت کلاسی

شخصی به ابوذر نامه ای نوشت و از او خواست که او را نصیحتی کند. ابوذر در پاسخ نوشت : به کسی که بیش از همه دوستش داری بدی نکن! مرد با خواندن پاسخ نامه از خود پرسید : مگر می شود کسی را بیش از همه دوست داشته باشی و به او بدی کنی؟ حتماً آن مرد دانا از این گفته خود منظور دیگری داشته است، خوب است نامه دیگری برایش بنویسم و منظور او را از این سخن جو یا شوم
با کمک آیهای که خواندیم، منظور ابوذر را از این سخن توضیح دهید.

خود را امتحان کن

- ۱- قانون بازتاب اعمال را با یک مثال توضیح دهید.
- ۲- سه کار را نام ببرید که نتیجه آن در همین دنیا به انسان برگردانده می شود.
- ۳- ثمرات نیکی به پدر و مادر را بنویسید.



حدیث امیرالمؤمنین علی **علیه السلام** درباره نیکی به پدر و مادر را (که در این درس خواندیم) با بزرگ ترهای خانواده مانند پدر، مادر، پدر بزرگ و یا مادر بزرگ خود در میان بگذارید و از آنان بخواهید که اگر خاطره یا داستانی درباره این حدیث دارند، برای شما بازگو کنند.

شما می توانید این خاطرات را یادداشت کرده و در کلاس برای هم کلاسی هایتان بخوانید.

سربازان شیطان

— چرا پدر او را بیشتر از ما دوست دارد؟
— او سخت در اشتباه است! این ماییم که گوسفندان را می چرانیم، آن وقت او یوسف را بیش از ما دوست دارد!
— اگر می خواهید نزد پدر عزیز باشید چاره ای ندارید جز این که یوسف را از او دور کنید!
— او را می کشیم، پس از آن نیز توبه می کنیم و انسان های نیکوکاری می شویم!
— نه؛ او را به بیابان می بریم و در چاهی می اندازیم، شاید رهگذران او را پیدا کنند و با خود به سرزمینی دوردست ببرند



به نظر شما چه چیزی باعث شد که برادران بزرگ و نیرومند حضرت یوسف چنین رفتار بی رحمانه ای با برادر کوچک خود داشته باشند؟
در سال های پیش با برخی از ویژگی های ناپسند اخلاقی آشنا شدیم. اکنون قصد داریم با معرفی دو سرباز دیگر از سربازان نفوذی شیطان، به بررسی راه های مبارزه با آنها بپردازیم.

۱- حسادت

حسادت روحیه ای است که باعث می شود فرد از دیدن نعمت های خدا در دست دیگران ناراحت شود و آرزو کند آن نعمت ها هر چه زودتر از بین بروند. برای شخص حسود اصلاً اهمیتی ندارد که آیا دیگران شایسته آن نعمت ها هستند یا خیر! او فقط می خواهد مردم نعمت هایشان را از دست بدهند. دو همکلاسی را تصور کنید که خودشان را برای مسابقات علمی آماده می کنند. یکی از آنها وقت کافی برای مطالعه اش در نظر گرفته است. به تمام راهنمایی های معلمانش با دقت عمل می کند و سخت تلاش می کند خود را به مراتب بالاتر برساند.

اما دیگری مطالعه‌اش را جدی نگرفته است. گاهی در جلسات آمادگی برای مسابقه حاضر می‌شود و گاهی غیبت می‌کند. وقتی هم که در کلاس حضور دارد آن را جدی نمی‌گیرد و حواسش فقط به ساعت است تا ببیند چه زمانی کلاس به پایان می‌رسد.

فکر می‌کنید هنگامی که زمان مسابقات فرا می‌رسد و دانش‌آموز سختکوش به عنوان نماینده مدرسه معرفی می‌شود، دانش‌آموز دیگر چه واکنشی از خود نشان دهد؟ ممکن است دانش‌آموز دوم ضمن تبریک گفتن به دوستش از این اتفاق درس گرفته و با سرمشق قرار دادن رفتار او بر تلاش خود بیفزاید تا بتواند در مسابقات آینده به عنوان فرد برگزیده به مسابقات برود.

اما برخی افراد در این هنگام رفتار دیگری از خود نشان می‌دهند. آنها با نادیده گرفتن واقعیت سعی می‌کنند شایستگی دوست خود را انکار کنند و او را از چشم دیگران بیندازند. آنها می‌گویند: مگر او چه چیزی بیشتر از من دارد؟ من ثابت می‌کنم که او لیاقت این مقام را ندارد. من اگر به جای معلمم بودم هیچ وقت چنین کسی را برای مسابقات معرفی نمی‌کردم...

در برخورد اول شخص سعی می‌کند با کمک خواستن از خدا و تلاش بیشتر به چیزی که ندارد دست یابد. این روحیه‌ای مثبت و ارزشمند است. اما در برخورد دوم فرد نمی‌خواهد چیزی را به دست آورد؛ بلکه آرزوی این است که آنچه دیگران دارند از دست برود. این روحیه ناپسند، حسادت نام دارد.

شخص حسود نه تنها باعث رنجش اطرافیانش شده و دوستانش را از دست می‌دهد؛ بلکه به دلیل رفتار ناپسندش با بندگان خدا، خشم خداوند را نیز برانگیخته و از رحمت الهی دور می‌شود.

فعالیت کلاسی

به موارد زیر توجه کنید و رفتار انسان‌های حسود و انسان‌های غیر حسود را در هر مورد پیش‌بینی کنید.

- ۱- وقتی می‌بیند یکی از هم‌کلاس‌هایش با معدل بسیار خوب رتبه اول کلاس را به دست می‌آورد.
- ۲- وقتی می‌بیند هم‌کلاسی‌هایش به یکی از دوستان او خیلی احترام می‌گذارند.
- ۳- وقتی از طرف مدرسه، به یکی از دوستانش جایزه‌ای داده می‌شود.

ویرانگر ایمان

برخی از خصوصیات ناپسند، علاوه بر اینکه خودشان یک گناه بزرگ‌اند، زمینه‌ساز گناهان بزرگ دیگری نیز به شمار می‌روند. حسادت از این خصوصیات است.

شخص حسود که موفقیت مردم را شکست خود می‌داند، هر کاری می‌کند تا از موفقیت آنها جلوگیری کند. او برای اینکه کسی را از چشم دیگران بیندازد، دربارهٔ او بدگویی می‌کند، خوبی‌هایش را انکار می‌کند، به او تهمت می‌زند و حتی برای شکست دادنش نقشه‌های مختلف می‌کشد. شخص حسود برای رهایی از اضطرابی که دارد به هر کاری دست می‌زند و حتی حاضر است برای بدنام کردن دیگران و از بین بردن نعمت‌های آنها مرتکب هر گناهی شود. روشن است که این بی‌پروایی در گناهان رفته رفته انسان را به دره هولناک بی‌ایمانی خواهد کشاند..

امام صادق علیه السلام دربارهٔ نقش حسادت در بی‌ایمانی افراد می‌فرماید:



درمان حسادت، چگونه؟

کسی که احساس می‌کند در معرض بیماری حسد قرار گرفته است، باید پیش از هر چیز به نعمت‌های بزرگی که خداوند به خود او داده است توجه کند و خدا را به خاطر آن نعمت‌ها سپاس گوید. کسی که می‌داند نعمت‌های گرانبهایی دارد که حتی شخص مورد حسادت نیز از برخی از آنها محروم است، هرگز از ارزش خود غافل نمی‌شود و به دیگران حسادت نمی‌کند.

گام بعدی برای درمان حسادت این است که انسان با خود ببیند، نابودی نعمت‌های دیگران چه سودی برای خود او خواهد داشت؟

— آیا سرشکستگی دیگران می‌تواند مرا سربلند کند؟

— اگر هم کلاسی من نتواند نمرهٔ خوبی کسب کند، آیا در نمرهٔ من تأثیری دارد؟

وقتی می‌بینیم شکست دیگران هیچ سودی برای ما ندارد منطقی این است که به جای ناراحت شدن از رشد آنها، از خدا بخواهیم تا ما را نیز مانند آنها به رشد و موفقیت برساند. این روحیهٔ ارزشمند، غبطه نام دارد که هرگز با حسادت قابل مقایسه نیست. البته فراموش نکنیم که در کنار دعا کردن باید

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۰۶.

برای موفقیت خود برنامه‌ریزی کنیم، از تجربیات دیگران استفاده کنیم و بر میزان کار و تلاش خود بیفزاییم.

گام سوم برای درمان بیماری حسادت، نیکی به دیگران است. وقتی که انسان خودش را به احترام و نیکی به دیگران عادت می‌دهد، خود به خود احساس حسادتی که به آنها دارد از بین می‌رود. به علاوه این کار باعث می‌شود که دیگران نیز به او احترام گذاشته و او را دوست بدارند و به این ترتیب، دیگر زمینه‌ای برای حسادت در دلش باقی نخواهد ماند.

۲- یأس و ناامیدی

دومین سرباز نفوذی شیطان که گاهی در مسیر رشد انسان قرار گرفته و او را از ادامه راه بازمی‌دارد ناامیدی است. ناامیدی حالتی است که معمولاً پس از شکست در کارها یا از دست دادن برخی نعمت‌ها و سرمایه‌ها به سراغ انسان می‌آید.

این مسئله طبیعی است که هیچ‌کس دوست ندارد در کارهایش با شکست مواجه شود. اما واقعیت این است که شرایط زندگی همیشه آن‌گونه که ما انتظار داریم نخواهد بود و ما خواه‌ناخواه گاهی نیز با شکست رو به رو می‌شویم. در این زمان، منطقی‌ترین راه این است که خود را برای پذیرش واقعیت آماده کنیم و از هر شکست تجربه‌ای برای پیروزی‌های بعد به دست آوریم.

ولی در این میان کسانی هم هستند که نمی‌توانند از شکست‌هایشان درسی بگیرند؛ زیرا که هرگاه می‌خواهند کاری را شروع کنند، فوراً تصویر شکست قبلی جلوی چشمشان می‌آید و از ترس اینکه در این کار هم نتوانند موفق شوند، اصلاً کار جدید را شروع نمی‌کنند.

به نظر شما برای غلبه بر ناامیدی در این موارد چه باید کرد؟

اول: یاد خدا و اعتماد به او

قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^۱

و هرکس بر خدا تکیه کند، او برایش کافی است.

۱- سوره طلاق، آیه ۳.

انسان با ایمان می‌داند که در لحظه‌لحظه زندگی همواره کسی است که حمایتگر اوست. آن کسی که خودش فرموده است از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است و هر وقت لازم باشد به یاری‌اش خواهد شتافت. بنابراین هجوم مشکلات و سختی‌ها نه تنها او را ناامید نمی‌کند؛ بلکه عزم او را در روبه‌رو شدن با سختی‌ها جدی‌تر می‌کند؛ زیرا که می‌داند هریک از مشکلات زندگی در حقیقت امتحانی از جانب خداست که می‌تواند پاداش بزرگی به دنبال داشته باشد.

دوم : پایداری و جدیت : راه دیگر برای غلبه بر ناامیدی استقامت در کارهاست. ممکن است انسان در مرتبه اول نتواند کاری را به درستی و با موفقیت به انجام رساند، اما یقیناً با درس گرفتن از شکست‌ها و استقامت در کار می‌تواند شکست را تبدیل به پیروزی کند.

در تاریخ می‌خوانیم سکاکی مردی هنرمند بود که با فلزات ابزارهای بسیار دقیقی می‌ساخت. روزی قفلی بسیار زیبا ساخته و نزد حاکم شهر برد. حاکم که از دیدن آن قفل زیبا شگفت‌زده شده بود مشغول تعریف از او بود که یکی از دانشمندان وارد شد. همین که چشم حاکم به او افتاد، سکاکی و قفلش را فراموش کرده و مشغول صحبت با دانشمند شد.

سکاکی که توجه حاکم به دانشمند را دید، تصمیم گرفت به هر قیمتی شده به دنبال کسب دانش برود، اما چگونه؟ او چهل سال داشت و دیگر هیچ استادی حاضر نبود وقتش را به خاطر آموزش او تلف کند تا اینکه بالاخره یک استاد حاضر شد به او خواندن و نوشتن بیاموزد. روزهای اول برایش خیلی سخت بود. او حتی نمی‌توانست یک جمله را هم به درستی حفظ کند و برای همین، مورد تمسخر دیگران قرار می‌گرفت. از این گذشته باید به مکتب‌خانه می‌رفت و کنار کودکان می‌نشست تا از استاد درس بگیرد.

چیزی نمانده بود که ناامیدی او را از تصمیمش منصرف سازد تا اینکه روزی بیرون از شهر چشمش به سنگ بزرگی افتاد که وسطش سوراخ شده بود. بالای آن سنگ جایی بود که قطرات آب از آن بر سنگ می‌چکیدند و رفته رفته باعث سوراخ شدن آن سنگ شده بودند. با خودش گفت: ذهن من هر قدر هم که سخت و ناکارآمد شده باشد، دیگر از این سنگ سخت‌تر نیست. باید علم و دانش را کم‌کم و با تکرار به ذهنم وارد کنم. او با جدیت به کسب دانش پرداخت و استقامت خود را از دست نداد تا اینکه از بزرگ‌ترین دانشمندان زمان خود شد. جالب است بدانیم که برخی از کتاب‌های وی تا صدها سال مورد استفاده دانشجویان و دانشمندان قرار می‌گرفت.

فعالیت کلاسی

- ضرب‌المثل‌های زیر را بخوانید و توضیح دهید کدام یک از آنها انسان را امیدوار و کدام یک او را ناامید می‌کند؟
- ۱- از تو حرکت از خدا برکت.
 - ۲- آب رفته به جوی باز نمی‌گردد.
 - ۳- آب که از سرگذشت چه یک وجب، چه صد وجب.
 - ۴- بالاتر از سیاهی، رنگی نیست.
 - ۵- ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است.
 - ۶- پایان شب سیه، سپید است.
 - ۷- جلوی ضرر را هر وقت بگیری، منفعت است.
 - ۸- تیری که در رفت، به شصت نیاید.

خودت را امتحان کن

- ۱- حسادت چیست و چه تفاوتی با غبطه دارد؟
- ۲- راه‌های درمان بیماری حسادت را توضیح دهید.
- ۳- دو راه اصلی غلبه بر ناامیدی را بیان کنید.

بیشتر بدانیم

یکی از خطرناک‌ترین انواع ناامیدی یأس و ناامیدی از رحمت خداست. دین اسلام ناامیدی از رحمت الهی را از بزرگ‌ترین گناهان شمرده و می‌فرماید:

لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ^۱

از رحمت خدا نومید مباشید؛ زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود.

حتماً این پرسش برای شما هم به وجود آمده است که ناامیدی از رحمت خداوند، چگونه می‌تواند انسان را به دره هولناک کفر بکشاند؟
برای پاسخ به این پرسش، خوب است ابتدا مثالی بزنیم:
در برخی بیماری‌ها، پزشکان به افراد بیمار سفارش می‌کنند علاوه بر مصرف دارو، از خوردن بعضی خوراکی‌ها نیز پرهیز کنند. واضح است که اگر فرد بیمار به دستورات پزشک عمل کند، می‌تواند به بیماری خود غلبه کرده و بهبودی‌اش را باز یابد.
اما گاهی نیز بیماری‌هایی پیدا می‌شوند که – به دلیل بی‌اطلاعی از شرایط درمان خود – خیلی زود از معالجه ناامید شده و گمان می‌کنند که دیگر به آخر خط رسیده‌اند. آنان در این هنگام با خودشان فکر می‌کنند دیگر چه پرهیز کنند و چه نکنند، تغییری در سرنوشت آنها ایجاد نخواهد شد، پس پرهیز را کنار گذاشته و درمان خود را نیمه‌کاره رها می‌کنند.
در این زمان حتی یک بیماری ساده نیز می‌تواند بسیار خطرناک شود.
کسی که از رحمت خداوند ناامید می‌شود درست مانند بیماری است که به اشتباه تصور می‌کند دیگر امید به بهبودی‌اش نیست. این گونه افراد وقتی دچار گناهی می‌شوند، به جای اینکه به رحمت خدا بازگشته و فوری با توبه و پرهیز از گناهان اشتباهشان را جبران کنند، با ناامیدی خود را از همین حالا در جهنم می‌دانند و فکر می‌کنند چه توبه کنند و چه نکنند، سرنوشتی جز جهنم نخواهند داشت. در این هنگام است که با خود می‌گویند: «ما که بالاخره قرار است به جهنم برویم، پس چرا باید خودمان را اذیت کنیم و از بسیاری کارها چشم‌پوشی کنیم؟» و با این تصور غلط کم‌کم تبدیل به شخصی می‌شوند که از هیچ گناهی رویگردان نیست.
به نظر شما آیا برای این افراد عاقبتی جز کفر می‌توان تصور کرد؟



فصل ششم: جامعه



محیطی که در آن زندگی می‌کنیم - خوب یا بد - تأثیر مستقیمی بر افکار و رفتارهای ما دارد. به همین دلیل لازم است که ویژگی‌های یک محیط مناسب را بشناسیم تا بتوانیم محیط خود را سالم نگه داریم و از فضای آن بهترین استفاده را ببریم.

درس شانزدهم (ثمرات انقلاب اسلامی) به بررسی محیط عمومی جامعه ما قبل و پس از پیروزی انقلاب می‌پردازد و ویژگی‌های مثبتی را که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کشورمان شکل گرفت، بیان می‌کند. این درس سپس با یادآوری دشمنان این کشور، نقشه‌های آنان را برای از بین بردن محیط سالم جامعه اسلامی توضیح می‌دهد.



ثمرات انقلاب اسلامی

شما در کتاب تاریخ با جنگ های ایران و روسیه در زمان حکومت قاجار آشنا شدید. یادآوری مفاد عهدنامه های گلستان، ترکمنچای و ... چه احساسی در شما به وجود می آورد؟ ضمن مقایسه این جنگ ها با جنگ تحمیلی ایران و عراق، نتیجه این جنگ ها را با هم مقایسه کنید.

دیروز و امروز

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، ده ها هزار مستشار خارجی (که چهل هزار نفر آنان آمریکایی بودند) کارهای مختلف را در کشور ما به دست داشتند. آنها به ما این گونه القا کرده بودند که ایرانی نمی تواند در دنیای علم و صنعت حرفی برای گفتن داشته باشد. در آن زمان اگر ما حتی یک دستگاه صنعتی را نیز با پرداخت هزینه های بسیار هنگفت از ابرقدرت ها می خریدیم، برای استفاده از آن دستگاه مجبور بودیم کارشناسان و مهندسان را نیز از همان کشورها به ایران بیاوریم. غربی ها تحقیر و توهین به ملت ما را به حدی رسانده بودند که ما را مردمی وحشی خوانده و از ما برای حضور در ایران حقوق فوق العاده ای به نام حق توحش می خواستند.

وضعیت بهداشت در شهرها و روستاهای ما تأسف انگیز بود و برای حل مشکلات مردم مجبور بودیم از ده ها هزار پزشک پاکستانی و هندی در ایران پذیرایی کنیم.

در آن زمان در میان بیش از پنجاه و چهار هزار روستای کشور تنها دو هزار روستا از برق برخوردار بودند و وضعیت آب آشامیدنی و راه ها هم در روستاها به همین شکل بود. بی سوادگی گسترده مردم را آزار می داد و کمتر از نیم درصد مردم می توانستند به دانشگاه بروند!

انتخاباتی که در کشور انجام می‌شد کاملاً نمایشی بود و نمایندگان مجلس و بقیه مسئولان کشور توسط شاه و دربار انتخاب می‌شدند. مردم در حالی در فقر و بیچارگی به سر می‌بردند که معادن مختلف و منابع نفت و گاز ما به دست غربی‌ها به یغما می‌رفت. حکومت شاه که دینداری مردم را مانعی برای فساد، خود می‌دید با هر چیزی که رنگ و بوی دینی داشت مخالفت می‌کرد و در عوض با دایر کردن مراکز فساد، جوانان را از دین دور می‌کرد.

در این شرایط بود که مردم ایران به رهبری امام خمینی که یک مرجع دینی بود در برابر حکومت شاه قیام کردند و با سقوط شاه شرایط کشور دگرگون شد.

انقلاب اسلامی بیش از آنکه یک حرکت سیاسی در تاریخ کشورمان به شمار آید، بازگشتی دوباره به دین و ارزش‌های دینی است و به همین دلیل ثمراتی بیش از یک حرکت سیاسی را به دنبال داشته است. ثمرات بزرگی که اهمیت آنها هرگز از تغییر حکومت کمتر نیست.

ثمرات انقلاب اسلامی

قرآن کریم صریحاً به مؤمنان می‌فرماید :

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۱

و سست نشوید و غمگین نباشید، (زیرا که) شما برترید اگر ایمان داشته باشید.

برداشت شما از این آیه نورانی چیست؟

یکی از ثمرات ارزشمند انقلاب، زنده شدن روحیه خودباوری و احساس بزرگی در میان ملت ایران است.

مردم ایران مانند بسیاری از ملت‌های محروم دنیا باور کرده بودند که بدون اجازه و کمک چند بر قدرت بزرگ، نمی‌توانند هیچ مشکلی را به تنهایی حل کنند، اما انقلاب اسلامی این توهم بزرگ را به ناگهان فرو ریخت و به ما نشان داد که ملتی که با هم متحد باشد و برای خدا قیام کند، می‌تواند با یک رهبری مدبرانه هر مشکلی را حل کرده و خود را به قله‌های پیشرفت و سعادت برساند.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

با دوستانتان در کلاس گفت و گو کنید و شرایط پیش از انقلاب کشورمان را با شرایط کنونی ایران مقایسه کنید.

فکر می کنید چند کشور در دنیا می توانند موجودات زنده را شبیه سازی کنند؟
چند کشور از فناوری پرتاب ماهواره به فضا برخوردارند؟
چند کشور به فناوری پیچیده هسته ای دست یافته اند؟
اینها بخشی از پیشرفت های علم و فناوری در کشور ماست که باعث شده است تا ایران در میان کشورهای منطقه به بالاترین رشد تولید علم دست یابد و در برخی رشته های علمی جزء پنج کشور اول جهان قرار گیرد.

این پیشرفت های سریع چشم های ملت های محروم را به ایران خیره کرد و باعث شد که آنان نیز با الگوگرفتن از انقلاب ایران، برای رهایی از وابستگی به ابرقدرت ها به تکاپو بیفتند. امروزه بیداری اسلامی در جهان اسلام و حتی فراتر از آن حرکت های حق طلبانه مردم در نقاط دیگر جهان نیز بیش از هر چیز مرهون حرکت ملت ایران در برابر استکبارگران جهانی است.

به نظر شما ابرقدرت هایی که سالها به استثمار ملت های محروم پرداخته اند، آیا حاضرند به راحتی میدان را خالی کرده و از ثروت های این کشورها چشم پوشی کنند؟
فکر می کنید آنها چه برنامه ای برای ادامه غارتگری خود در این کشورها دارند؟

نقشه های شیطانی

مشرکان مکه که با ظهور اسلام موقعیت خود را در خطر می دیدند، ابتدا تلاش کردند تا با پیشنهاد های فریبنده به پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** او را از ادامه دعوت مردم به اسلام منصرف کنند. اما هنگامی که دیدند نمی توانند رسول خدا را فریب دهند، دست به کارهای دیگری زدند و دشمنی خود را با مسلمانان آشکار کردند.

ماجرای شعب ابی طالب یکی از نقشه های مشرکان برای شکست مسلمانان بود. آنها مسلمانان

را در محاصرهٔ شدید اقتصادی قرار دادند تا مجبور شوند دست از اسلام برداشته و دوباره اختیار خود را به دست مشرکان بسپارند.

جالب است بدانید که دقیقاً همین ماجرا در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی برای ما تکرار شد و آمریکا و هم‌پیمانانش طرح تحریم (یا همان محاصره) اقتصادی ایران را به تصویب سازمان ملل رساندند.^۱

گام دوم غارتگران برای به زانو درآوردن ملت ایران، توسل به زور و جنگ نظامی بود. رژیم بعثی عراق در شهریور ۱۳۵۹ به دستور آمریکا جنگی را در برابر ما آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید.

اگرچه در این جنگ بسیاری از دولت‌های چپاول‌گر از رژیم صدام حمایت می‌کردند، اما باز هم ارادهٔ خداوند بر ارادهٔ شیطان پیروز شد و ملت ایران با اتکای به خداوند و بدون کمترین وابستگی به قدرت‌های بیگانه توانست نیروهای متجاوز را از میهن اسلامی بیرون براند.^۲

این واقعه نیز کاملاً شبیه همان برنامه‌ای بود که مشرکان صدر اسلام برای شکست مسلمانان ترتیب دادند. آنها نیز هنگامی که دیدند نمی‌توانند در برابر اسلام کاری از پیش ببرند، با یکدیگر متحد شده و به جنگ با رسول خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** پرداختند. این شباهت‌ها به ما نشان می‌دهد که برنامه‌های شیطان برای گمراهی انسان‌ها همواره ثابت بوده است و تنها افراد هستند که در طول تاریخ جایشان را به یکدیگر می‌سپارند.



محاصرهٔ اقتصادی، حمله نظامی، ترور و بمب‌گذاری، تفرقه‌افکنی و تلاش برای کودتا و ایجاد جنگ داخلی... این‌ها همه نقشه‌هایی بود که استعمارگران بارها و بارها آنها را پس از انقلاب به کار گرفتند، اما باز هم نتوانستند اسلام را در این کشور شکست دهند. پس از این مراحل بود که آنان به فکر استفاده از آخرین و مخرب‌ترین سلاح خود در برابر ملت ایران افتادند.
می‌توانید حدس بزنید این سلاح چیست؟

۱- این تحریم‌ها هنوز هم برطرف نشده است و دولت‌های استکباری به مناسبت‌های مختلف تلاش می‌کنند تا دایرهٔ تحریم را تنگ‌تر

کنند.

۲- جالب است بدانید که در طول جنگ تحمیلی، در میان افرادی که به اسارت نیروهای ما درآمدند سربازانی از ۲۵ ملیت و کشور مختلف وجود داشتند و حتی در مواردی که آمریکایی‌ها می‌دیدند شکست صدام نزدیک است، خودشان مستقیماً وارد جنگ می‌شدند.

شکست عبرت انگیز

هنگامی که آخرین سربازان از کشتی‌ها پیاده شدند، دستور عجیب فرمانده صادر شد: همه کشتی‌ها را آتش بزنید!

یعنی درست می‌شنیدند؟ کشتی‌های خودشان را آتش بزنند؟ آن‌هم اینجا در سرزمین دشمن؟ اگر نتوانند پیروز شوند تکلیفشان چیست؟ چگونه از این سرزمین بگریزند؟

اما دستور همین بود و فرمانده با کسی شوخی نداشت و کمی بعد، شعله‌های آتش از کشتی‌ها زبانه کشید.

«هیچ راهی برای بازگشت نیست. اکنون تنها دو راه در پیش روی ماست، یا مردانه می‌جنگیم و پیروز می‌شویم و یا در همین سرزمین مدفون می‌شویم. انتخاب با شماست ...»

و این‌گونه بود که هفت هزار سرباز توانستند کشور بزرگ اندلس^۱ را فتح کرده و به سرزمین امروز فرانسه برسند. حالا دیگر اسلام به قلب اروپا رسیده بود و مسئولیت دشوارتر مسلمانان تازه آغاز شده بود ...



از فتح آندلس بیش از صد سال می‌گذشت و این کشور حالا کشوری آباد و پیشرفته شده بود. مرکزی برای تجارت، کسب دانش و صنعت. این موضوع در کنار سودی که برای اروپایی‌ها داشت، حساسیت عده‌ای را نیز برانگیخته بود.

وجود یک کشور مسلمان و پیشرفته در اروپا، مایه نگرانی کشورهای مسیحی همسایه شده بود. جوانان مسیحی که پیشرفت‌های مسلمانان را می‌دیدند، رفته رفته به آنها علاقه‌مند شده و در نهایت مسلمان می‌شدند و تحمل این وضع برای بزرگان این کشورها دشوار بود. از طرفی آنها می‌دانستند که نمی‌توانند با مسلمانان بجنگند، پس باید چاره دیگری می‌اندیشیدند.

آنها فکر کردند و نقشه کشیدند و باز نقشه کشیدند تا اینکه بالاخره؛

۱- آندلس شامل کشور اسپانیا و بخش وسیعی از کشور پرتغال امروزی است.

: جناب امیر، ما از طرف پادشاه خود برای شما پیشنهادی آورده‌ایم. ما حاضریم برای شما مدرسه و اماکن تفریحی رایگان بسازیم و خودمان نیز بدون اینکه از شما پولی بخواهیم آنها را اداره کنیم. مسلمانان می‌توانند به صورت رایگان از این مراکز استفاده کنند. به علاوه ما حاضریم با شما قراردادی برای تجارت آزاد امضا کنیم؛ یعنی بازرگانان ما و شما بتوانند هر کالایی را که دارند آزادانه به کشورهای یکدیگر برده و آنها را خرید و فروش کنند...



مدتی بعد، کودکان و نوجوانان مسلمان به مدارس می‌رفتند که همسایگان نیرنگ بازشان آنها را اداره می‌کردند. آنها در این مدارس بدون اینکه خود بدانند، نزد معلمان مسیحی تعلیمات مسیحی می‌دیدند.

مراکز تفریحی آنان نیز توسط زنان بی‌حیا و آلوده‌ای اداره می‌شد که گروه گروه از کشورهای همسایه وارد آندلس می‌شدند.

در این میان، بازرگانان مسیحی براساس قراردادی که داشتند، هر روز بشکه‌های بزرگ شراب را روانه مراکز تفریحی مسلمانان می‌کردند و جوانان مسلمان، بی‌خبر از دامی که برایشان پهن شده بود جذب این مراکز می‌شدند.

همکاری‌های تجاری با مسیحیان باعث نزدیکی حاکمان مسلمان به پادشاهان مسیحی کشورهای همسایه نیز شده بود، به گونه‌ای که هرگاه حاکمی با حاکمی دیگر اختلافی پیدا می‌کرد، برای سرکوب او از پادشاهان مسیحی درخواست کمک می‌کرد و به این ترتیب حاکمان مسلمان هر روز از هم دورتر و به مسیحیان وابسته‌تر می‌شدند.

چند سال بعد، دیگر در آندلس نه از فرماندهان دلاور خبری بود و نه از سربازان غیور و از جان گذشته. تنها چیزی که از آندلس بزرگ باقی مانده بود حاکمانی بود وابسته، جامعه‌ای بی‌تفاوت و جوانانی بی‌اراده و غرق در عیاشی و خوشگذرانی.

در این بین، عده کمی هم بودند که هنوز در این باتلاق فرو نرفته بودند، اما از دست آن عده محدود کاری بر نمی‌آمد.

واضح بود که این سربازان، دیگر آن دلاورمردانی نیستند که کشتی‌هایشان را آتش بزنند و به دشمن حمله کنند. و بالاخره این همان موقعیتی بود که دشمنان اسلام

سال‌های طولانی انتظار آن را می‌کشیدند. سربازان مسیحی با اولین حمله، آندلس را تسخیر کردند و پس از صدها سال دوباره مردم آن سرزمین را با شمشیرهایشان مسیحی کردند و هرکس هم که حاضر نشد از اسلام دست بکشد از دم تیغ گذراندند.^۱

شیبختون فرهنگي

امروزه قدرت‌های بزرگ به خوبی دریافته‌اند که جنگ‌های نظامی علاوه بر هزینه‌های بسیار گزافی که دارند، باعث تنفر ملت‌ها از متجاوزین نیز می‌گردند و این مسئله ادامه کار آنها را در کشورهای دیگر مشکل می‌کند. به همین دلیل آنها برای به زانو درآوردن ملت‌ها راهکار جدیدی به نام جنگ نرم^۲ یا شیبختون فرهنگی را در پیش گرفته‌اند.

شایعه پراکنی^۳، ایجاد تفرقه بین مردم و مسئولان کشور، تولید فیلم‌های ضد ایرانی و ضد اسلامی، تهیه و پخش فیلم‌ها و تصاویر زشت و مبتذل، ساخت بازی‌های رایانه‌ای نامناسب، تولید و پخش مواد مخدر در بین جوانان و تلاش همه جانبه برای ترویج بی‌حجابی و بی‌عفتی، بخشی از این جنگ نرم بر علیه ملت و فرهنگ ماست.^۴

دشمنان با استفاده از تجربیات شومی که از سرگذشت آندلس و حوادث مانند آن اندوخته‌اند، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با تکرار آن رویدادها ملت مسلمان ما را به زانو درآورند. کم‌اهمیت جلوه دادن حجاب، عادی‌سازی روابط نادرست بین دختران و پسران، ترویج بی‌عفتی و آلوده کردن جوانان از اصلی‌ترین نقشه‌های دشمنان در زمان حاضر است. آنها به خوبی می‌دانند که

۱- برگرفته از: تاریخ حکومت مسلمین بر اروپا (محمد ابراهیم آیتی) / تمدن اسلام و عرب (گوستاو لوبون) / تاریخ فتوحات اسلام در اروپا (شکیب ارسلان)

۲- جنگ نرم به اقداماتی گفته می‌شود که به وسیله آن می‌توان یک کشور را بدون استفاده گسترده از نیروهای نظامی سرنگون کرد.

۳- یکی از شایعاتی که دشمن به شدت در مورد آن تبلیغ می‌کند این است که جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد بمب اتمی بسازد. دشمن با ایجاد و گسترش این شایعه می‌خواهد ما را از استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای - که حق مسلم هر کشوری است - محروم و تمامی دنیا را به کشور عزیزمان بدبین سازد.

۴- خوب است بدانیم که مجلس نمایندگان آمریکا هر سال به صورت رسمی ده‌ها میلیون دلار از بودجه خود را به طرح‌هایی که بتواند نظام اسلامی را در ایران از بین ببرد، اختصاص می‌دهد که این مبلغ معمولاً صرف شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و رادیوهای ضد ایران می‌شود. البته مبلغ واقعی کمک‌های پنهانی صهیونیست‌ها و سایر دشمنان اسلام برای مقابله با انقلاب اسلامی بسیار بیشتر از مبلغی است که به صورت رسمی اعلان می‌شود.

اگر جوانان مسلمان به دستورات اسلام درباره حفظ حجاب و پاکدامنی خود عمل کنند، شکست آنها بسیار دشوار خواهد بود. پس تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا آنها را از تعلیمات حکیمانه اسلام دورنگه دارند.

قرآن کریم درباره این نیرنگ همیشگی دشمنان اسلام می‌فرماید:

وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا^۱
و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا - اگر بتوانند - شما را از دینتان برگردانند.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی دشمن از تحریم اقتصادی، جنگ نظامی و شبیخون فرهنگی چیزی جز نابودی باورهای دینی مردم و دور کردن آنها از دین نیست. اکنون ارزش این کلمات نورانی امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** برای ما روشن تر می‌شود که می‌فرماید:

پاداش مجاهد شهید در راه خدا بزرگ‌تر از پاداش انسان عقیف و پاکدامنی نیست که قدرت انجام گناه را دارد، ولی خود را آلوده نمی‌کند؛ همانا انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته‌ای از فرشته‌ها شود.^۲

فعالیت کلاسی

یک بار دیگر نقشه‌های بیگانگان را برای شکست ایران اسلامی مرور کنید و درباره راه‌های مقابله با این نقشه‌ها با دوستانتان در کلاس گفت و گو کنید.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۷۷.

- ۱- ثمرات انقلاب اسلامی را به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۲- چند نمونه از اقدامات ابرقدرت‌ها برای شکست نظام اسلامی ایران را توضیح دهید.
- ۳- خطرناک‌ترین سلاح دشمن در جنگ علیه انقلاب اسلامی چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- هدف اصلی دشمنان را از اجرای نقشه‌های مختلف در کشورهای اسلامی بیان کنید.

بیشتر بدانیم

طبل تو خالی

شاه جنایتکار از ایران فرار کرده و میلیاردها دلار از دارایی‌های ملت را نیز با خود از ایران خارج کرده است؛ در حالی که مردم ایران خواستار بازگرداندن او به ایران و محاکمه‌اش هستند و هیچ دولتی حاضر نیست او را بپذیرد، آمریکا اعلام می‌کند که با آغوش باز آماده پناه دادن به شاه است. دولت ایران از آمریکا می‌خواهد که شاه را به همراه دارایی‌های ایران به کشورمان بازگرداند، اما دولت آمریکا هیچ اعتنایی به درخواست ملت ایران نمی‌کند. هر روز از گوشه و کنار کشور خبر از اغتشاشاتی می‌رسد که ریشه در سفارت آمریکا در تهران دارد.

جاسوسان آمریکایی با عنوان کارمند سفارت آمریکا در ایران، با تمام توان مشغول تهیه نقشه‌ای برای کودتای نظامی بر علیه انقلاب اسلامی هستند.

جوانان انقلابی و دانشجویان که از این همه شیطنت و نیرنگ آمریکایی‌ها به تنگ آمده‌اند، در حرکتی خودجوش به سفارت آمریکا یا همان لانه جاسوسی حمله کرده و کارکنان آن را دستگیر می‌کنند. دانشجویان اعلام می‌کنند که تا آمریکا شاه را به ایران بازنگرداند، جاسوسان را آزاد نمی‌کنند.

کارتر رئیس جمهور آمریکا شتابزده و خشمگین در برابر دوربین‌های خبری قرار

گرفته و اعلام می‌کند اگر ایران سریعاً جاسوسان را به کشورشان بازنگرداند، آمریکا به ایران حمله نظامی خواهد کرد.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک است و کارتر برای پیروز شدن در این انتخابات شدیداً نیازمند یک حرکت تبلیغاتی است و چه تبلیغاتی بهتر از حمله به ایران و آزاد کردن جاسوسان؟!

تهدیدهای نظامی آمریکا بسیاری از مردم را در نگرانی فرو برده است.

: « آمریکا بزرگ‌ترین قدرت نظامی روز دنیاست. مگر می‌شود در برابر آمریکا مقاومت کرد؟ راستی اگر آمریکا به کشورمان حمله کند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ... »
عده‌ای ترسو که هنوز در حال و هوای زمان شاه به سر می‌برند کم‌کم صدایشان در می‌آید: چه کسی می‌خواهد در برابر آمریکا بایستد؟ آنها را آزاد کنید و ماجرا را تمام کنید. آدم عاقل که با دم شیر بازی نمی‌کند

چیزی نمانده است که همین تهدیدها کار خودش را بکند که ناگهان ورق کاملاً بر می‌گردد. بقیه ماجرا را از کتاب خاطرات همیلتون جُردن (رئیس کاخ سفید و دست راست کارتر) می‌خوانیم:

برژینسکی در حالی وارد دفتر رئیس جمهور شد که متن کامل سخنان (امام) خمینی نسبت به رئیس جمهوری آمریکا را در دست داشت. او خشمگین و عصبانی، بعضی از جملات آن را با صدای بلند برای ما می‌خواند:

« ... اینها خیال نکنند که ما همین‌طور نشسته‌ایم تا اینها هر غلطی می‌خواهند بکنند، نه این‌طور نیست. مسئله، مسئله انقلاب است. یک انقلاب بزرگ‌تر از انقلاب اول خواهد شد. باید سر جای خودشان بنشینند و این (شاه) خائن را برگردانند ... آمریکا توقع دارد که شاه را برود به آنجا (و علیه این ملت) توطئه کند، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کند، و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند؟ ... چرا ما باید بترسیم؟ کارتر تپل تو خالی است. او عَرَضه هیچ کاری را ندارد ... آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند ... »

دیگر مطمئن بودیم که آنها می‌خواهند گروگان‌های آمریکایی را به اتهام جاسوسی محاکمه کنند. همه ما از تصور اینکه آنها افراد ما را محاکمه و سپس اعدام خواهند کرد

بر خود لرزیدیم، این درحالی بود که ما با حالی نزار در کاخ سفید نشسته بودیم و نمی دانستیم چه کار باید بکنیم!

برای من روشن بود که کلید انتخابات ما در دست کسان دیگری در آن سوی دنیا است؛ همان کسانی که تصمیم و عملشان تا آخرین لحظه برای ما قابل پیش بینی نیست. کارتر در هواپیما به من گفت: عجیب است که سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری کشور بزرگ ما نه در شیکاگو یا نیویورک، بلکه در تهران تعیین می شود.

چند روز بعد در اشیگل^۱ خواندم که: «زمانی ایالات متحده می توانست تصمیم بگیرد که چه کسی در ایران بر مسند قدرت بنشیند، اما امروز، در ۱۹۸۰م. یک آیت الله در تهران می تواند سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده را تعیین کند.»

